



خبرنامه الکترونیک انجمن روان‌شناسی ایران

electronic newsletter of Iranian Psychological Association

زمستان ۱۴۰۱ - Winter 2023

فهرست مطالب این شماره

۱. سخن نخست: ۲ /
۲. بحث ویژه: در مسیر جهانی بدون خشونت؛ دکتر حمید پورشریفی / ۳
۳. اخبار و اطلاعیه‌های انجمن روان‌شناسی ایران: سایت جدید انجمن روان‌شناسی ایران راه‌اندازی شد، نامه «انجمن روان‌شناسی ایران» و «جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران» به روسای دانشگاه‌ها عضویت و تمدید عضویت، فراخوان دریافت مقاله روان‌شناسی سلامت بالینی؛ فراخوان دریافت مقاله مجله بین‌المللی روان‌شناسی؛ فراخوان دریافت مقاله نشریه دانش روان‌شناسی؛ مجله علمی - ترویجی انجمن، ارتباط با انجمن / ۱۶
۴. وبینارها و دوره‌های آموزشی و سخنرانی‌های انجمن: / ۲۰
۵. یادداشت‌های ویژه: خاموشی تابناک؛ دکتر حبیب‌الله قاسمزاده، پرخاشگری انطباقی و ناسازگار؛ دکتر علی سلیمانی، ریشه‌های خشونت و راهکارهای مداخله‌ای مناسب؛ دکتر حسام شاهمرادی، مروری بر موضوع خشونت؛ دکتر کمیل زاهدی تجربی / ۲۷
۶. یادداشت‌ها: چرا آدم‌ها جنگ‌افروزی می‌کنند؟ چیزی که تکامل و روان‌شناسی تطبیقی، درباره جنگ و کشتار به ما می‌آموزد، چه ویژگی‌هایی باعث گرایش نوجوانان به خود جرحی می‌شود؟ چه مدلی تبیین‌کننده این پدیده است؟ خشونت جمعی؛ دیدگاه‌های متفاوت گروه‌های قربانی و مرتکب در مورد خشونت جمعی و ارائه مدل مداخله برای حل و فصل آن، خشونت علیه زنان، خشونت: چیستی، پیامدها، مداخلات / ۳۷
۷. چکیده پایان‌نامه دکتری: معرفی ۱ پایان‌نامه / ۶۴
۸. معرفی کتاب‌های جدید: معرفی ۲ کتاب / ۶۵
۹. مجله‌های منتشرشده: معرفی ۴ مجله / ۶۷
۱۰. تبریک‌ها و تسلیت‌ها: تسلیت خدمت جناب آقای دکتر سیدکاظم واعظ موسوی / ۷۰
۱۱. شرایط و تسهیلات عضویت در انجمن: / ۷۱

سردبیر	Editor in Chief
دکتر ندا علی بیگی	Neda Alibeigi, Ph.D.
معاون سردبیر	Deputy editor
دکتر حمیرا ورمقانی	Homeira Varmaghani, Ph.D.
شورای دبیران (به ترتیب الفبا)	Editorial Board
دکتر حمید پورشریفی	Hamid Poursharifi, Ph.D.
دکتر حسن حمیدپور	Hassan Hamidpour, Ph.D.
دکتر شیوا دولت‌آبادی	Shiva dowlatabadi, Ph.D.
دکتر علی صاحبی	Ali Sahebi, Ph.D.
دکتر لادن فتی	Ladan Fata, Ph.D.
مدیر اجرایی	Executive Manager
یاسمین صفا	Yasamin Safa
همکاران این شماره	
یاسمن صفا	Yasaman Safa
فریده اسدی	Farideh Asadi
صدیقه صندوقدار	Sedigheh Sandoghdar

انجمن روان‌شناسی ایران با هدف گسترش، پیشبرد و ارتقای علم روان‌شناسی تشکیل شده است و بالغ بر ۳۲۷۹۵ عضو دارد؛ از این تعداد ۶۸۶ نفر عضو پیوسته دارای مدرک دکتری تخصصی، ۹۲۷۲ نفر عضو پیوسته کارشناس ارشد، ۱۴۲۹۲ نفر عضو وابسته، ۸۵۲۹ نفر عضو دانشجویی و ۹ عضو موسساتی و ۷ نفر عضو افتخاری هستند.

آدرس انجمن روان‌شناسی ایران:

تهران، سید خندان، ابتدای سهروردی شمالی، کوچه سلطانی (قرقاول)، پلاک ۳۷، طبقه سوم
کدپستی: ۱۵۵۵۷۱۶۷۵۵

تلفن: ۸۶۱۲۰۲۶۴، فکس: ۸۶۱۲۰۲۶۴

وب سایت انجمن: www.iranpa.org، آدرس پست الکترونیک: iranpa@iranpa.org

کانال تلگرام انجمن روان‌شناسی ایران: [telegram.me/iranpsyasso](https://t.me/iranpsyasso)

مسئولیت صحت مندرجات مقاله‌ها با نویسندگان است



۱- سخن نخست

علیرغم تمرکز سازمان‌های مرتبط با حقوق بشر بر صلح جهانی و نوع دوستی و تمرکز بر ارزش‌گذاری‌های مبتنی بر صلح و دوستی، فراوانی پدیده‌های مرتبط با خشونت، بحرانی محسوب می‌گردد که فضای پرداختن به صلح جهانی را از ما می‌گیرد. دوست داشتیم می‌توانستیم هدفمان را بر گستراندن صلح معطوف کنیم و در خبرنامه انجمن از صلح می‌نوشتیم. برای ما سخت بود که بخواهیم این واقعیت را بپذیریم که در شرایط موجود ناگزیر باید از خشونت گفت. با این حال بازه زمانی که در آن قرار می‌گیریم، عموماً ما را به انتخاب موضوعی برای هر شماره خبرنامه سوق داده است. گاهی از رویدادهای روان‌شناختی مهم گفتیم و گاهی نیز از فضای اجتماعی الهام گرفتیم. شماره قبلی خبرنامه را اختصاص دادیم به موضوع "مداخلات روان‌شناختی در بحران‌های اجتماعی". صلاح بر آن دیدیم که با توجه به شرایط روانی - اجتماعی موجود، موضوع "خشونت" را برای فصلنامه زمستان انتخاب کنیم. خشونت را متناسب‌تر از سایر عناوین دیدیم ولی کاش می‌توانستیم بگوییم موضوع ما "شادی بیشتر" است!

طبق روال خبرنامه، مدتی قبل از انتشار هر شماره، فراخوان مرتبط با موضوع هر شماره ارائه می‌گردد و عمدتاً در روزهای پایانی مهلت و وقت‌های پناستی مطالب به دست ما می‌رسد. این بار وقتی فراخوان موضوع خشونت دادیم، از چند روز بعد ارسال فراخوان، یادداشت‌های شما همراهان به دست ما می‌رسید. گویا همکاران و دوستان زیادی آماده بودند تا از خشونت حرف بزنند. گویا شرایط سخت کنونی ما را واداشت تا در بستری روان‌شناختی "نه به خشونت" خود را اعلام کنیم و بگوییم چقدر خواهانیم که خشونت نباشد. مطالب بسیاری واصل شد که همین‌جا از تمام دوستان دغدغه‌مند و همراه، مراتب سپاس خود را اعلام می‌داریم. با توجه به محدودیت حجم خبرنامه و هم‌پوشانی زیاد مطالب واصل شده، به ناچار تعدادی را کنار گذاشتیم. با این حال، در یادداشت‌های متفاوتی به تعاریف متفاوتی از خشونت یا سیستم‌های مختلف طبقه‌بندی بر خواهید خورد.

این شماره علاوه بر بحث ویژه، شامل یادداشت‌های ویژه‌ای نیز می‌گردد که همکاران گرانقدری بنا به درخواست ما و اهمیت موضوع دست به قلم شدند و این یادداشت‌ها را برای ما قلم زدند که امیدواریم برای شما، خواننده گرامی، نیز مفید باشد.

خبرنامه انجمن روان‌شناسی ایران حرکتی در امتداد حرکت‌هایی است برای پرداختن به مسایل روان‌شناختی روز، ارتباط بیشتر و ایجاد حلقه‌ای در حوزه آگاهی و اطلاع‌رسانی که در این سال‌ها ادامه داشته است. مشارکت شما در خبرنامه چه در ارسال مطالب، چه در نقدها و پیشنهادهای و باز نشر خبرنامه باعث دلگرمی ماست.

سردبیر



۲- بحث ویژه

۲-۱- در مسیر جهانی بدون خشونت

دکتر حمید پورشریفی

دانشیار روان‌شناسی سلامت دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

در این نوشته، سعی شده است در قالب پاسخ به بیست پرسش، با نگاهی روانی-اجتماعی، به خشونت، عوامل موثر و آثار ناشی از آن و همچنین اقدامات پیشگیرانه لازم پرداخته شود. شکی نیست، مبحث از اهمیت خاصی برخوردار است و بهتر اینکه به این نوشته به‌عنوان طرح مساله نگریسته شود.

- چرا الان به خشونت پرداخته می‌شود؟
- هدف این نوشته چیست؟
- پرخاشگری، خشونت و آزار چگونه تعریف می‌شود؟
- در این نوشته منظور از خشونت چیست؟
- خشم چیست و چه رابطه‌ای با خشونت دارد؟
- خشونت چه آثاری بر شاهدان و بازماندگان دارد؟
- چه عواملی موجب افزایش شدت خشونت می‌شود؟
- عوامل خشونت چه کسانی هستند؟
- خشونت از چه مصادیق پنهان، غیربارز یا غیرمستقیمی برخوردار است؟
- آیا افرادی هستند که در طول عمرشان، عملی خشونت‌آمیز انجام نداده‌اند؟
- آیا می‌توان انسان‌ها را به دو دسته‌ عاملان و بازماندگان خشونت تقسیم کرد؟
- خشونت چه رابطه‌ای با قدرت دارد؟
- خشونت چه رابطه‌ای با قانون دارد؟
- خشونت چه رابطه‌ای با ایدئولوژی دارد؟
- خشونت چه رابطه‌ای با رسم و رسوم دارد؟
- خشونت چه دست‌آورد مثبتی دارد؟
- جهان بدون خشونت؛ واقعیت یا سراب؟
- با بازماندگان خشونت چگونه برخورد کنیم؟
- برای جهانی بدون خشونت، قصد دارم چه تغییر فردی داشته باشم؟



- برای جهانی بدون خشونت، قصد داریم چه اقدام اجتماعی انجام دهیم؟

۱- چرا الان به خشونت پرداخته می‌شود؟

خشونت، به‌ویژه مصادیق بارز و شدید آن، همیشه حساسیت و احساسات اجتماعی را برمی‌انگیزد. متأسفانه در پاییزی که گذشت، جلوه‌های بارزی از خشونت که موجب آزار و اذیت و گاهی حتی سبب جان باختن هم‌میهنانی شد، همه و به‌خصوص متخصصان سلامت روان را پریشان و نگران ساخت. در چنین شرایطی، لازم است بیش از پیش و با تاکید دوجندان به «خشونت: چیستی، ابعاد و پیامدهای آن» پرداخته شود.

۲- هدف این نوشته چیست؟

هدف غایی این نوشته برداشتن گامی در مسیر «جهانی بدون خشونت»، «جهانی بدون آزار» و «احترام به شان و منزلت انسانی» است. به همین منظور، از طریق بیان آثار خشونت و آگاه ساختن به خشونت‌هایی که گاهی کمتر در خصوص آن‌ها سخن گفته می‌شود، در نهایت هدف این است که خوانندگان بر مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود در پیشگیری از خشونت‌های پنهان و بارز واقف شوند.

۳- پرخاشگری، خشونت و آزار چگونه تعریف می‌شود؟

پرخاشگری، خشونت و آزار، سه سازه همپوشی هستند که حتی در ادبیات علمی، تعاریف مختلفی برای آنها ارائه شده است. بهتر است ابتدا، با بهره‌گیری از منابعی نظیر «تعریف‌ها و تمایزهای پرخاشگری و خشونت» که توسط آلن و اندرسون (Johnie J. Allen, Craig A. Anderson) در سال ۲۰۱۷ به نگارش درآمده است، تعاریف مورد اتفاقی از این سازه‌ها ارائه شود.

پرخاشگری (aggression): در روان‌شناسی اجتماعی، پرخاشگری معمولاً به عنوان رفتاری تعریف می‌شود که هدف آن آسیب رساندن به شخص دیگری است که انگیزه اجتناب از آن آسیب را دارد. اول اینکه، پرخاشگری یک رفتار قابل مشاهده است، نه یک فکر یا احساس. اگرچه شناخت‌های پرخاشگرانه (مانند نگرش‌ها، باورها، افکار یا خواسته‌های خصمانه) و عاطفه پرخاشگرانه (مانند احساس خشم، خشم یا میل به انتقام) می‌توانند و اغلب به عنوان پیشایندهای مهم رفتار پرخاشگرانه عمل می‌کنند، اما نه شناخت پرخاشگرانه و نه عاطفه پرخاشگرانه، به‌عنوان پرخاشگری در نظر گرفته نمی‌شوند. دوم اینکه این عمل باید عمدی باشد و با هدف آسیب رساندن به فرد دیگر انجام شود. این بدان معنی است که آسیب تصادفی (به عنوان مثال، زدن ناخواسته با آرنج به کسی در یک اتاق شلوغ) به عنوان پرخاشگری به حساب نمی‌آید. در این تعریف، به‌جای نتایج رفتار، بر قصد تمرکز شده است؛ به‌عنوان مثال، اگر پزشک برای نجات جان بیمار پای او را قطع کند و در وی درد ایجاد کند، پرخاشگری محسوب نمی‌شود. برعکس، سناریوهایی که در آن افراد تلاش می‌کنند به دیگری آسیب برسانند اما موفق به انجام آن نمی‌شوند، مثلاً فردی برای کشتن شخصی شلیک می‌کند حتی اگر به هدف نرسد، پرخاشگری محسوب می‌شود. سوم اینکه، پرخاشگری شامل افراد می‌شود، به این معنی که آسیب رساندن به اشیاء بی‌جان (مانند لگد زدن به دیوار، شکستن بشقاب‌ها، یا کوبیدن مشت‌های خود بر روی میز) پرخاشگری محسوب نمی‌شود، مگر اینکه به قصد آسیب رساندن به شخص دیگری انجام شود (مثلاً بریدن لاستیک ماشین فردی که با وی دشمنی دارید). در نهایت، دریافت‌کننده آسیب باید برای



اجتناب از آن آسیب، انگیزه داشته باشد. این وضعیت، پدیده‌هایی مانند مازوخیسم (یعنی کسب لذت از درد) و خودکشی را از قلمرو پرخاشگری حذف می‌کند.

خشونت (violence): اگرچه، گاهی خشونت جدا از پرخاشگری تلقی می‌شود، اما اغلب روان‌شناسان اجتماعی خشونت را زیرمجموعه‌ای از پرخاشگری می‌دانند. به طور خاص، رایج‌ترین تعریف علمی اینکه خشونت به عنوان شکل شدیدی از پرخاشگری در نظر گرفته می‌شود که هدف آن آسیب فیزیکی شدید (مثلاً آسیب جدی یا مرگ) است. مانند پرخاشگری، یک رفتار نباید باعث آسیب واقعی شود تا به عنوان خشونت طبقه بندی شود. به عنوان مثال، تلاش برای مجروح کردن مرگبار شخصی با چاقو، حتی اگر به مجروح شدن منجر نشود، همچنان یک عمل خشونت‌آمیز محسوب می‌شود. رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز به صورت پیوستار، از شدت خیلی کم پرخاشگری (مثل هل دادن) در ابتدای پیوستار و خشونت (مثل قتل) در انتهای پیوستار، تعریف می‌شود. بنابراین، همه اعمال خشونت‌آمیز مصادیق پرخاشگری تلقی می‌شوند، اما همه اعمال پرخاشگرانه مصادیق خشونت محسوب نمی‌شوند. به عنوان مثال، کودکی که کودک دیگری را از یک اسباب بازی مورد علاقه دور می‌کند، پرخاشگر تلقی می‌شود اما خشن نیست. در حالی که، یک عمل افراطی، مانند اقدام به قتل، هم پرخاشگرانه و هم خشونت‌آمیز در نظر گرفته می‌شود، که اصطلاح توصیفی‌تر آن خشونت است. در سال‌های اخیر، برخی از اشکال غیرفیزیکی پرخاشگری، زمانی که پیامدهای آن شدید باشد، برچسب «خشونت» را به خود اختصاص داده‌اند. برای مثال، برخی از انواع یا الگوهای پرخاشگری کلامی، گاهی اوقات با عنوان «خشونت عاطفی» شناخته می‌شوند.

آزار یا سوءرفتار (abuse): خشونت و آزار هر دو ممکن است باعث شود که افراد درد و رنج را تجربه کنند، با این توصیف که خشونت معمولاً به عنوان یک عمل، که یک یا دو بار رخ می‌دهد و باعث آسیب جسمی می‌شود تلقی می‌شود، اما آزار، نوعی بدرفتاری عاطفی و جسمی است که می‌تواند ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد و باعث شود بازماندگان آسیب‌های روان‌شناختی و جسمی را تجربه کنند. در حالی که آزار فیزیکی به آسیب بدنی عمدی اشاره دارد، آزار جنسی به تماس جنسی بدون رضایت، یعنی هر گونه تماس جنسی ناخواسته، اشاره دارد. آسیب وارد کردن جنسی شامل آزار جنسی و آزار جنسی عاطفی نیز می‌شود. آزار و اذیت جنسی می‌تواند به شکل وادار کردن شخص دیگر به انجام اعمال جنسی برخلاف میل او باشد. همچنین می‌تواند شامل صمیمیت جسمی با افرادی باشد که قبلاً بی‌علاقگی خود را ابراز کرده‌اند. انتشار یک عکس خصوصی از یک شخص بدون رضایت او نیز نوعی آزار جنسی محسوب می‌شود. یکی از انواع آزار، کودک‌آزاری است؛ یعنی هر موقعیتی که در آن از مراقبت کودک غفلت شده، یا کودک با آزار عاطفی، فیزیکی یا جنسی مواجه شود. باز هم، خطوط بین خشونت و سوءاستفاده همپوشانی دارند.

۴- در این نوشته منظور از خشونت چیست؟

اگرچه پرخاشگری، خشونت و آزار، به لحاظ علمی تعاریف متفاوتی دارند، اما در همه آنها وجه اشتراکی وجود دارد و آن اینکه هم محرک (عمل یا گفتار) و هم پاسخ (آسیب تجربه شده یا ادراک شده) وجود دارد و این امر باعث شده است که گاهی در نگاه عموم و حتی در برخی از متون علمی، تفاوت این مفاهیم برجسته نشده باشند. بر این اساس، در این نوشته، پرخاشگری، خشونت و آزار، هر سه، تحت عنوان خشونت، یا «هرگونه عمل یا گفتاری برای آسیب به افراد» در نظر گرفته شده است. علت انتخاب معادل خشونت برای همه این



مفاهیم، ذهن‌آشنا بودن آن برای عموم مردم، سیاست‌گذاران عمومی و متخصصانی نظیر جرم‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی است. حال که در این نوشته کلمهٔ خشونت، آزار را نیز شامل می‌شود و نظر بر اینکه برخی از مصادیق آزار، مثل غفلت، ممکن است عمدی صورت نگرفته باشد، بر این اساس، ملاک عمدی بودن، که در تعریف علمی پرخاشگری و خشونت مدنظر است، در اینجا همانند برخی از متون علمی لحاظ نشده است.

شاید ملاک A در ملاک‌های تشخیصی اختلال استرس حاد (ASD) و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، یکی از تعریف‌های خشونت و البته تعریف بارزی از آن باشد که در آن هم محرک، یعنی «مواجهه با مرگ واقعی یا تهدید به مرگ، آسیب شدید یا خشونت جنسی» و هم پاسخ را شامل می‌شود، یعنی اینکه «در اثر آن حس انسجام فرد دچار تهدید شده و واکنش‌هایی مانند ترس، وحشت و یا درماندگی را به همراه دارد». در چنین بیانی که در واقع تعریف تروما (Trauma)، به‌ویژه ترومای نوع اول را بیان می‌دارد، به تک‌رخداد‌های غیرقابل انتظاری نظیر مشاهدهٔ قتل، و تجربه یا مشاهدهٔ تجاوز جنسی، آسیب‌های جسمی توسط هر سلاحی، از اسلحه سرد تا گرم، را شامل می‌شود. مصادیق دیگری از خشونت، در ترومای نوع دوم دیده می‌شود که به موقعیتی اشاره دارد که فرد به طور مکرر در معرض آسیب قرار گرفته و شامل شکنجه، خشونت اجتماعی و سیاسی در دوران جنگ، خشونت خانگی و بدرفتاری در کودکی است. واکنش به این تجارب بسیار پیچیده بوده و اغلب تحت عنوان ترومای انباشته طبقه بندی می‌شود. همچنین، مواردی مثل تحقیر را نیز می‌توان مصادیقی از خشونت و آسیب در نظر گرفت که از نگاه افرادی مثل شاپیرو، به‌عنوان تروما با تی کوچک (trauma) معرفی شده است.

۵- خشم چیست و چه رابطه‌ای با خشونت دارد؟

خشم، نوعی هیجان و خشونت، یک رفتار است. برخی، به‌نادرست، مبنای رفتار خشونت‌آمیز را فقط هیجان خشم می‌دانند. خشونت از انواع متعددی نظیر جسمی، جنسی، هیجانی، روان‌شناختی، معنوی، فرهنگی و مالی برخوردار است و عوامل مختلفی در پدیدآیی آن نقش ایفا می‌کنند که خشم فقط یکی از این عوامل تلقی می‌شود.

از آنجا که خشم نوعی هیجان است، بهتر است ابتدا مروری بر هیجان‌ها داشته باشیم؛ هیجان‌ها ما را برای عمل کردن برانگیخته می‌کنند؛ به لحاظ جسمی آمادهٔ عمل می‌سازند و در زمان صرفه‌جویی می‌کنند. به‌عنوان مثال، خشم پاسخ ما را به مانع ایجاد شده بر سرازدها، یا حمله به خودمان یا افراد مهمان سازمان‌دهی می‌کند. هیجان‌ها پیام‌هایی را به دیگران منتقل می‌کنند و آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. همچنین به خود ما هم پیام می‌دهند؛ ممکن است هشدارهایی برای بررسی امور باشند. هرچند اطلاعات مبتنی بر هیجان در مورد موقعیت‌ها، ممکن است درست یا نادرست باشند.

در مورد هیجان‌ها، افسانه‌ها یا باورهای نادرستی وجود دارند. فهرست جامع این باورها در کتاب «راهنمای مهارت‌آموزی رفتاردرمانی دیالکتیکی» (نوشته مارشا لینهان، ترجمه خدیجه علوی، انتشارات ارجمند) درج شده است و برخی از آنها عبارتند از:

- احساسات منفی بد و مخرب هستند.
- هیجانی بودن به‌معنای خارج از کنترل بودن است.
- همهٔ هیجان‌های منفی در نتیجه نگرش بد به وجود می‌آیند.
- در هر موقعیت، تنها یک راه صحیح برای احساس کردن وجود دارد.



- اینکه به دیگران اجازه دهم بفهمند احساس بدی دارم نشانه ضعف است.
- هیجان‌های دردناک مهم نیستند و باید نادیده گرفته شوند.
- هیجان‌های افراطی مرا تا جایی پیش می‌برند که تلاش برای تنظیم هیجانی بیهوده می‌شود.
- برای خلاق بودن نیاز است که انسان هیجان‌های شدید و غالباً خارج از کنترل داشته باشد.
- عمل بر اساس احساسات، مشخصه یک فرد کاملاً آزاد است.
- هیجان‌هایم نشان می‌دهند که من چه کسی هستم.
- هیجان‌هایم دلیل دوست‌داشتنی بودن من هستند.
- همیشه باید به هیجان‌ها اعتماد کرد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که خشم فقط یکی از عوامل ایجادکننده خشونت است و در عین حال می‌تواند پاسخی در مقابل خشونت باشد. همچنین اگرچه خشم هیجانی منفی است ولی اگر در زمان و موقعیت ضروری و به شیوه مدیریت‌شده‌ای تجربه و ابراز شود، می‌تواند ارزش سازگارانهای در دفاع از خود، تسلط و کنترل ایفا کند.

۶- خشونت چه آثاری بر شاهدان و بازماندگان دارد؟

اگر گفته شود که در اکثریت قریب به اتفاق اختلال‌های روانی یا مشکلات روانی-اجتماعی ردپای یک خشونت دیده می‌شود، سخن نادرستی گفته نشده است. چرا که بر اساس مدل استرس-آسیب‌پذیری، می‌توان گفت بیماری‌ها و مشکلات روانی-اجتماعی، ناشی از آسیب‌پذیری‌های روان‌شناختی هستند که ریشه در تجارب آسیب‌زای دوران کودکی دارند؛ تجاربی که به‌طور عمده از جنس خشونت هستند. مطابق این مدل، استرس‌هایی این آسیب‌پذیری‌ها را فعال می‌کند که برخی از آنها، خود رنگ و بوی خشونت دارند. خشونت‌ها، چه به‌عنوان زمینه‌ساز و چه به‌عنوان فعال‌ساز و تشدیدکننده اختلالات روانی و مشکلات روانی-اجتماعی، در موارد عمده‌ای، در نقش یک ترومای روان‌شناختی یا روان‌زخم عمل می‌کنند.

چنانچه فرد، قربانی یا به معنای درست‌تر بازمانده یک خشونت شدید یا شاهد وقوع آن بوده باشد، ممکن است در کوتاه مدت، اختلال استرس حاد (ASD) و در ادامه، اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را تجربه کند. اختلال استرس پس از سانحه به‌تنهایی بار روان‌شناختی زیادی را بر دوش بازمانده خشونت قرار می‌دهد. تلخ‌تر اینکه همبودی اختلالات روانی با PTSD، نه یک استثناء، بلکه یک قاعده است و اکثریت افراد دارای PTSD، ممکن است اختلالات و مشکلات روان‌شناختی متعددی را در طول زندگی تجربه کنند. همچنین چنانچه فرد به‌طور مکرر خشونت را در حالی که امکان گریز از آن ندارد تجربه کند، که ترومای نوع دوم نامیده می‌شود، ممکن است دچار اختلال استرس پس از سانحه پیچیده (CPTSD) شود که از نشانه‌های مزمن بیشتری برخوردار می‌شود.

بدین ترتیب خشونت، نه تنها در زمان تجربه، دردهای روان‌شناختی متعددی را به فرد تحمیل می‌کند و فرد را با هیجان‌های منفی نظیر خشم، ناراحتی و گاهی احساس گناه و شرم مواجه می‌کند که خود به‌تنهایی رنجی به‌دنبال دارند، همچنین از طریق نشانه‌های اختلالات PTSD, ASD و CPTSD زندگی را بر فرد سخت می‌کند؛ بازمانده، خشونت تجربه‌شده را بارها و بارها، در بیداری، به صورت خاطرات مزاحم و در موقع خواب، به‌صورت کابوس تجربه می‌کند؛ با فعال شدن سیستم جنگ و گریز (بیش‌فعال شدن سیستم سمپاتیک)، فرد



بازمانده با بی‌قراری، برانگیختگی و مشکلاتی نظیر اختلال خواب مواجه می‌شود؛ فرد برای گریز از خاطرات مزاحم و برانگیختگی‌ها که بسیار پریشان‌کننده است، از مواجه شدن با موقعیت‌های برانگیزنده این نشانه‌ها دوری می‌کند و این اجتناب، فرصت‌های زیادی را از بازمانده سلب کرده و بر عملکرد وی تاثیر منفی می‌گذارد؛ خشونت یا تروما، در مواردی، فرض‌های اساسی فرد را در خصوص خود، جهان و دیگران، اینکه فردی ارزشمند است، دیگران قابل اعتماد هستند و جهان جای امنی است، تغییر می‌دهد؛ تغییراتی که باعث می‌شود امکان تجربه زندگی بدون سپردن سلب شود. در خشونت‌های مکرر، یا ترومای نوع دوم، علاوه بر نشانه‌های دیگر، خودانگاره منفی، مشکل در تنظیم هیجان و مشکل در روابط بین‌فردی نیز پدید می‌آیند و هر کدام چالش‌های جدی را برای فرد ایجاد می‌کنند.

۷- چه عواملی موجب افزایش شدت خشونت می‌شود؟

اگر تعریف‌مان از خشونت، همچنان «هرگونه عمل یا گفتاری برای آسیب به افراد» در نظر گرفته شود، به‌خوبی می‌دانیم که گاهی عمل یا گفتاری یکسان، در افراد مختلف تاثیرهای متفاوتی ایجاد می‌کند. بر این اساس، نمی‌توان شدت خشونت را صرفاً با شدت محرک در نظر گرفت و لازم است ترکیبی از شدت محرک و شدت پاسخ مدنظر باشد. فیلم «سیلی» (THAPPAD) که در شبکه‌های داخلی در دسترس است، به‌خوبی این امر را به‌تصویر کشیده است؛ خانمی، در خرده‌فرهنگی که ممکن است در آن سیلی خوردن زنان رایج بوده باشد، با وجود همه روشنگری‌های مادر، مادرشوهر و حتی وکیل‌اش، به‌هیچ‌وجه با سیلی‌زدن شوهرش کنار نمی‌آید و زندگی مشترک را ترک می‌کند و این در حالی است که مادر و مادرشوهر از تجارب مکرر خود سخن می‌گویند و نگاه بسیار متفاوتی به این تجربه دارند و حتی آن را خشونت در نظر نمی‌گیرند. بدین ترتیب، یکی از عواملی که موجب شدت خشونت می‌شود، ادراک فرد از محرک است. علاوه بر ادراک فرد از رخداد، شدت خشونت به عواملی نظیر ویژگی‌های عامل خشونت و ویژگی‌های بازمانده خشونت مربوط است. چنانچه آزارگر، یک فرد آشنا و به‌ویژه مراقب باشد و عمل و گفتار خشونت با ماهیت سادیستی همراه باشد؛ اگر خشونت، به‌عنوان محرک، شدید و غیرقابل انتظار یا مکرر و غیرقابل گریز بوده باشد و در صورتی که بازمانده خشونت، به‌لحاظ مواردی نظیر سن و مهارت‌های مقابله‌ای، فردی آسیب‌پذیر بوده باشد، شدت خشونت تجربه‌شده شدید و آثار آن ماندگارتر خواهد بود.

۸- عاملان خشونت چه کسانی هستند؟

باورهای نادرستی وجود دارد که خشونت صرفاً توسط فردی انجام می‌شود که قادر به مدیریت هیجان خشم خود نیست و فاقد کنترل است؛ از سواد کم برخوردار است؛ در مهارت‌های ارتباطی ضعیف است؛ از عزت‌نفس و از جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایینی برخوردار است یا در مورد خشونت‌های شدید مثل قتل و شکنجه، توسط فرد سنگدل و دارای شخصیت ضد اجتماعی انجام می‌شود. در حالی که مصادیق خشونت خانگی، شواهد حاصل از پژوهش‌های روان‌شناختی نظیر آزمایش میلگرام و زندان استنفورد و همچنین تجارب واقعی که برخی از آن‌ها در فیلم‌هایی نظیر «مرد زندانی» (INSIDE MAN) به‌تصویر کشیده شده است، حاوی این خبر بد است که علاوه بر افراد دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی، هر فردی، با هر تحصیلات و جایگاه اجتماعی - اقتصادی، می‌تواند عامل خشونت و حتی، به صورت بالقوه، شکنجه‌گر یا قاتل باشد. هرچند فرایند تبدیل فرد به شکنجه‌گر، قاتل یا عامل خشونت خانگی متفاوت است. آزمایش میلگرام، که گفته می‌شود جهان را تکان داد، آزمایشی برای سنجش میزان اطاعت اشخاص از اقتدار در انجام کارهایی مغایر با وجدان شخصی افراد بود که به ابتکار میلگرام (Milgram)، درست سه ماه بعد از شروع دادگاه آدولف آیشمان، سرهنگ نازی، صورت



گرفت. به کسانی که داوطلب آزمایش بودند، گفته شد که هدف از آزمایش، تحقیق در مورد حافظه و یادگیری است. پرسش قبل از پژوهش از ناظران این بود که چند درصد افراد حاضرند در چنین آزمایشی در نقش معلم، به افراد شوک مرگبار ۴۵۰ ولت بدهند؟ میلیگرام دریافت که همه ناظران، امکان این را که خودشان حاضر به انجام چنین کاری بشوند رد کردند. در خصوص این پرسش از ناظران، پیش از انجام آزمایش، میلیگرام از دانشجویان سال آخر روان‌شناسی دانشگاه ییل و از روان‌پزشکان برای پیش‌بینی رفتار ۱۰۰ معلم فرضی نظرخواهی کرد. دانشجویان باور داشتند که تنها درصد خیلی کم (حدود یک درصد)، و روان‌پزشکان باور داشتند که تنها کمی بیش از یک دهم درصد از افراد در نقش معلم، احتمال دارد بیشترین شوک ممکن را اعمال کنند. اما نتیجه تلخ این بود که ۶۵ درصد از شرکت‌کنندگان حاضر شدند به دیگران شوک ۴۵۰ ولتی وارد کنند. در پاسخ به این پرسش که چه اتفاقی رخ می‌دهد که یک انسان عادی و سالم، حاضر به اعمال چنین شکنجه‌ای در آزمایش میلیگرام می‌شود، می‌توان به نقش عواملی نظیر جایگاه دستور دهنده و پایداری که شبیه ایدئولوژی عمل می‌کند اشاره کرد.

آزمایش زندان استنفورد یکی از معروف‌ترین آزمایش‌های روان‌شناسی است که تاکنون انجام شده‌است. در این آزمایش که به سرپرستی فیلیپ زیمباردو در دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۷۱ انجام شد، چندین دانشجویی که از نظر روانی سالم بودند، به صورت آزمایشی نقش‌های زندانی و زندانبان را پذیرفتند. زیمباردو و تیمش می‌خواستند به این پرسش جواب دهند که آیا از روی صفات شخصیتی و ذاتی زندانیان و زندانبانان، می‌توان علت بدرفتاری‌هایی را که در زندان‌های آمریکا می‌شود درک کرد. شرکت‌کنندگان، به‌طور شانس در نقش زندانی یا زندانبان قرار داده شدند؛ بنابراین، هیچ چیزی در شخصیت یا بیوگرافی آن‌ها وجود نداشت که بتواند رفتار آن‌ها را توضیح دهد. با این که آنهایی که نقش نگهبان و زندانی را ایفا می‌کردند آزاد بودند تا هر طور که دلشان می‌خواهد رفتار کنند اما رفتار آنها معمولاً منفی، آزارگرانه، خصمانه، و غیرانسانی بود. این موضوع، شبیه همان چیزی است که در زندان‌های واقعی می‌بینیم. این یافته‌ها نشان می‌دهند که خودِ موقعیت (خودِ موقعیت زندان) و از آن مهم‌تر قدرتی که یک زندانبان داراست باعث می‌شود افراد سالم یا غیرپرخاشگر به اقداماتی نظیر خشونت دست بزنند.

۹- خشونت از چه مصادیق پنهان، غیربارز یا غیرمستقیمی برخوردار است؟

قتل، شکنجه و تجاوز از مصادیق بارز خشونت هستند، اما از آنجا که خشونت، هرگونه عمل یا گفتاری تعریف شد که موجب آسیب به افراد می‌شود، به‌جز این موارد بارز و علاوه بر مواردی مثل تحقیر که قبلاً تحت عنوان «تروما با تی کوچک» از آنها یاد شد، مصادیق بی‌شماری از خشونت وجود دارد که یا به‌طور واضح دیده نمی‌شوند و یا با اینکه دیده می‌شوند ولی از آنجا که مصداق صریحی از خشونت محسوب نمی‌شوند، آنها را جدی نمی‌گیریم و یا به‌علت عینی و ملموس نبودن، قابل پیگرد نیستند، در حالی که آثار منفی‌شان حتی اگر اندک باشد، چون تکرار شده و انباشته می‌شود، گاهی به آسیب‌های ویرانگری مبدل می‌شود.

در خشونت‌های شهری و اجتماعی، علاوه بر خشونت جسمی و جنسی علیه زنان و کودکان، دزدی، زورگیری و قلدری که از جمله خشونت‌های بارز هستند، شاهد مواردی هستیم که از زمره خشونت‌های غیربارز شهری و اجتماعی هستند، نظیر: اختلاس؛ تبعیض‌های جنسی، سنی، قومیتی، طبقاتی و اعتقادی؛ استفاده از قدرت، اعمال فشار و نادیده گرفتن حقوق انسانی و اجتماعی در محیط‌های کاری، تحصیلی، نظامی و محیط‌های تنبیهی نظیر زندان‌ها و اردوگاه‌ها؛ واداشتن افراد به اقداماتی مغایر با ارزش‌های فردی؛ نصب بنرها و



بیلبوردهایی که هیجان‌های منفی را در شهروندان برمی‌انگیزد؛ رانندگی‌های اضطراب‌زا برای افراد سالمند و آسیب‌پذیر؛ اعمال و بیان گفتارهایی در محیط‌های مختلف که دارای مضامین جنسی یا پرخاشگرانه بوده و موجب مزاحمت افراد می‌شود.

در خصوص جهان مجازی یا جهان دوم که هر روز بیش از قبل، بخش مهمی از زندگی شهروندان در آن سپری می‌شود، جدا از اینکه محدود کردن دسترسی افراد به فضای مجازی، به‌واسطهٔ آسیب‌هایی از جمله مالی که افراد تجربه می‌کنند، ممکن است یک اقدام خشونت‌آمیز تلقی شود، در عین حال، به‌جز اقدامات آسیب‌رسانِ کاربرانی که قابل پیگرد قانونی است و ممکن است به‌عنوان خشونت‌های بارز مجازی نام‌گذاری شوند، در عین حال، خشونت‌های متعددی، نظیر پست‌ها و کامنت‌های حاوی برچسب، توهین و تحقیر وجود دارند که موجب آزار و اذیت افراد می‌شوند، در حدی که برخی از مخاطبان این اقدامات مجازی، برای رهایی از چنین خشونت‌هایی حتی گاهی فضای مجازی را ترک می‌کنند و یا فعالیت خود در فضای مجازی را به حداقل می‌رسانند. هر روز که نیاز انسان‌ها به فضای مجازی بیشتر و بیشتر می‌شود، مصادیق بارز و نهان خشونت‌های مجازی بیشتر و بیشتر و ضرورت اقدامات پیشگیرانه در این خصوص دوچندان می‌شود.

۱۰- آیا افرادی هستند که در طول عمرشان، عملی خشونت‌آمیز انجام نداده‌اند؟

با تعاریفی که از خشونت به‌عمل آمد؛ اینکه گفتار یا عملی، خواه با قصد یا بدون قصد، موجب آسیب به دیگران شده باشد و همچنین با مصادیق بارز و نهانی که از خشونت مطرح شد، به‌لحاظ نظری می‌توان گفت که هیچ فردی نیست که در طول عمر خود عملی خشونت‌آمیز انجام نداده باشد. اگر افرادی بر این باور هستند که تاکنون مرتکب خشونت نشده‌اند، شاید دلیل امر این است که یا متوجه آسیب‌هایی نشده‌اند که به دیگران وارد کرده‌اند و یا اینکه برای حفظ حرمتِ نفس خود نخواستند به چنین مواردی توجه کرده و یا آنها را به‌یاد بسپارند.

۱۱- آیا می‌توان انسان‌ها را به دو دستهٔ عاملان و بازماندگانِ خشونت تقسیم کرد؟

ذهن ما برای اینکه بتواند سریع تصمیم بگیرد، تمایل دارد انسان‌ها را در مقوله‌های خوب یا بد، محترم یا غیرمحترم، دسته‌بندی کند؛ امری که در روان‌شناسی اجتماعی، در مبحث شناخت اجتماعی، با موضوع راهبردهای اکتشافی قضاوت، به‌خوبی مورد بررسی قرار گرفته است. اگرچه این ویژگی آدمی، به‌سازگاری وی کمک می‌کند اما متأسفانه موجب آسیب‌هایی همچون خطاها در روابط بین‌فردی می‌شود. اجازه بدهید، به‌عنوان مثال، از خودرایی یا دیکتاتوری صحبت کنیم که خود مصداقی از خشونت است. چنین نیست که افراد یا دیکتاتور هستند یا نیستند. بلکه از پیوستار دیکتاتوری صحبت می‌شود که یک طرف آن، دیکتاتوری خیلی کم و طرفی دیگر دیکتاتوری خیلی زیاد است. اگر فردی کاملاً دموکراتیک هستیم، باز هم به‌لحاظ نظری، گاهی در شرایطی، حتی خیلی پیش‌پا افتاده و در تصمیم‌گیری‌های روزمره ممکن است خواسته یا ناخواسته، دیگران را وادار به تبعیت از نظر خودمان کنیم. در چنین شرایطی ما عملاً در پیوستار دیکتاتوری، هرچند در ابتدای آن، قرار می‌گیریم.

با در نظر گرفتن نگاه پیوستاری، نه مقوله‌ای، همهٔ انسان‌ها هم در پیوستارِ عاملان، هم در پیوستارِ بازماندگانِ خشونت قرار می‌گیرند. افرادی که جنایت جنگی انجام داده یا قتل‌های زنجیره‌ای انجام می‌دهند در انتهای پیوستارِ عاملانِ خشونت هستند و افرادی که سعی دارند کسی را نرنجانند و به کسی آسیب نزنند، اما گفتاری یا عملی انجام می‌دهند که موجب آزار دیگران می‌شود در ابتدای پیوستارِ عاملانِ خشونت هستند. فردی که مرتکب خشونت خانگی می‌شود، در نیمهٔ دوم پیوستارِ عاملانِ خشونت است و البته حسب اقدامات



آزارگرانه و آسیب‌هایی که وارد می‌کند ممکن است به انتهای پیوستار نزدیک شود. از آنجا که عواملان خشونت خانگی، معمولاً خود بازمانده خشونت هستند، انتظار می‌رود همان فرد در بخشی از زندگی در پیوستار شاهدان و بازماندگان خشونت قرار گرفته باشند.

۱۲- خشونت چه رابطه‌ای با قدرت دارد؟

زندان استانفورد که در همین نوشته به آن پرداخته شده است از شواهد پژوهشی عمده‌ای است که نشان می‌دهد قدرت و خشونت ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. شواهد پژوهشی، بالینی و میدانی در این خصوص بسیار گسترده است و تنها کافی است که کلیدواژه‌های «خشونت» و «چرخه خشونت» را به همراه «قدرت» جستجو کنیم. شاید به همین دلیل است که هر جا قدرت بیشتر است اهمیت کنترل مطرح می‌شود. در خشونت خانگی، این قدرت است که امکان خشونت مرد علیه زن را فراهم می‌کند. در یک محیط اداری، خشونت‌های جنسی بیشتر توسط افرادی انجام می‌شود که از جایگاه شغلی و سازمانی بالاتری برخوردارند. اختلاس‌های بزرگ، به‌عنوان خشونت مالی علیه میلیون‌ها انسان، توسط افرادی انجام می‌شود که از بیشترین اختیارات برخوردار هستند.

گره خوردن قدرت به خشونت، ضرورت کنترل یا بازداری را مطرح می‌کند. در اکثر موارد، حیوانات به هر میزان که قوی‌ترند، از بازدارنده‌های قوی‌تری برخوردار هستند. به عنوان مثال، دیده شده است که شیرها و حتی تمساح‌ها که از درنده‌ترین موجودات هستند، وقتی متوجه می‌شوند که طعمه‌شان باردار است آن را رها می‌کنند. در مورد انسان، از آنجا که به‌نظر می‌رسد بازدارنده‌های ذاتی یا غریزی متناسب با ظرفیت آسیب‌زایی وی نیست، بر این اساس، ضرورت بازدارنده و نظارت درونی نظیر اخلاق مطرح می‌شود. متأسفانه نظارت درونی نیز به‌تنهایی کافی نیست و شواهدی وجود دارد با مکانیسم‌هایی که لئون فستینگر تحت عنوان ناهماهنگی شناختی آن را تبیین کرده است، حتی انسان‌های شریف و محترمی که سلامت اخلاقی آنها زبان‌زد عام و خاص است، با وجود اشتها به نظارت درونی بالا، ممکن است به تدریج، به روایت فیلم شبکه خانگی، به «هیولا» تبدیل شوند.

حال که آدمی، ظرفیت آسیب‌زایی بالایی در حد استفاده از بمب هیروشیما دارد و اینکه صرفاً نظارت درونی کفایت نمی‌کند، ضرورت بازدارنده‌ها و نظارت‌های بیرونی، اهمیتی خاص پیدا می‌کنند. این چنین است که مثلاً در یک سازمان حرفه‌ای، هیات‌مدیره‌ای در نظر گرفته شده است که بر مجریان نظارت کنند؛ بازرسانی انتخاب می‌شوند که بر هیات مدیره و مجریان نظارت کنند و مجمع عمومی پیش‌بینی شده است که قدرت نظارت بر کل سازمان از جمله بازرسان را داراست. وقتی هر کدام از این ارکان، عملکرد بهینه ندارند، آسیب پدیدار می‌شود. همچنین اگر در کشوری شفافیت کافی وجود نداشته باشد؛ منتخبان مردم به‌درستی انتخاب نشده و به‌خوبی بر عملکرد مجریان نظارت نکنند؛ همه دستگاه‌ها، موسسات و سازمان‌ها، موظف به پاسخگویی نبوده و در معرض نظارت عمومی نباشند؛ خبرنگاران به‌راحتی نتوانند پرسشگری داشته باشند؛ در چنین کشوری، خشونت و دیگر آسیب‌ها، پدیدآمده و رشد می‌کند. افزایش و تسهیل نظارت بیرونی و عامه، راه کم‌هزینه‌ای برای پیشگیری از آسیب‌ها و خشونت‌ها است.

۱۳- خشونت چه رابطه‌ای با قانون دارد؟

در بسیاری از کشورها عدالت و مصلحت مردم، از مبانی قوانین محسوب می‌شوند. بر چنین اساسی، به‌نظر می‌رسد در روال عادی، قانون برای پیشگیری یا مقابله با خشونت وضع می‌شود و شاید بتوان گفت انتظار می‌رود قوانین کشورها، معمولاً به صورت صریح از خشونت حمایت نکنند. البته موارد نقضی هم وجود دارد. مثلاً همین اخیر در کشور افغانستان، طالبان قوانینی برای محدود کردن حقوق زنان در نظر گرفته‌اند که مصداق بارزی از خشونت محسوب می‌شود. اگر رضایت عمومی، مبنای وضع قانون باشد ولی در ادامه، نارضایتی به آن



قانون به وجود آید، به اعتبار تعریفی که از خشونت به عمل آمد، چنین قانونی می‌تواند مصداقی از خشونت یا تسهیل‌گر خشونت باشد. یکی از قوانین بحث‌انگیز در ایران، قانون حجاب اجباری است که لازم است در این خصوص، حقوق دانان اظهار نظر تخصصی داشته باشند. یکی از مجازات مبتنی بر قانون که در جهان منتقدین جدی دارد اعدام است. در اعدام، فارغ از دلیل و منطق آن، در هر حال جان فردی گرفته می‌شود و از این منظر و از نگاه منتقدین، نوعی خشونت محسوب می‌شود و حتی گفته می‌شود فرهنگ خشونت را ترویج می‌کند. شاید بر این اساس است که بر اساس آماري که در منابع مختلف از جمله ویکی‌پدیا ذکر شده است در بیش از نیمی از کشورهای جهان، نه تنها اعدام صورت نمی‌گیرد بلکه قانون منع اعدام وجود دارد و در بیش از یک‌چهارم کشورها، در عمل اعدام انجام نمی‌شود. در حال حاضر تنها در کمتر از بیست درصد از کشورهای جهان، اعدام قانونی بوده و اجرا می‌شود و کشور ایران یکی از این کشورها محسوب می‌شود.

در حالی که اعدام، مورد اعتراض افراد زیادی و به‌ویژه متخصصان سلامت قرار می‌گیرد، اعدام در ملاءعام، مصداق بارزی از خشونت ذکر شده و مورد نقد و اعتراض جدی‌تری قرار می‌گیرد. چرا که شواهدی گویای این است که افراد شاهد، گاهی نشانه‌هایی از اختلال استرس حاد (ASD) و گاهی حتی اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را تجربه می‌کنند؛ نشانه‌هایی که متأسفانه آثار آن تا آخر عمر فرد را رها نمی‌کند.

۱۴- خشونت چه رابطه‌ای با ایدئولوژی دارد؟

ایدئولوژی به گونه‌های مختلفی نظیر «مجموعه باورها و اندیشه‌های ایستای سیاسی و اجتماعی»، یا از نظر مایکل فریدن (Michael Freedren) در دائره‌المعارف فلسفه روتلج، «مجموعه‌ای آگاهانه یا ناآگاهانه از افکار، باورها و نگرش‌ها» تعریف شده است که «برداشت‌ها و سوءبرداشت‌های ما را از جهان سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد» و «روی قضاوت‌ها، رفتارها، تصمیم‌ها و توصیه‌ها تأثیر می‌گذارد». اگرچه نمی‌توان گفت ایدئولوژی به‌خودی خود مانع و یا عامل خشونت است و اینکه تا حدود زیادی محتوای باورها تعیین می‌کند که یک ایدئولوژی مروج خشونت یا بازدارنده آن باشد، با وجود این، ممکن است یک ایدئولوژی فارغ از محتوای آن، در صورتی که از انعطاف‌پذیری پایینی برخوردار بوده و احتمال اطاعت بالای بی‌چون و چرایی را در طرفدارانش ایجاد کند ممکن است عامل یا زمینه‌ساز خشونت باشد. از مصادیق بارز می‌توان به داعش اشاره کرد.

۱۵- خشونت چه رابطه‌ای با رسم و رسوم دارد؟

در کشور ایران، رسم و رسوم‌هایی زیادی وجود دارد که بسیاری از آنها ضمن ایجاد شادی و سرور، موجب افزایش ارتباط‌های اجتماعی و افزایش بهزیستی اجتماعی هم‌میهنان می‌شود، اما متأسفانه، به‌ویژه در برخی از خرده‌فرهنگ‌ها رسم و رسومی وجود دارند که ردپای آنها را در تحلیل علل خودکشی و دیگرکشی‌ها می‌توان یافت. قتل‌های ناموسی که متأسفانه طی سال‌های گذشته همیشه به درجاتی بوده ولی فقط برخی از آنها رسانه‌ای شده و موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شده است، از جمله مواردی است که در غالب موارد ریشه در رسم و رسوم و یا باورهای قومی و قبیله‌ای دارد. مشکل زمانی شدید می‌شود که در چنین خرده‌فرهنگی، افراد جامعه به واژه‌هایی نظیر غیرت، آمیختگی شناختی شدیدی پیدا می‌کنند و این باعث می‌شود که افراد عدول از این رسم و رسوم را به معانی نظیر بی‌غیرتی گره زنند؛ امری که موجب خشونت‌های شدیدی می‌شود. ممکن است مشکل زمانی شدیدتر شود که برخی از آموزه‌های جاری، به دوام چنین



باورهایی کمک کند. باز هم انعطاف‌پذیری پایین و اطاعت‌پذیری بالا از جمله عواملی است که ممکن است بر تاثیر منفی رسم و رسوم بر افزایش خشونت اثر داشته باشد. تربیت انسان‌هایی که از تفکر نقاد بالاتر و از هم‌نوابی ناسازگار کمتری برخوردارند ممکن است تاثیر رسم و رسوم آسیب‌زا را کم کند.

۱۶- خشونت چه دست‌آورد مثبتی دارد؟

البته که می‌دانیم خشونت آثار منفی به وسعت اختلالات روان‌شناختی و مشکلات روانی-اجتماعی دارد، اما آیا ممکن است خشونت همراه با میوه‌های تلخ و گاهی بسیار تلخ، در عین حال میوه‌های شیرینی هم داشته‌باشد؟ شاید بهتر است پاسخ این پرسش بر اساس اهداف خشونت داده شود. در یک طبقه‌بندی، هدف از خشونت را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: الف- دفاع از خود، افراد محبوب یا قلمرو، ب- استفاده از خشونت برای مقابله با خشونت، ج- دفاع از قدرت و سودمندی‌های مرتبط با آن، د- رهایی از سلطه قدرت و رسیدن به آزادی.

شاید موجه‌ترین زمان برای خشونت یا پرخاشگری، که از نگاهی یک دست‌آورد مثبت محسوب می‌شود، زمانی است که خودمان، عزیزان مان و یا خانه و قلمرومان در معرض تهدید قرار می‌گیرد. اگرچه بازداشتن و دور کردن یک دزد با استفاده از پرخاشگری و خشونت در اکثر دادگاه‌های جهان موجه محسوب می‌شود، اما حتی در این مورد هم، اگر اقداماتی فراتر از راندن و دور کردن دزد و دفاع از خود، انجام شده باشد و یا به این دزد، آسیب‌هایی وارد شود که مصداقی از دفاع از خود محسوب نشود، اکثر دادگاه‌های جهان، ممکن است فردی را که به دزد آسیب‌رسانده است مجرم در نظر بگیرند.

یکی از مصادیق خشونت، استفاده از آن برای حفظ قدرت یا مقابله با خشونت افرادی است که علیه صاحبان قدرت در یک خانواده، سازمان و یا جامعه عمل می‌کنند. اول اینکه پرخاشگری یا خشونت افراد تحت مسئولیت، گاهی انعکاسی از حرف‌هایی است که در موقع مناسب شنیده نشده است؛ به عبارت دیگر، بسیاری از پرخاشگری‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز از طریق شنیدن به موقع حرف‌ها قابل پیشگیری است، اما اگر دیر شده باشد و فرد صاحب قدرت با پرخاشگری‌هایی مواجه شده باشد، در آن صورت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا خشونت می‌تواند به بقای مدیریت فرد در خانواده، سازمان یا جامعه کمکی درازمدت داشته‌باشد؟ و اینکه آیا می‌توان با خشونت از خشونت پیشگیری و به ثمرات خوبی دست یافت؟ جواب به شدت منفی است. خشونت ممکن است در زمان وقوع آن، از رفتار منفی پرخاشگرانه بازدارد اما نه تنها موجب پیشگیری درازمدت آن نمی‌شود، بلکه، علاوه بر آسیب‌های دیگر، بر احتمال خشونت در آینده می‌افزاید. خشونت ساری است و سرایت می‌کند و بر اساس یادگیری مشاهده‌ای، الگوگیری اتفاق می‌افتد. خشونت، ممکن است خشونت را سرکوب کند ولی آن را حذف نمی‌کند و خشونت سرکوب شده، در زمانی دیگر و شاید حتی با شدتی بیشتر متجلی خواهد شد و همان ابزاری که امروز به یک مدیر خانواده، سازمان یا جامعه، قدرت مدیریت می‌دهد ممکن است فردا روز در اختیار افراد تحت سلطه قرار گیرد؛ خشونت، خشونت می‌آورد. در این خصوص این جمله معروف، مصداق پیدا می‌کند که اگر باد بکارید طوفان درو می‌کنید؛ بسیاری از اقدامات جنایی فرزندان علیه والدین، محصول خشونت‌هایی است که روزگاری تجربه کرده‌اند ولی در آن زمان قادر به مقابله با آن نبوده‌اند.

گاهی خشونت توسط افراد تحت سلطه قدرت و آنهایی که خود را ظلم دیده می‌دانند، برای رهایی از قدرت و سوءاستفاده‌های آن انجام می‌شود. اگرچه خشونت، ممکن است بازدارنده‌ای برای استفاده نابجا از قدرت باشد، اما به‌ویژه وقتی که مثل گلوله برفی اوج می‌گیرد و



مصدق‌هایی نظیر آسیب به انسان‌ها را شامل می‌شود، این پرسش مهم را مطرح می‌کند که آیا می‌توان از طریق خشونت، که سلب‌کننده شأن و منزلت انسان و خودمختاری او است به هدف متعالی آزادی و شأن انسان‌ها رسید؟ آیا مجاز به استفاده از ابزاری هستیم که نافی و ناقض هدف است؟ پاسخ البته منفی است.

بدین ترتیب می‌توان گفت، پرخاشگری و خشونت، به‌جز در موارد محدود و در دفاع از خود و اطرافیان، نه‌تنها هیچ‌گونه دست‌آورد مثبتی ندارد، بلکه مواردی که به‌عنوان سودمندی‌های کوتاه‌مدت خشونت می‌توان از آنها نام برد، در درازمدت ممکن است به زیان‌های شدید و گاهی ماندگار منجر شود.

۱۷- جهان بدون خشونت؛ واقعیت یا سراب؟

بهتر است این واقعیت تلخ را بپذیریم که آدمی از ظرفیت آسیب به دیگران برخوردار است و اینکه هرچقدر قدرت بیشتر و بازدارندگی‌های بیرونی کمتر باشد، چنین ظرفیتی، با احتمال بیشتری ممکن است شکلی عملی به‌خود بگیرد و از آنجا که در هر جامعه‌ای، حتی در جوامع با خشونت پایین، افرادی هستند که به‌درجاتی از قدرت‌های بالاتری برخوردارند و در هر مکانی به‌لحاظ نظری امکان حذف یا دور زدن بازدارندگی‌های بیرونی توسط افراد با شخصیت ضداجتماعی وجود دارد، بر این اساس اگر جهان بدون خشونت، به‌عنوان یک هدف در نظر گرفته شود، یعنی جایی که باید به آن برسیم، ممکن است با ناکامی مواجه شویم و در آن صورت «جهان بدون خشونت» سرابی بیش نخواهد بود، اما اگر «جهان بدون خشونت» یک ارزش در نظر گرفته شود، یعنی مسیری که قرار است در آن حرکت کنیم و آن را پایانی متصور نیست، در آن صورت در وضعیت صحیح، واقعی و در عین حال ارزشمندی قرار گرفته‌ایم.

۱۸- با بازماندگان خشونت چگونه برخورد کنیم؟

خواه یک متخصص سلامت روان، خواه یک فرد عادی باشیم، در هر صورت، اولین گام در برخورد با بازماندگان خشونت این است که شرایط را برای بیان تجربه دردناک آنها فراهم کنیم؛ شنونده فعالی باشیم؛ بیشتر از آنکه حرف بزنیم، گوش بدهیم؛ متوجه احساسات فرد باشیم و سعی در بازسازی آنها نداشته باشیم و به آنها اعتبار ببخشیم؛ نگاهی غیرقضاوتی داشته باشیم و رفتارهای فرد را در چهارچوب شرایط فردی و محیطی وی ببینیم؛ از نصیحت، توصیه و اخلاقی کردن خودداری کنیم؛ مشکلات و نگرانی‌های فرد را کم‌اهمیت نشان ندهیم؛ تا زمانی که فرد راه‌حلی نخواست، از ارائه راه‌حل خودداری کنیم و در صورت درخواست راه‌حل، کمک کنیم که خودش به راه‌حلی برسد؛ صادق باشیم؛ از ناجی بودن و وابسته کردن فرد به خودمان خودداری کنیم؛ در صورت نیاز به کمک حرفه‌ای، در دسترسی وی به متخصصان سلامت در کنارش باشیم و به‌سخن کوتاه، طوری رفتار کنیم که دوست داریم دیگران با ما در چنین شرایطی رفتار کنند.

در صورتی که متخصص سلامت روان هستیم، ابتدا لازم است از خودمان بپرسیم که آیا از صلاحیت کار با یک فرد آسیب‌دیده یا دارای تجربه تروما برخورداریم؟ بخشی از این صلاحیت به آموزش و بخشی دیگر به ویژگی‌ها و مهارت‌های متخصص برمی‌گردد؛ اگر آموزشی در این خصوص دریافت نکرده‌ایم یا اگر ویژگی‌های مهارتی و شخصیتی مناسب کار با فرد دارای تجربه تروما را نداریم، بهتر است طی یک فرایند گوش دادن همدلانه، به‌گونه‌ای مناسب که فرد آسیب‌دیده هم با آن موافق است، فرد را به متخصص دیگری ارجاع دهیم. چنانچه از صلاحیت و آمادگی لازم برخورداریم، لازم است با یک نگرش غیردرمانی، ابتدا کمک‌های اولیه روان‌شناختی یا مداخله در بحران را



انجام دهیم و در ادامه در صورت لزوم، نسبت به درمان اقدام کنیم. فراموش نکنیم که بسته به اینکه تروما نوع اول یا دوم بوده و فرد آسیب‌دیده از چه سنی برخوردار است، ضرورت دارد از مداخلات درمانی متفاوتی استفاده کنیم.

۱۹- برای جهانی بدون خشونت، قصد دارم چه تغییر فردی داشته باشم؟

ما نمی‌توانیم برای جهانی بدون خشونت گام برداریم در حالی که خود به خشونت‌هایی مبادرت می‌کنیم. یادمان نرود که خشونت یا آسیب، همیشه ناشی از خشم نیست و در مواقع زیادی با هدف آسیب‌رساندن به کسی صورت نمی‌گیرد. افراد گاهی برای رسیدن به نیاز خود، ناخواسته به دیگران آسیب می‌رسانند و گاهی به صورت خودکار از الگوهای درونی و یا باورهای غیرمنطقی که در معرض آن بوده‌اند تبعیت می‌کنند.

اگر می‌خواهیم در مسیر «جهانی بدون خشونت» گام برداریم لازم است اول از خودمان شروع کنیم و برای این امر، بهتر است در گام اول خودپایشی داشته باشیم؛ مروری به رفتارهای خود با همه انسان‌هایی داشته باشیم که با آنها ارتباط داریم یا از دیگران در مورد رفتارهایمان بازخورد بگیریم. ما حتی در مواردی مثل اشتغال در حرفه روان‌شناسی که اصل اول اخلاقی آن «نیکوکاری و عدم آسیب‌رسانی» است، گاهی ناخواسته به مراجعان خود آسیب می‌رسانیم چه برسد به افراد دیگری که در تعامل با آنها، به اندازه حرفه، حساس نیستیم. زمانی خواهیم توانست به درد و رنج دیگران که ناشی از رفتار ما بوده است پی ببریم که قدرت همدلی را در خودمان بالا ببریم و به هیجان‌هایی که در دیگران، به‌ویژه بعد از رفتارمان، ایجاد می‌شود آگاه باشیم.

یک آزمون ساده اینکه بررسی کنیم در موقعیت‌های مختلفی که به‌ویژه از جایگاه قدرت برخوردار هستیم، تا چه حد رفتاری دموکراتیک داریم. یادمان نرود که بر اساس آزمایش زندان استنفورد، ما هر کدام ظرفیت دیکتاتوری داریم، به‌ویژه وقتی که از اختیاراتی برخوردار می‌شویم.

اگرچه آگاهی از ظرفیت‌های خشونت خودمان، گام بسیار مهمی برای پیشگیری از آسیب ما به دیگران خواهد بود، اما تا زمانی که گام‌های عملی برداشته نشود، این آگاهی‌ها، ممکن است نتیجه‌ای جز احساس گناه و یا گاهی انکار را به دنبال نداشته باشد. یادمان نرود که عمل علیه خشونت بسیار سخت است چرا که بایستی شجاعت اخلاقی گذشتن از سودمندی‌های قدرت و اختیارمان را داشته باشیم.

۲۰- برای جهانی بدون خشونت، قصد دارم چه اقدام اجتماعی انجام دهم؟

از منظری می‌توان گفت، در صورتی، به جهان بدون خشونت و کشور بدون خشونت نزدیک خواهیم شد که جامعه‌ای با ویژگی‌های سالم داشته باشیم. از این رو شاید بتوان گفت، یک اقدام اجتماعی عملی در این مسیر، تلاش به منظور تحقق ارزش‌ها و اهداف اجتماعی است که یک جامعه سالم به آن نیاز دارد؛ برخی از آنها عبارتند از: «عدالت اجتماعی، ... حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی... برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، ... به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب».

اینکه چگونه می‌توان در مسیر ارزش‌های اجتماعی یاد شده حرکت کرد، هر فردی ممکن است نسخه‌های خاص خود را داشته باشد. شاید برخی از افراد، نسبت به اثربخشی تلاش‌هایشان در این مسیر باور نداشته و امید کمی داشته باشند. مهم اینکه «به‌جای لعنت فرستادن به تاریکی، شمع روشن کنیم» و اینکه «یک نور هر چقدر هم کم باشد، بالاخره روشنایی است».



۳- اخبار و اطلاعیه‌های انجمن روان‌شناسی ایران

۳-۱- سایت جدید انجمن روان‌شناسی ایران راه‌اندازی شد

ضمن تشکر از خویشتن‌داری علاقمندان عضویت در انجمن روان‌شناسی ایران و پوزش بابت طولانی شدن فرایند به‌روزرسانی سایت، به اطلاع می‌رساند از هم اکنون امکان عضویت و تمدید عضویت در سایت امکان پذیر است. همچنین از این تاریخ ثبت نام دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی از طریق سایت انجام می‌شود.



۳-۲- نامه «انجمن روان‌شناسی ایران» و «جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران» به روسای دانشگاه‌ها

روسای محترم دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور
با سلام

همانطور که استحضار دارید مراکز مشاوره دانشجویی دانشگاه‌ها طی سال‌های گذشته اقدامات ارزنده‌ای برای ارتقای بهداشت روانی دانشجویان دانشگاه‌ها انجام داده‌اند. شرایط حاضر کشور باعث شده است که نیاز دانشجویان برای دریافت خدمات مشاوره‌ای ضرورتی دوچندان داشته باشد، ولی متأسفانه اقداماتی از جمله، نحوه اطلاع‌رسانی برخی از دست‌اندرکاران دانشگاه‌ها در خصوص اخبار خودکشی دانشجویان به‌همراه ذکر سوابق درمانی آنها، باعث شده است نگرش مثبت دانشجویان به مراکز مشاوره دانشجویی و اعتماد آنها به‌درجاتی تحت تأثیر قرار گیرد. از این‌رو ضروری است حساسیت‌های لازم در صدور



اطلاعیه‌های موارد خودکشی مطابق با دستورالعمل‌های «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور» و «سازمان جهانی بهداشت» انجام شود.

بر این اساس «انجمن روان‌شناسی ایران» و «جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران»، ضمن باور به رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای به‌ویژه رازداری توسط مراکز مشاوره دانشجویی، پیشنهاد می‌کند:

یک- با توجه به حساسیت نحوه اطلاع‌رسانی خودکشی دانشجویان، لازم است مسئولان ذیربط به‌ویژه روابط عمومی دانشگاه‌ها، اطلاع‌رسانی اخبار مرتبط با بهداشت روانی و خودکشی دانشجویان را صرفاً با نظر تخصصی و مشورتی مراکز مشاوره دانشگاه‌ها و با پرهیز از انتشار هرگونه سوابق درمانی آنان انجام دهند.



دو لازم است در راستای اعتمادسازی و تسهیل دریافت خدمات مشاوره‌ای، اقداماتی صورت گیرد تا دانشجویان نیازمند به خدمات بهداشت روانی در صورت نیاز بتوانند از خدمات مرکز مشاوره دانشگاه حتی بدون ثبت مشخصات فردی استفاده نمایند.

۳-۳- عضویت و تمدید عضویت دوساله و سه ساله در انجمن روان‌شناسی ایران

اعضای محترم انجمن روان‌شناسی ایران، با عضویت دو ساله و سه ساله از تخفیف ۱۰ درصد و ۲۰ درصد و صرفه جویی در هزینه پست برخوردار شوید. نظر به اینکه در هر دوره عضویت صرفاً یک کارت برای اعضا صادر می‌گردد، تغییر نوع عضویت در طول دوره امکان‌پذیر نیست. لذا خواهشمندیم چنانچه طی یک سال یا دو سال آینده، مقطع تحصیلی شما ارتقاء می‌یابد، لطفاً حسب مورد، به عضویت یک‌ساله یا دوساله اقدام نمایید. چنانچه مدرک تحصیلی تغییری ندارد می‌توانید عضویت سه ساله را انتخاب نمایید.

۳-۴- فراخوان دریافت مقاله روان‌شناسی سلامت بالینی

مجله روان‌شناسی سلامت بالینی، فصلنامه انجمن روان‌شناسی ایران، با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به شماره ثبت ۷۹۲۴۱، به مدیر مسئولی و سردبیری دکتر نادر منیرپور راه‌اندازی شد.

اساتید، دانشجویان و پژوهشگران عزیز به ویژه روان‌شناسان سلامت، می‌توانند با ثبت نام در سایت مجله، با ارسال مقاله و همکاری به عنوان داور در پیشبرد اهداف علمی روان‌شناسی سلامت بالینی در کشور سهیم شوند.

علاقه‌مندان می‌توانند پس از مطالعه راهنمای نویسندگان، فایل مقالات خود را در حوزه‌های مرتبط با سلامت بالینی (مانند روان‌شناسی سلامت، طب رفتاری، روان‌شناسی پزشکی و طب روان تنی) از طریق سامانه نشریه به آدرس زیر ارسال نمایند:

<http://www.chp-ipa.ir>

انواع مقالات قابل چاپ در فصلنامه روان‌شناسی سلامت بالینی:

- مقاله‌های تجربی و تکرارپذیری
- گزارش‌های مختصر، آزمون‌های روان‌شناختی
- مقاله‌های بازنگری انتقادی و فراتحلیلی
- مقاله‌های تئوریک و روش‌شناختی
- اظهار نظر کتبی در مورد مقاله‌های منتشرشده قبلی، پاسخ کتبی به اظهارنظرها
- نقد و بررسی کتاب، نقد و تحلیل مفاهیم روان‌شناختی
- گفتگو با متخصصان، اخبار در مورد متخصصان و نهادهای علمی
- سخن سردبیر (سرمقاله)، نامه به سردبیر

ایمیل ارتباطی با دفتر مجله: clinical.health.ipa@gmail.com و یا ارسال پیام از طریق بخش تماس با ما.

۳-۵- فراخوان دریافت مقاله برای مجله بین‌المللی روان‌شناسی

سامانه جدید مجله بین‌المللی روان‌شناسی رونمایی شد و آماده دریافت مقالات انگلیسی پژوهشگران محترم می‌باشد. به استحضار می‌رساند مجله *International Journal of Psychology (IPA)* دارای درجه علمی - پژوهشی از کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم - تحقیقات و فناوری) از سال ۱۳۸۲ می‌باشد.



همچنین نشریه در SID , magiran , Rigest , ISC , Google Scholar نیز نمایه‌سازی شده و دارای ضریب تأثیر ۰,۰۳۴ می‌باشد.

* قابل ذکر است در نگارش مقاله می‌بایست متناسب با نوع جامعه یکی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود و مقالات کتابخانه ای، روانسنجی و مورد پژوهی بررسی و چاپ نمی‌گردد.

جهت ارسال مقاله پس از مطالعه راهنمای نگارش مقاله به سایت مجله به آدرس <http://www.bijp.ir> مراجعه نمایید. آدرس ایمیل ارتباطی با مجله: info@ijpb.ir

۶-۳- فراخوان دریافت مقاله برای نشریه دانش روان‌شناسی، مجله علمی - ترویجی انجمن روان‌شناسی ایران

دوفصلنامه «دانش روان‌شناسی» مجله ای علمی - ترویجی است که به منظور ارتباط دانش علمی و فنی پژوهشگران با جامعه، سهولت مبادله علمی بین آنها، معرفی پیشرفت‌های عمده در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی و تحلیل موضوعات روان‌شناسی از دیدگاه پژوهشگران، کارشناسان داخلی و خارجی منتشر می‌شود. مقالات پژوهشی (Research Papers)، نقد و بررسی، گزارش‌های علمی یا یادداشت‌های تحقیقاتی (Technical Note)، مصاحبه با روان‌شناسان اثرگذار، سرگذشت زندگی روان‌شناسان اثرگذار، ترجمه یک فصل کتاب و تحلیل علمی پدیده‌های اجتماعی (مثل رقابت در کنکور، رانندگی، شهرنشینی، تورم و...)، متضمن مطالب همسو با اهداف دو ماهنامه و برخوردار از ابعاد آموزشی و پژوهشی ارزشمند با عنایت به محورهای پیشنهادی در فرم فراخوان مقاله، برای چاپ در این نشریه پذیرفته می‌شود.

راهنمای نویسندگان

به منظور تسهیل و تسریع فرآیند داوری و چاپ مقالات خواهشمند است به نکات زیر توجه فرمائید:

- مقاله ارسال شده در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد.
- مقاله ارسال شده همزمان به سایر مجلات فرستاده نشده باشد.
- مقاله از طریق ایمیل نشریه به نشانی daneshheravan@gmail.com ارسال شود.
- مقالات روی کاغذ A4 حروف‌چینی شود. فواصل بین خطوط به صورت ۱/۵ باشد. مقالات فارسی با قلم Bzar ۱۲ تهیه شود.
- حجم مقاله حداکثر ۸ صفحه چاپی باشد (با در نظر گرفتن محل جداول - اشکال - خلاصه - نتایج و فهرست منابع).
- چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم Bcompset نازک ۱۱، به صورت تک ستونی و فقط طی یک پاراگراف ارائه شود.
- اشکال، جداول و نمودارهای مقاله حتما اصل بوده و با کیفیت مطلوب باشد (قلم میترا سیاه ۱۱).

ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

صفحه اول مقاله: شامل عنوان، مشخصات نویسنده، نویسندگان (درجه علمی، مرتبه دانشگاهی، نشانی پستی محل کار، تلفن و پست الکترونیک (Email)، چکیده فارسی و واژگان کلیدی (۳ تا ۶ کلمه) است. چکیده مقاله حداقل ۱۵۰ کلمه و حداکثر ۲۲۰ کلمه بوده و شامل مقدمه (زمینه)، روش تحقیق (در صورت وجود)، نتیجه‌گیری و توصیه‌ها در یک پاراگراف باشد.

صفحه دوم به بعد بر اساس نوع مقاله، بایستی با فرمت‌های مشخص شده در سایت نشریه همخوانی داشته باشد.

پانویس‌ها: توضیحات و معادل لاتین اصطلاحات و اسامی مؤلفانی که ذکر نامشان در منابع ضرورت ندارد، پائین هر صفحه با



شماره‌های مجزا برای هر صفحه.

فهرست منابع: منابع و ماخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) باشد، به گونه‌ای که ابتدا نام مولف یا مولفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده به همان زبان اصلی (فارسی یا انگلیسی) باشد. به عنوان نمونه: (براهنی، ۱۳۷۱، ص ۵۰) یا (Beck, ۱۹۹۰, pp. ۲۷-۸)

در پایان مقاله، منابع، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی مؤلف، حرف اول یا نام کامل مؤلف و تکرار آن برای مؤلفان بعدی، سال چاپ (در داخل پرانتز)، عنوان کتاب با قلم (ایتالیک)، نوبت چاپ، محل انتشار، ناشر.

نمونه فارسی:

براهنی، نقی (۱۳۷۱)، *آناستازی*، ۱، روان آزمائی، دانشگاه تهران

نمونه انگلیسی:

Beck, A. , FREEMAN, A. , & Associates. (1990). *cognitive therapy of personality disorder*. New York: Guilford press

مقاله: نام خانوادگی مؤلف، حرف اول یا نام کامل مولف و تکرار آن برای مؤلفان بعدی، سال چاپ (در داخل پرانتز)، عنوان مقاله (داخل گیومه)، عنوان مجله (با قلم ایتالیک)، سال انتشار مجله، شماره مجله، شماره صفحات مقاله.

نقل قول‌ها - مستقیم و غیر مستقیم - نقل به مضمون و مطالب استنتاج شده از منابع و ماخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ، و شماره صفحات منابع و ماخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

- مقالات برگرفته از رساله‌ پایان‌نامه دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو به صورت توأمان و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.

- حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات، برای دفتر نشریه محفوظ است.

- پس از چاپ دوفصلنامه، به تعداد نویسندگان مقاله، نشریه برای نویسنده مسئول ارسال خواهد شد.

- پست الکترونیک نشریه: daneshravan@gmail.com

۷-۳- ارتباط با انجمن از طریق پیامک یا واتس اپ

با توجه به شرایط موجود و دورکاری همکاران دفتری انجمن، می‌توانید سوالات خود را از طریق پیامک و یا واتس اپ به شماره ۰۹۳۶۷۷۴۰۸۷۳ ارسال نمایید و در مواقع ضروری از ساعت ۹ صبح الی ۲ بعدازظهر روزهای شنبه تا چهارشنبه تماس حاصل فرمایید.



۴- دوره‌های آموزشی انجمن روان‌شناسی ایران

وبینارها، دوره‌های آموزشی و سخنرانی‌های انجمن روان‌شناسی ایران

همان‌گونه که مستحضر هستید در حال حاضر سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها و دوره‌های انجمن غیرحضوری و به‌صورت آنلاین برگزار می‌شود. کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی انجمن روان‌شناسی ایران که تاکنون نهایی شده است به شرح زیر اعلام می‌شود و بزودی کارگاه و دوره‌های جدید از طریق وبسایت، تلگرام و اینستاگرام انجمن به آگاهی خواهد رسید.

لازم به یادآوری است برای اعضای انجمن و دانشجویان ۱۰ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است، بنابراین شرکت‌کنندگان در کارگاه اگر دانشجو و نیز عضو انجمن باشند از ۲۰ درصد تخفیف هزینه ثبت‌نام بهره‌مند خواهند شد.

ثبت نام دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی از طریق سایت انجام می‌شود.



۴-۱- سخنرانی: به برهوت همدلی خوش آمدید

انجمن روان‌شناسی ایران برگزار می‌کند:

بصورت آنلاین (ویدئو کنفرانس)

سخنران: دکتر حسن حمیدپور

زمان برگزاری: ۲۹ دی ماه ۱۴۰۱

ساعت برگزاری: ۱۶ الی ۱۷:۳۰

شرایط شرکت کنندگان: اعضای محترم انجمن روان‌شناسی ایران



لینک سخنرانی

<https://vclass.ecourse.sharif.edu/ch/public-speaking>



سخنرانی برای اعضای انجمن که عضویت آنها اعتبار دارد رایگان می‌باشد.



۲-۴- نهمین دوره فشرده مداخله در بحران

۶،۱۳،۲۰،۲۷ خرداد ۱۴۰۲

شرایط شرکت کنندگان: دانشجویان کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری و سطوح بالاتر، پزشکان، رزیدنت‌های روان‌پزشکی و روان‌پزشکان

سرفصل دروس دوره
• آشنایی با مفاهیم و مدل‌ها در بحران و تروما (۴ ساعت)
• مداخله در بحران - بلایا (۸ ساعت)
• مداخله در بحران - خودکشی (۸ ساعت)
• مداخله در بحران - خشونت خانگی (۴ ساعت)
• مداخله در بحران - تعرض جنسی (۸ ساعت)
• مداخله در بحران - شکست عاطفی (۴ ساعت)
• مداخلات در سوگ (۴ ساعت)

هزینه کارگاه: ۲،۲۰۰،۰۰۰ تومان، ۱۰٪ تخفیف به اعضای انجمن روان‌شناسی ایران و ۱۰٪ تخفیف به دانشجویان تعلق خواهد گرفت.

- برای ثبت نام در دوره/کارگاه‌های انجمن می‌بایست ابتدا در سایت ثبت نام نمایید.
- اگر عضو انجمن هستید لطفاً با نام کاربری خود **وارد سایت شوید.**
- در صورتیکه عضو انجمن نیستید لطفاً ابتدا **فرم ثبت نام در سایت** را تکمیل و سپس بعد از ورود به سایت فرم ثبت نام در کارگاه را تکمیل نمایید.



۳-۲- شانزدهمین دوره مقدماتی تربیت درمانگر کودک

انجمن روان‌شناسی ایران برگزار می‌کند:

با ارائه گواهی‌نامه معتبر از انجمن روان‌شناسی ایران (دارای مجوز از وزارت

علوم، تحقیقات و فناوری)

به صورت آنلاین (وب کنفرانس)

طول دوره: ۱۰۰ ساعت

مدرس: دکتر کارینه طهماسیان

زمان برگزاری:

۳۰،۳۱ فروردین ۱۴۰۲

۷،۸،۱۳،۱۴،۲۱،۲۲،۲۷،۲۸ اردیبهشت

۳،۵،۱۱،۱۲،۱۷،۱۹،۲۵،۲۶ خرداد

۱،۲،۷،۹،۱۴،۱۵،۲۲ تیر

ساعت برگزاری: چهارشنبه‌ها ۹ تا ۱۳ سایر روزها از ۹:۳۰ تا ۱۳:۳۰

شرایط شرکت کنندگان: دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های روانشناسی و مشاوره، و سطوح بالاتر

سرفصل دروس دوره

آسیب‌شناسی روان‌شناختی کودک، فنون مصاحبه بالینی با کودک، آموزش مدیریت رفتاری والدین، آموزش مدیریت خشم و جرات‌ورزی، شناخت درمانی، رفتاردرمانی، بازی درمانی و قصه‌درمانی، کاربرد تکنیک‌های شناختی رفتاری در مشکلات رفتاری آموزش مهارت‌های زندگی

هزینه دوره: ۶۱۰۰۰۰۰ تومان

۱۰ درصد تخفیف برای اعضای محترم انجمن روان‌شناسی ایران و ۱۰ درصد تخفیف به دانشجویان تعلق خواهد گرفت.

- برای ثبت نام در دوره/کارگاه‌های انجمن می‌بایست ابتدا در سایت ثبت نام نمایید.
- اگر عضو انجمن هستید لطفاً با نام کاربری خود **وارد سایت شوید**.
- در صورتیکه عضو انجمن نیستید لطفاً ابتدا **فرم ثبت نام در سایت** را تکمیل و سپس بعد از ورود به سایت فرم ثبت نام در کارگاه را تکمیل نمایید.



۴-۴- نهمین دوره پیشرفته تربیت درمانگر کودک

انجمن روان‌شناسی ایران برگزار می‌کند:
با ارائه گواهی‌نامه معتبر از انجمن روان‌شناسی ایران (دارای مجوز از وزارت
علوم، تحقیقات و فناوری)
به صورت آنلاین (وب کنفرانس)

مدرس: دکتر کارینه طهماسیان
طول دوره: ۶۰ ساعت

زمان برگزاری:

۲۳، ۲۸، ۲۹ تیر ۱۴۰۲

۴، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶ مرداد

۲، ۳، ۸، ۹، ۱۷ شهریور

ساعت برگزاری: چهارشنبه‌ها ۹ تا ۱۳ سایر روزها از ۹:۳۰ تا ۱۳:۳۰

شرایط شرکت کنندگان: دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های روانشناسی و مشاوره، و سطوح بالاتر

توجه توجه: عزیزانی که قبلاً دوره مقدماتی را در انجمن گذرانده‌اند می‌توانند برای پیشرفته ۶۰ ساعت ثبت نام کنند.

سرفصل دروس دوره

مداخلات شناختی رفتاری در طلاق، تروما، سوگ، افسردگی،
وسواس و عزت نفس

هزینه دوره: ۴۰۹۰۰۰۰ تومان

۱۰ درصد تخفیف برای اعضای محترم انجمن روان‌شناسی ایران و ۱۰ درصد تخفیف به دانشجویان تعلق خواهد گرفت.

- برای ثبت نام در دوره/کارگاه‌های انجمن می‌بایست ابتدا در سایت ثبت نام نمایید.
- اگر عضو انجمن هستید لطفاً با نام کاربری خود **وارد سایت شوید**.
- در صورتیکه عضو انجمن نیستید لطفاً ابتدا **فرم ثبت نام در سایت** را تکمیل و سپس بعد از ورود به سایت فرم ثبت نام در کارگاه را تکمیل نمایید.



انجمن روان‌شناسی ایران برگزار می‌کند:
با ارائه گواهی‌نامه معتبر از انجمن روان‌شناسی ایران (اداری مجوز از وزارت
علوم، تحقیقات و فناوری)
به صورت آنلاین (وب کنفرانس)

مدرس: دکتر حسن حمیدپور

زمان برگزاری: ۲۴،۲۵،۲۶ فروردین ۱۴۰۲

ساعت برگزاری: ۸ الی ۱۶

شرایط شرکت کنندگان: فارغ التحصیلان کارشناسی روان‌شناسی، مشاوره و

سطوح بالاتر

طول دوره: ۲۴ ساعت

هزینه کارگاه: ۱,۹۵۰,۰۰۰ تومان، ۱۰٪ تخفیف به اعضای انجمن روان‌شناسی

ایران و ۱۰٪ تخفیف به دانشجویان تعلق خواهد گرفت.

* امکان بازپخش فیلم کارگاه به صورت آنلاین *

* امکان پرسش و پاسخ و شرکت فعال در کارگاه * (متن، صوتی، تصویری)

- برای ثبت نام در دوره/کارگاه‌های انجمن می‌بایست ابتدا در سایت ثبت نام نمایید.
- اگر عضو انجمن هستید لطفاً با نام کاربری خود **وارد سایت شوید**.
- در صورتیکه عضو انجمن نیستید لطفاً ابتدا **فرم ثبت نام در سایت** را تکمیل و سپس بعد از ورود به سایت فرم ثبت نام در کارگاه را تکمیل نمایید.



۴-۶- دومین دوره ۱۰۰ ساعته درمان شناختی رفتاری

انجمن روان‌شناسی ایران برگزار می‌کند:

با ارائه گواهی‌نامه معتبر از انجمن روان‌شناسی ایران (دارای مجوز از وزارت علوم،

تحقیقات و فناوری)

به صورت آنلاین (وب کنفرانس)

مدرس: دکتر بهروز دولتشاهی (دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علوم توانبخشی و

سلامت اجتماعی)

زمان برگزاری:

۱۷،۱۸،۳۱ فروردین ۱۴۰۲

۱۴،۲۱،۲۲،۲۸،۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

۴،۵،۱۱،۱۲،۱۸،۱۹،۲۵،۲۶ خرداد ۱۴۰۲

۱،۲،۸،۹،۱۵ تیر ۱۴۰۲

ساعت برگزاری: از ساعت ۱۵ الی ۱۹

شرایط شرکت کنندگان: دانشجویان کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مشاوره و سطوح بالاتر و همچنین روان‌پزشکان

سرفصل دوره:

- ۱- اصول و مفاهیم بنیادی درمان شناختی- رفتاری
- ۲- رابطه درمانی در درمان شناختی- رفتاری
- ۳- ارزیابی و فرمولبندی شناختی- رفتاری
- ۴- ساخت مندی جلسه های درمان شناختی- رفتاری
- ۵- درمان شناختی- رفتاری اختلال اضطراب منتشر (GAD)
- ۶- درمان شناختی- رفتاری اختلال پانیک (PD)
- ۷- درمان شناختی- رفتاری اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)
- ۸- درمان شناختی- رفتاری اختلال اضطراب اجتماعی (SAD)
- ۹- درمان شناختی- رفتاری اختلال وسواس اجباری (OCD)
- ۱۰- درمان شناختی- رفتاری اختلالات افسردگی (DD)

اطلاعات تکمیلی:

طول دوره: ۱۰۰ ساعت

هزینه دوره: ۶،۱۰۰،۰۰۰ تومان، ۱۰٪ تخفیف به اعضای انجمن روان‌شناسی ایران و ۱۰٪ تخفیف به دانشجویان تعلق خواهد گرفت. همچنین امکان پرداخت هزینه دوره بصورت اقساط نیز وجود دارد که طی دو قسط می باشد.

- برای ثبت نام در دوره/کارگاه‌های انجمن می‌بایست ابتدا در سایت ثبت نام نماید.
- اگر عضو انجمن هستید لطفا با نام کاربری خود **وارد سایت شوید**.
- در صورتیکه عضو انجمن نیستید لطفا ابتدا **فرم ثبت نام در سایت** را تکمیل و سپس بعد از ورود به سایت فرم ثبت نام در کارگاه را تکمیل نماید.

۷-۴- کارگاه مداخله زودهنگام از تولد تا ۵ سالگی

انجمن روان‌شناسی ایران برگزار می‌کند:

با ارائه گواهی‌نامه معتبر از انجمن روان‌شناسی ایران (دارای مجوز از وزارت

علوم، تحقیقات و فناوری)

به صورت آنلاین (وب کنفرانس)

مدرس: دکتر فریده ترابی میلانی

تاریخ برگزاری: ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲

ساعت برگزاری: از ساعت ۸ الی ۱۲

طول دوره: ۸ ساعت

شرایط شرکت‌کنندگان: دانشجویان کارشناسی روان‌شناسی و مشاوره و سطوح بالاتر

نکته مهم: مربیان مهد کودکها و مربیان کودکان پیش دبستانی اگر در رشته

روانشناسی و مشاوره باشند می‌توانند شرکت کنند و گواهی بگیرند در غیر این صورت

می‌توانند بدون دریافت گواهی ثبت نام کنند

امکان بازپخش فیلم کارگاه به صورت آفلاین*

* امکان پرسش و پاسخ و شرکت فعال در کارگاه* (متن، صوتی، تصویری)

سرفصل دروس

- مروری بر نظریه های روانشناسان تحولی نگر
 - بررسی تحول کودکان خردسال و اصول تحول
 - تحول بهنجار از تولد تا ۵ سالگی
 - ارزیابی مبتنی بر تحول بهنجار
 - تأخیرهای تحولی و آموزش گام به گام مهارت ها
- لطفا قبل از کارگاه کتاب ارزیابی برنامه ریزی آموزشی و بازپروری کودکان از تولد تا ۵ سالگی (انتشارات سمت) را تهیه و مطالعه بفرمایید

هزینه کارگاه: ۴۶۰۰۰۰ تومان، ۱۰٪ تخفیف به اعضای انجمن روان‌شناسی ایران و ۱۰٪ تخفیف به دانشجویان تعلق خواهد گرفت.

➤ برای ثبت نام در دوره/کارگاه‌های انجمن می‌بایست ابتدا در سایت ثبت نام نمایید.

➤ اگر عضو انجمن هستید لطفا با نام کاربری خود **وارد سایت شوید**.➤ در صورتیکه عضو انجمن نیستید لطفا ابتدا **فرم ثبت نام در سایت** را تکمیل و سپس بعد از ورود به سایت فرم ثبت

نام در کارگاه را تکمیل نمایید.



۸-۲- لینک آپارات سخنرانی‌های برگزار شده انجمن روان‌شناسی ایران

➤ خودیاری و مراقبت از خود در شرایط دشوار کنونی

سخنران: آقای دکتر علی صاحبی

<https://www.aparat.com/v/hLr6R?fbclid=PAAaZ168VE92gqWzCAvdLfxzgXVwt3zR3ygX7BIUVi9m43DWy6RX1gC9dQkuk>

➤ مداخلات روان‌شناختی در تروما: ملاحظاتی چند

سخنران: آقای دکتر حمید پورشریفی

<https://www.aparat.com/v/lwdfp>

۵- یادداشت‌های ویژه

۱-۵- خاموشی تابناک

حبیب‌الله قاسم‌زاده

گروه روان‌پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

بیمارستان روزبه

با کمال تأسف، جامعه روان‌شناسی، یکی از چهره‌های درخشان علمی خود را از دست داد. دکتر جمال عابدی، استاد روان‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس و دیویس، درگذشت (۱۳۲۰-۱۴۰۱). خبر کوتاه بود و کوبنده. اگرچه این اواخر می‌دانستم که ناخوش‌احوال است، اما اصلاً انتظار شنیدن چنین خبر سهمگینی را نداشتم. در دفتر کارم بودم. مدتی ساکت و آرام و بهت‌زده، در و دیوار را نگاه می‌کردم و بعد به یاد این شعر افتادم که "همی گفتم که خاقانی ...". وقتی خودم را پیدا کردم به همسرم خبر دادم. او نیز سخت ناراحت شد.

جمال عابدی دوست بسیار صمیمی من بود و از جمله انسان‌های خوش‌بختی بود که خیل دوستان و آشنایان، از وی جز انسانیت، مهربانی و نیکی چیزی به یاد نخواهند داشت. شخصیتی متین، قابل احترام، اطمینان‌بخش و دوست‌داشتنی داشت و فردی بود همیشه آماده برای کمک به دیگران.

ارتباط جمال عابدی و من به سال‌های ۱۳۴۳ یعنی آغاز تحصیل در دوره کارشناسی در دانشگاه تهران بر می‌گردد. ما متعلق به نسل اول دانش‌آموختگان روان‌شناسی در ایران بودیم که این رشته را مستقل از علوم تربیتی و فلسفه دنبال کردیم.

سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ که مشغول تحصیل در دانشگاه تهران بودیم، دوره نوعی بازاندیشی و بازآفرینی فرهنگی و علمی بود. علاقه و گرایش به تغییر در همه عرصه‌های مختلف سیاسی، فکری و اجتماعی، با ساز و کارهای گوناگون در حال شکل‌گیری و



صورت‌بندی بود. دریافتی از این نوع انگیزه‌ها و گرایش‌ها در فضای دانشگاهی و روشن‌فکری نیز متبلور شده بود. هفته‌ای نبود که روی دادِ جالبی در حوزه تفکر و هنر اتفاق نیفتد. هنوز دل‌نشینی سخنان دکتر محسن هشترودی، دقت کلام نادر نادرپور در شعرخوانی، ظنین صدای احمد شاملو و زمزمه‌های شیرین اخوان ثالث را به یاد دارم و البته صلابت و گیرایی بیان اساتید صاحب‌نام، صاحب‌سبک و آزاده اندیشی چون دکتر علی‌اکبر سیاسی، دکتر محمود صناعی، دکتر محمود بهزاد و دکتر غلام‌حسین صدیقی را در کلاس درس.

جمال جزء دانش‌جویان ممتاز بود و از همان ابتدا علاقه‌مندی خود را به موضوع آمار و آزمون‌ها و کلاً بحث سنجش و روان‌آزمایی نشان داد و مقاله‌ها و کارهای تحقیقی خود را در این راستا انتخاب کرد. او دوره کارشناسی ارشد خود را نیز در ایران سپری کرد و پس از مدتی کوتاه، برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و از کالج جرج پی‌بادی (دانشگاه وندربیلت) (نشویل، تنسی) پذیرش گرفت و پس از تجدید دوره کارشناسی ارشد، وارد دوره دکترا شد و زیر نظر پروفیسور ریموند نوریس استاد برجسته آمار و روش تحقیق، آموزش‌های لازم را دید و موفق به اخذ درجه دکترا (PhD) شد. او به عنوان دست‌یار دکتر نوریس، در مرکز رایانه دپارتمان روان‌شناسی هم مشغول بود. سال‌های ۱۹۷۰، هنوز اطلاعات از طریق "پانچ‌کردن" کارتها وارد سیستم می‌شد. به یاد دارم که بسیاری از دانش‌جویان دوره دکترا با دسته‌ای از کارتهای "پانچ‌شده" برای گرفتن کمک به جمال مراجعه می‌کردند و او با کمال خوش‌رویی در این کار به آن‌ها کمک می‌کرد. یک سال بعد، من نیز وارد همین دانشگاه شدم. چند سالی که با هم در پی‌بادی بودیم، با وجود بار سنگین درس‌ها، جزء به یادماندنی‌ترین ایام زندگی من به حساب می‌آید.

دکتر عابدی پس از اتمام تحصیلات، بلافاصله به ایران برگشت و در دانشگاه تربیت معلّم مشغول شد. او با دانشگاه تهران نیز همکاری داشت. مدتی نیز معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلّم را بر عهده داشت. اما به دنبال آشفتگی‌هایی که اوایل انقلاب در دانشگاه‌ها پیش آمد، جمال به دانشگاه الزهرا منتقل شد. آنجا نیز محیط را برای کار و پیش‌رفت چندان مساعد نیافت و بالأخره، در اوایل دهه ۱۳۶۰ همراه همسر و فرزندش علی عازم آمریکا شد و پس از گذراندن دوره پسادکتر در UCLA، همان دانشگاه مشغول کار شد و تا درجه تمام استادی پیش رفت.

دکتر عابدی در UCLA دست به کارهای درخشانی زد. وی علاوه بر تدریس در دوره‌های عالی، چندین پروژه تحقیقاتی بزرگ ملی را رهبری کرد. من نیز افتخار این را داشتم که مدتی کوتاه با گروه ایشان همکاری نمایم (درسال ۲۰۰۲). کارهای وی، مخصوصاً از جهت پاسخ به نیازهای جامعه آمریکا درباره اصل "No Child Left Behind" قابل ستایش است. او توانست تأثیر زبان را در آموزش علوم و ریاضیات در بچه‌های لاتین‌تبار بررسی نماید و به نتایج امیدوارکننده‌ای برسد - از جمله آن که عقب‌ماندگی برخی از دانش‌آموزان، به یادگیری زبان انگلیسی برمی‌گردد و نه هوش و توانایی ذهنی آنان در درک مطالب. بر مبنای تحقیقات او بود که مسئولان آموزش و پرورش آمریکا مخصوصاً در ایالت‌های مهاجرنشین در غرب آمریکا توانستند برنامه‌های آموزشی خود را طوری تنظیم و طراحی کنند که کودک بتواند با یادگیری زبان، مطالب را به خوبی درک و هضم نماید. در طی این مدت، جمال موفق شد جوایز ارزنده بسیاری کسب نماید و همراه با سایر ایرانی‌های دانشمند در آمریکا، باعث سرفرازی ایرانیان گردد.



جمال مدتی نیز برای پی‌گیری پروژه‌های تحقیقی و راه‌نمایی دانش‌جویان و پژوهشگران در دیویس مشغول بود. در طی این مدت، بخت یاری کرد و توانستم مسافرت‌های کوتاهی به دیویس داشته باشم. این دیدارها طی سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ که به عنوان استاد مهمان در دانشگاه اوره‌گان بودم، اتفاق افتاد و چه‌قدر خوب شد که اتفاق افتاد و چندروزی مهمان جمال و همسر گرامی‌شان خانم دکتر فرشته هجری که ایشان نیز منشأ خدمات ارزنده‌ای در عرصه‌های برنامه‌ریزی، مدیریت و مخصوصاً مشاوره‌های بالینی هستند، بودم.

این اواخر، چند سالی بود که جمال خود را بازنشسته کرده بود و کارهایش را از منزل دنبال می‌کرد. خانواده جمال مدت کوتاهی نیز در ارواین سکونت گزیدند- برای نزدیک بودن به فرزندان‌شان علی و سارا- تا آن‌که دوبرتبه به لس‌آنجلس برگشتند.

جمال پیوسته در حال حرکت، تکاپو و برنامه‌ریزی و کار خلاق بود. جای تعجب نیست که یکی از زمینه‌های کاری او، طراحی آزمونی برای خلاقیت بود. محقق بود برجسته، مبتکر و نواندیش. همواره دنبال راه‌های جدید و سازوکارهای جدید بود. در بسیاری از همایش‌ها شرکت می‌کرد و همیشه مقدمش را اهل فن گرامی می‌داشتند- من در یکی از این همایش‌ها (CRESST) حضور داشتم. هر کجا سخن از ارزیابی تحصیلی به میان می‌آمد، جزء نخستین کسانی بود که مورد توجه قرار می‌گرفت. چندین کتاب و بسیاری مقاله‌های تخصصی که در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده‌اند، از وی به یادگار مانده است، به‌علاوه فصل‌های مفصلی که در کتاب‌های تخصصی به چاپ رسیده است. اگرچه دکتر عابدی، آثار ارزنده‌ای به زبان فارسی هم دارد، اما اکثر آثار علمی مهم وی به زبان انگلیسی است.

انسانی بود فوق‌العاده متواضع، خوش‌بین و شوخ‌طبع. صحبت با او در انسان احساس آرامش و اطمینان به وجود می‌آورد. فردی بود، بسیار خانواده‌دوست و همیشه در کنار خانواده: دکتر فرشته هجری، همسری مهربان و فداکار، علی و سارا، فرزندان برومندی که مدارج عالی تحصیلی را طی کردند- علی متخصص در کارهای رایانه‌ای است و سارا در پزشکی.

نمونه‌ی مناعت طبع، شکیبایی، تحمل و گذشت بود. اگرچه در دوره‌هایی مورد بی‌مهری و قدرناشناسی مسئولان دانشگاهی در کشور خود قرار گرفت، اما خم به ابرو در نیاورد. حتی یک‌بار که برای مدتی کوتاه به ایران آمد و حاضر شد با هزینه خود بعضی از تابستان‌ها به ایران بیاید و در کارهای علمی کمک نماید، استقبالی از وی به عمل نیامد. در حالی که رشته تخصصی او سخت مورد نیاز بود. اما در راستای آرزوی حافظ سخن‌شناس، گوهرشناسان، قدر گوهر او را دانستند و امکانات لازم در اختیارش گذاشتند و مورد حمایت قرار دادند.

فقدان او را باید ضایعه‌ای بزرگ برای جامعه علمی روان‌شناسی دانست. امیدوار بودیم که روزی به ایران برگردد و منشأ خدمات درخشان علمی-هم‌سنگ با خدمات خود در آمریکا- در کشور خود بشود. اما روزگار، سرنوشت‌ها را به گونه دیگری رقم می‌زند. دکتر عابدی با بزرگواری، عضویت در هیئت تحریریه مجله بازتاب دانش: نشریه‌ای درباره شناخت، مغز و رفتار را پذیرفته بود و ما را در بررسی مقاله‌ها یاری می‌کرد.



این ضایعه را خدمت خانواده پرمهر و محبت جمال (همسر و فرزندان)، دکتر جلال عابدی، دکتر کریم عابدی، خواهران و خواهرزادگان در ایران و کانادا و کلیه بستگان و دوستان، جامعه روان‌شناسی، علوم تربیتی، ارزیابی، سنجش و آزمون تسلیت می‌گویم. اطمینان دارم که نام و یاد او همچنان زنده خواهد ماند و در دفتر تاریخ پرافتخار این مرز و بوم خواهد درخشید.

او به خوبی می‌دانست که "طالب علم بدون دلی پر از شوق بی‌کران و اراده و عزمی استوار نمی‌تواند باشد، زیرا بار او بسیار سنگین و راه او بسیار دور است..." [مکالمات، اثر کنفوسیوس، ترجمه حسین کاظم‌زاده ایران‌شهر، ۱۳۵۹، ص ۲۰۱]

۲-۵- پرخاشگری انطباقی و ناسازگار

دکتر علی سلیمانی

دکتری تخصصی روان‌شناسی؛ استادیار دانشگاه علم و فرهنگ

مقدمه:

خشونت و پرخاشگری از جمله معهود واژگانی هستند که دو طیف متضاد معنایی را در خویش تجمیع کرده‌اند. از یک سو، مخل حیات بوده و از سوی دیگر عامل شکوفایی ذات محسوب می‌شوند. از این رو، برای تشخیص رویکرد ارزشی خشونت و پرخاشگری از رویکرد غیر ارزشی آن، لازم است گستره فحوای آن شناسایی شود تا در پرتو آن بتوان در سطح جامعه و در سطح رفتارهای بین فردی، برخوردهای انفعالی یا کنشی که خشونت زا هستند، از خشونت‌های مفید و ضروری را مورد تمیز قرار داد. با وجود تفاوت‌های بین خشونت و پرخاشگری، اما با کمی تسامح، به شکل مترادف در نظر گرفته شده‌اند. در این یادداشت کوتاه، سعی بر این است تا به صورت اجمال با مفهوم پرخاشگری به عنوان نمادی از یک سازه روانی اجتماعی و برخی پیامدهای آن آشنا شویم:

"پرخاشگری انطباقی و پرخاشگری ناسازگار"

اصطلاح پرخاشگری اصطلاحی مبهم است: تعابیر متعددی درباره آن یافت شده است و اغلب به عنوان "بی‌قراری حرکتی بیش از حد همراه با افزایش تنش و تحریک‌پذیری که منجر به رفتار غیر مولد و تکراری می‌شود" از آن یاد می‌شود (گریگا، پاچیاروتی، کاسپر، زیلر، آلن، واسکوئز و دیگران، ۲۰۱۶). سازمان بهداشت جهانی در گزارشی درباره خشونت و سلامت، خشونت را به عنوان یک اصل تعریف می‌کند: "استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت در برابر ادراک تهدید یا تهدید واقعی، علیه خود یا شخص دیگر، علیه یک گروه یا جامعه، که به احتمال زیاد منجر به جراحت، مرگ، آسیب روانی یا محرومیت می‌شود (کروگ، مرسی، دالبرگ و زویی، ۲۰۰۲). مفهوم کارآمد پرخاشگری که توسط رامیرز و آندریو توصیف شده است به معنی "ارائه هر شکلی از رفتار آسیب‌زای معین و قابل مشاهده نسبت به هر هدفی است (رامیرز و آندریو، ۲۰۰۶). از دیدگاه کانر (۲۰۰۲)، پرخاشگری یک جنبه مرکزی از مجموعه رفتاری در میان گونه‌هاست. پرخاشگری انطباقی به عنوان رفتاری برخاسته از یک سیستم عصبی مرکزی (CNS) که به دلیل سازگاری تکاملی، عملکرد خوبی دارد، تعریف می‌شود (کانر ۲۰۰۲).



پرخاشگری انطباقی بخشی طبیعی از روند رشد و تحول آدمی محسوب می‌شود که در خدمت بسیاری از اهداف کوتاه و بلند مدت و قابل تشخیص است: از جمله کسب منابع، دفاع از فرد یا گروه، و ایجاد سلطه در گروه‌های اجتماعی. رفتار پرخاشگرانه انطباقی در خدمت بسیاری از اهداف اجتماعی مانند رقابت در فعالیتهای تحصیلی، ورزشی و یا کسب و کار است. با این حال، پرخاشگری انطباقی نیز ممکن است باعث آسیب و ناراحتی‌های زیادی در جامعه شود. نمونه آن، خشونت در باندهای محله است. در باندها، گروه‌هایی از افراد یک سلسله مراتب رهبری ایجاد می‌کنند. از "چمن" دفاع می‌کنند که گاهی اوقات با خشونت همراه است و یا ممکن است در "سرقه" غارتگرانه منابع شرکت کنند. همه این رفتارها با تعریف فوق سازگار هستند، اما به وضوح ممکن است باعث آسیب به افراد و جامعه شوند. رفتارهای پرخاشگرانه انطباقی که نرم‌های اجتماعی را تهدید می‌کند، ممکن است در شرایط خاص، نیازمند مداخله نهادهای روان‌شناختی، اجتماعی، خانوادگی، آموزشی، کیفری و یا نهادهای سیاسی-اقتصادی باشد. با این حال، پرخاشگری انطباقی غالباً نیازی به مداخله زیست‌پزشکی ندارد (کانر، ۲۰۰۲). از سویی، پرخاشگری ناسازگار، ممکن است یک رفتار مرتبط با سیستم عصبی مرکزی باشد که عملکرد مطلوبی ندارد و احتمال بروز آن در افراد مبتلا به بیماری‌های روانپزشکی یا عصبی بیشتر است و گاهی اوقات، پرخاشگری بیمارگونه نامیده می‌شود. به طور کلی، پرخاشگری ناسازگار به عنوان افراطی از توزیع طبیعی رفتارهای پرخاشگرانه در جمعیت عمومی مفهوم‌سازی می‌شود (والترز و راشیو، ۲۰۱۳؛ والتز و دیگران، ۲۰۱۶). پرخاشگری ناسازگار در پاسخ به تحریک حداقل یا حتی در حالت فقدان تحریک رخ می‌دهد، و تمایل دارد که ناگهانی، تکانشی، نامناسب، شدید و مکرر بوده و اغلب در مدت زمان بیش از حد است (بامبور و کانر، ۲۰۰۵؛ جنسن و دیگران، ۲۰۰۷).

علاوه بر عملکرد بهینه یا غیر بهینه سیستم عصبی مرکزی، "زمینه محیطی" که رفتار خشن در آن رخ می‌دهد در تعیین این که آیا پرخاشگری به شیوه‌ای سازگارانه یا ناسازگار بیان می‌شود، مهم است. به عنوان مثال، دو سناریو با موضوع فرضی یکسان را در نظر بگیرید: یک کودک که تا حدی به نقص توجه مبتلا است و به تنهایی در مسیر مدرسه به خانه حرکت می‌کند، به ناگهان توسط یک باند جوان که قصد تمسخر، قلدری و سپس حمله فیزیکی به او را دارند، محاصره می‌شود. در سناریوی (الف)، کودک با استفاده از یک لحظه غفلت آنان، با پرخاشگری شدید، ناگهانی، دیوانه‌وار و تکانشی نسبت به مهاجمان غافلگیر شده خود، پاسخ داده و بلافاصله از صحنه خشونت فرار کرده و به خانه می‌رود، خوشحال از این است که هم صدمه ندیده و هم برای یک لحظه آنان را ترسانده است. حال سناریوی (ب) را در نظر بگیرید که طی آن همان کودک به خانه می‌رسد، انجام تکالیف را به تعویق می‌اندازد، سیستم خود را روشن و در یک بازی تیراندازی مجازی شرکت و در مقابل یک تیرانداز قرار می‌گیرد. او می‌خواهد با تیراندازی‌های مکرر به شخص مقابل، آرام شود. کودک که به شدت جذب بازی شده است، صدای مادر را که از او می‌خواهد دستگاه را خاموش کرده، دست‌ها را شسته و برای شام حاضر شود، نمی‌شنود. بار دیگر مادر با صدای بلندتر به او دستور می‌دهد تا بازی را خاموش کند. اما این بار، کودک با تهدیدهای کلامی، ناگهانی و دیوانه‌وار، پرتاب اشیاء به اطراف و کوبیدن مشت به دیوار به درخواست مادر پاسخ می‌دهد.

هر دو سناریو نمونه‌هایی از خشونت و پرخاشگری تکانشی هستند، اما، در حالی که سناریوی اول در خدمت پاسخ سازگارانه به یک تهدید است، رفتار مشابه در سناریوی دوم، در چارچوب یک درخواست معمولی، غیر انطباقی به نظر می‌رسد.



دکتر حسام شاهمرادی
دکتری تخصصی روان‌شناسی بالینی

امروزه در جهانی زیست می‌کنیم که متأسفانه مملو از خشونت و رفتارهای افراط‌گری است. خشونت با همه اقسام پنهان و آشکارش، فردی و خانگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و نظامی، در همه ادیان منحوس شمرده شده است به ویژه که در حکمت اسلامی به عنوان یک رذیلت معرفی شده است. ملامهدی نراقی در جامع‌السعادات از خشونت رفتاری به عنوان رذیلت اخلاقی یاد می‌کند و اخوان الصفا، خشونت را به عنوان رذیلت فلسفی معرفی می‌کند.

ولی آنچه که مشخص است ملاک دقیقی برای سنجش خشونت وجود ندارد، با این وجود تلاش‌های بسیاری شده است از جمله تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو کنوانسیون بین‌المللی مدنی- سیاسی و کنوانسیون حقوق بین‌الملل اقتصاد اجتماعی که به تأیید و تصویب مجالس کشورها رسیده است این موارد ملاک‌های اصلی حقوق محسوب می‌شود و افراط و تفریط در این اعلامیه می‌تواند ملاک سنجش خشونت باشد. آنچه که در این مبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت ریشه‌های خشونت بر اساس نظریه نواکا و راهکارهای مداخله‌ای مناسب در جهت پیشگیری از آن است.

الگوی نواکا در مورد پرخاشگری

نواکا معتقد است که افراد پرخاشگر مشکلاتی در منطبق کردن اهداف چندگانه دارند، پاسخ‌ها را به طور نامناسب ارزیابی می‌کنند و احساس می‌کنند که اجرای رفتار پرخاشگرانه مؤثر است. آنها پاسخ‌های پرخاشگرانه را به صورت مطلوب ارزیابی کرده و اخلاقی می‌دانند (مک گوایر^۱، ۲۰۰۶). نواکا در تبیین خشم، مؤلفه‌های محیطی و شناختی، یعنی روان‌شناختی و رفتاری (حرکتی) را مورد توجه قرار می‌دهد. در الگوی نواکا فرایند تأییدات شناختی بسیار اهمیت دارد و وقایع محیطی به تنهایی برانگیزنده‌ی خشم نیستند، بلکه آنها فقط زمانی خشم را برمی‌انگیزند که توسط دستگاه‌های شناختی دریافت شوند و از صافی این دستگاه عبور کنند. در واقع، واحدهای سه‌گانه شناخت، رفتار و عاطفه و ارتباطات درونی آنها در برانگیختگی خشم ایفای نقش می‌کنند (مک گوایر، ۲۰۰۶).

در الگوی نواکا، خشم به عنوان هیجانی در نظر گرفته می‌شود که دارای مؤلفه‌های شناختی و فیزیولوژیکی است. خشم معمولاً به وسیله نشانه‌های محیطی آزاد می‌شود. بنابراین زمانی که یک نشانه محیطی، فرد را به لحاظ شناختی و جسمانی تحریک کند او خشمگین می‌شود. تعامل بین نشانه‌های شناختی و فیزیولوژیکی و عوامل محیطی به نوبه خود منجر به یک تجربه هیجانی می‌شود که تحت عنوان خشم نامگذاری می‌شود. این تجربه ذهنی (که ممکن است با عمل خشونت‌آمیز نسبت به فرد دیگر همراه باشد) با بیانات رفتاری خشم در ارتباط قرار می‌گیرد (گانون^۲، وارد^۳، بیچ و فیشر^۴، ۲۰۰۷ و مک گوایر، ۲۰۰۶، به نقل از نواکا).

خشم ممکن است به عنوان یک تجربه ذهنی سازگارانه و هیجان پیچیده‌ای شناخته شود که هم کارکرد مثبت و هم کارکرد منفی دارد. زمانی خشم دارای کارکرد نامناسب است که خارج از کنترل باشد و پاسخی را ایجاد کند که با عامل برانگیزنده خشم تناسب نداشته

^۱. Mc Guier

^۲. Gannon

^۳. Ward

^۴. Beach & Fisher



باشد. در چنین مواقعی ممکن است خشم مشکلات دیگری مانند جرم یا خشونت را ایجاد کند (گانون، وارد، بیچ و فیشر، ۲۰۰۷، مک گوایر، ۲۰۰۶، به نقل از نواکا). در هر حال هنگامی خشم کارکرد بد دارد که تجربه و بیان آن یک تأثیر منفی غالب داشته باشد (گانون، وارد، بیچ و فیشر، ۲۰۰۷).

تجربه خشم می‌تواند مثبت، سازگارانه، حمایت‌کننده خود و انرژی‌دهنده باشد و یا کیفیت حمایتی داشته باشد و به بقاء فرد و گروه کمک کند. رفتار مرتبط با خشم به دامنه‌ای از عوامل فردی شامل ادراک برانگیختگی، پردازش شناختی و توانایی فرد برای کنار آمدن با برانگیختگی ادراک شده بستگی دارد (گانون، وارد، بیچ و فیشر، ۲۰۰۷).

مؤلفه‌های الگوی نواکا با عناصر یادگیری شناختی - اجتماعی در توازن هستند. ممکن است نقائصی در پردازش اطلاعات اجتماعی افراد از طریق مشاهده و یادگیری رفتار والدین و همسالان و یا تجربه شخصی در موقعیت‌های مختلف ایجاد شود که به پرخاشگری می‌انجامد. گفته می‌شود که والدین کودکان پرخاشگر، فاقد مهارت‌های حل مسأله مورد نیاز در موقعیت‌های اجتماعی هستند و از همان مراحل اولیه زندگی به عنوان تقویت‌کننده‌ها و الگوهای رفتاری نامناسب تلقی می‌شوند. پرخاشگری والدین و طرد یا تنبیه در روش‌های فرزندپروری به عنوان الگوی پرخاشگرانه وارد خزانه رفتاری شخصی کودک می‌شوند. آشنایی با نحوه شکل‌گیری رفتار پرخاشگرانه و چگونگی انتقال آن به زمینه‌های متفاوت در چگونگی اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه بسیار حایز اهمیت است (مک گوایر، ۲۰۰۶).

در الگوی نواکا، طرحواره‌های خشم فرد را آماده می‌کنند که نسبت به محرک‌های محیطی پاسخ بدهد و به طور فعال یک درک ذهنی منفی از خشم را فعال می‌کنند. این خشم با مجموعه‌ای از انتظارات همراه می‌شود. برای بعضی از افراد، طرحواره‌های خشم احتمال رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش می‌دهند. طرحواره‌ها با پردازش اطلاعات اجتماعی همراه می‌شوند و این امکان را به افراد می‌دهند که اطلاعات را انبار کرده و همچنین اطلاعات مرتبط با محیط اجتماعی ادراک شده را بازیابی کنند (گانون، وارد، بیچ و فیشر، ۲۰۰۷).

مداخلات مؤثر

در این قسمت به بخشی از راه کارهای کلی که می‌توان در حوزه خشونت و پرخاشگری به کار بست اشاره شده است.

استفاده از دیدگاه متخصصان حوزه سلامت روان

بی‌شک اولین گروه صاحب‌نظر در زمینه اظهار نظر در مورد خشونت و راه‌های پیشگیری از آن مربوط به حوزه تخصصی افراد متخصص در حوزه سلامت روان است و در صورت استفاده از نظرات علمی و به روز آن‌ها در زمینه پیشگیری از خشونت می‌توان به جامعه‌ای همراه با صلح و آرامش و کاهش پرخاشگری امید داشت.

پیشگیری از پرخاشگری از طریق آموزش عمومی

یادگیری نحوه زندگی کردن با یکدیگر

از طریق احترام به افرادی با مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف می‌توانیم احترام متقابل را یاد بگیریم. از طریق قرار دادن خود به جای دیگران، می‌توانیم همدلی و در نتیجه تعاون و هم‌یاری را تجربه کنیم. احترام گذاشتن و همدلی منجر به افزایش قدرت تحمل و عملکرد افراد مبتنی بر مسئولیت فردی و اجتماعی، باعث ایجاد آرامش درونی، پذیرش صلح و در نهایت پیشگیری از پرخاشگری در سطح جامعه می‌شود.

پیشگیری از پرخاشگری از طریق آموزش حل مسئله



وقتی اختلاف‌هایی بین ما وجود دارد، می‌توانیم از طریق تفسیر عکس‌العمل‌های خودمان نسبت به همدیگر درباره فعالیت‌ها نتیجه‌گیری کنیم و به جای مقصر انگاشتن دیگران، روی اهمیت بررسی راه‌حل‌ها تأکید کنیم.

در پژوهشی که توسط گوئرا و اسلاوی در مورد مهارت‌های حل مسئله اجتماعی انجام گرفت، ۶ مولفه پردازش حل مسئله اجتماعی شامل جستجوی اطلاعات، تعریف مسئله، انتخاب هدف، ایجاد راه‌حل‌های احتمالی، پیش‌بینی توالی‌ها و اولویت‌بندی پاسخ‌ها را در نوجوانان پرخاشگر مورد بررسی قرار دادند. نتایج به دست آمده حاکی از این بودند که سطوح بالای پرخاشگری با سطوح پایین مهارت‌های حل مسئله اجتماعی همراه است. همچنین افراد پرخاشگر، مسایل اجتماعی را بیشتر از طریق استراتژی‌های ناسازگار شامل تعریف مسایل به روش‌های خصمانه، پذیرش اهداف خصمانه، جستجوی حقایق و ایجاد راه‌حل‌های انتخابی کم‌تر و در نتیجه انتخاب راه‌حل‌های نامناسب حل می‌کردند (ابوالعالی، ۱۳۸۹، به نقل از آنتونوویچ، ۲۰۰۵).

پیشگیری از پرخاشگری از طریق آموزش و تقویت مهارت‌های ارتباطی

مفهوم ارتباط عبارت است از روش‌هایی که افراد برای بیان مقصود، تبادل احساسات، اطلاعات و آگاهی‌های خود از آن استفاده می‌کنند. ارتباط، نوعی تعامل پویا و رابطه متقابل است که در آن دو عامل مهم پذیرش و درک شدن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. ارتباط، در میان گذاشتن اطلاعات و تجارب بین انسان‌هاست و هنگامی چهره مثبت نشان می‌دهد که آثار آن را در تقویت سلامت روح و روان، اعتماد به نفس، آرامش، موفقیت و رضایت از خود، افزایش قدرت نفوذ در دیگران و متقاعد کردن آنها احساس کنیم (کول، ترجمه آل یاسین، ۱۳۷۶؛ دکر، ترجمه رضانی، ۱۳۷۹).

پیشگیری از پرخاشگری از طریق سیاست‌گذاری‌های مثبت رسانه‌ای

امروزه فرهنگ رسانه‌ای، کاملاً متمرکز و فراگیر شده و حجم اطلاعات منتقل شده از طریق فن‌آوری‌های رسانه‌ای جدید، همچنان رو به گسترش است. بر اساس نتایج تحقیقات، اگر چه الگوهای استفاده از رسانه‌ها در بافت پیچیده‌ای از پذیرش ملی، زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی افراد، علایق شخصی، خط مشی‌های رسانه‌ای و بسیاری عوامل دیگر قرار دارد، ولی ترجیحات شخصی، محیط و عادت زندگی فردی نیز از عوامل مهم و تاثیرگذار در انتخاب رسانه‌ها قلمداد می‌شود (اینگلز، ترجمه حقیقت کاشانی، ۱۳۷۷).

پیشگیری از پرخاشگری فرزندان با تأکید بر نقش خانواده

۱- نقش رابطه زوجین در پرخاشگری فرزندان

ناسازگاری و عدم رضایت زناشویی پس از ازدواج، نه تنها بر کنش‌های اجتماعی - روانی زوجین، بلکه بر رشد و تحول کودکان و نوجوانان آن خانواده نیز اثرات سوء به جا می‌گذارد. افزایش آمار فرار دختران از منزل، کودکان خیابانی، پرخاشگری و بزهکاری کودکان و نوجوانان در جامعه، ارتباط مستقیمی با خانواده‌های آشفته و آمار طلاق دارد. زیرا عدم وجود جو سالم در خانواده، از موانع اصلی انتقال آداب و رسوم، فرهنگ و ارزش‌های مثبت جامعه به نسل‌های بعدی است (عسکری، ۱۳۸۰).

۲- روش‌های تربیتی والدین و پرخاشگری فرزندان

خانواده بنیادی‌ترین و مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در فرایند جامعه‌پذیری و تکوین شخصیت اجتماعی انسان است. سال‌های اولیه زندگی، نقش عمده‌ای در رشد و تربیت کودک دارد و این دوران زمانی است که جو اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی، عاطفی و روانی تاثیر به‌سزایی بر شکل‌گیری شخصیت کودک به جا می‌گذارد. بنابراین کودکانی که از توجه و محبت والدین برخوردارند، در آینده به افرادی مطمئن و دارای اعتماد به نفس، با محبت و پذیرنده، شاداب و پرنشاط، فعال و پویا در عملکرد اجتماعی، دارای پختگی هیجانی، کنجکاو و خلاق از نظر ذهنی و شناختی مبدل می‌شوند (استافورد، بایر ترجمه دهگان‌پور و خرازی، ۱۳۷۷).



پیشگیری از پرخاشگری در مدرسه

اشنایدلر (۲۰۰۲) سنجش عملکرد غیرتحصیلی (کارگروهی، فعالیت در آزمایشگاه و مشارکت در فعالیت‌های کلاسی) را به عنوان یک روش انسانی و مناسب برای افزایش کارایی مدیریت معلمان و پیشگیری از رفتارهای مخرب در کلاس می‌داند. در واقع اشنایدلر، مشاهده دانش‌آموزان در کلاس و قضاوت در مورد عملکرد غیرتحصیلی را به عنوان اساسی برای موفقیت دانش‌آموزان و پیشگیری از مشکلات مختلف در کلاس درس می‌داند. به عبارت دیگر ارزیابی مشارکت دانش‌آموزان، به مدیریت مزتر و رفتارهای صلح‌آمیز در کلاس درس می‌انجامد.

منابع:

ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۸۷). «طراحی الگوی شناختی - رفتاری به منظور ارتقاء شناخت اجتماعی بزهکاران پسر»، رساله دکتری، دانشگاه الزهراء.

ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۸۹). «نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری با تأکید بر شناخت اجتماعی»، تهران: انتشارات ارجمند (نسل فردا).

استافورد، لورا و بایر چری. (۱۳۷۷). «تعامل والدین و کودکان»، ترجمه محمد دهگان‌پور، مهرداد خرازچی، تهران: رشد.

عسکری. (۱۳۸۰). «نقش بهداشت روان در زندگی زناشویی، ازدواج، طلاق»، تهران: گفتگو.

کول، کریس. (۱۳۷۶). «کلید طلایی ارتباطات»، ترجمه محمدرضا آل یاسین، تهران: هامون.

Gannon, Theresa. A. , Ward, Tony., Beech, Anthony. R. & Fisher, Down. (Eds). (2007) , "Aggressive Offenders' Cognition", Chichester: John Willy & Sons, Ltd.

McGuire, James (2006), "Understanding Psychology and Crime: Perspective on Theory and Action. New York : Open University Press (McGraw-Hill Education).



دکتر کمیل زاهدی تجربی

متخصص روان‌شناسی بالینی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

خشونت (Violence) یکی از مفاهیمی است که همواره در روان‌شناسی به آن پرداخته شده و متون بسیار زیادی درباره آن وجود دارد. البته توجه کردن یا نکردن ما به این موضوع از آسیب‌های آن نمی‌کاهد و بنابراین همیشه باید به آن پرداخته شود. در حال حاضر و با توجه به شرایط پر استرس و گاهاً پر خشونتی که با آن روبرو هستیم به نظر پرداختن به این عنوان اساسی اهمیتی دوچندان دارد. مفهوم خشونت دارای طبقه‌بندی‌های مختلفی است که در ادامه به یکی از این طبقه‌بندی‌ها اشاره شده است:

- **خشونت فیزیکی:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی از قسمتی از بدن خویش یا یک وسیله برای کنترل اقدامات شخص دیگری استفاده کند.
 - **خشونت جنسی:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی به اجبار و بدون خواست وارد فعالیت‌های جنسی شود.
 - **خشونت هیجانی:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی با استفاده از کلمات باعث ایجاد حس حماقت یا بی‌ارزشی در فرد دیگری شود.
 - **خشونت روانشناختی:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی با استفاده از تهدید باعث ایجاد ترس در دیگری به منظور کنترل او شود.
 - **خشونت معنوی (یا دینی):** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی با استفاده از باورهای معنوی فرد دیگری قصد بازی دادن، کنترل یا تسلط بر او را داشته باشد.
 - **خشونت فرهنگی:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی به دلیل رفتارهایی که ناشی از فرهنگ، دین یا سنت‌هایش است مورد آسیب قرار بگیرد.
 - **خشونت کلامی:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی با استفاده از کلام یا نوشتارش باعث آسیب به فرد دیگری شود.
 - **خشونت مالی:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی بدون خواست دیگری اقدام به کنترل منابع مالی او نماید یا از آن منابع سوء استفاده نماید.
 - **غفلت یا نادیده گرفتن:** زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی که مسئول مراقبت یا کمک به فرد دیگری است به مسئولیت خود رسیدگی نکند.
- همانطور که مشاهده می‌شود بسیاری از رفتارهایی که ما در زندگی روزمره آن را تجربه می‌کنیم یا شاهد آن هستیم مواردی از خشونت را شامل می‌شود که خود می‌تواند پیامدهای روانشناختی و اجتماعی بسیار زیادی داشته باشد. شاید بهتر باشد در اینجا اندکی به علت‌های احتمالی خشونت بپردازیم، البته ناگفته مشخص است که پدیده‌ای با این پیچیدگی طبعاً علت‌های بی‌شماری دارد که در اینجا فقط به چند مورد محدود آن می‌پردازیم:
- یکی از رایج‌ترین انگیزه‌های خشونت، تلاش ناسالم برای مدیریت هیجاناتی مانند خشم، ناکامی یا غمگینی است.
 - خشونت همچنین می‌تواند ابزاری برای رسیدن به آنچه که می‌خواهیم باشد.
 - خشونت می‌تواند وسیله‌ای برای تلافی باشد. رفتاری که به دنبال تساوی امتیازات دو طرف است.
 - در نهایت خشونت می‌تواند به این دلیل ایجاد شود که افراد در دوره رشدی خود شاهد خشونت‌های مکرر بوده‌اند. در واقع آن‌ها خشونت را به عنوان یک رفتار سالم یاد گرفته‌اند.



مهمترین راهکار مقابله با خشونت در سطوح مختلف شخصی یا اجتماعی پرداختن به علل ایجاد آن و تلاش برای مرتفع کردن آن است. این موضوع باعث می‌شود که بتوانیم پیش از بروز خشونت از آن پیشگیری کنیم یا از شدت آن بکاهیم. البته از آنجایی که این پدیده احتمالاً همیشه تا درجاتی وجود خواهد داشت، توانمندسازی و فراهم‌سازی آموزش‌های مناسب برای برخورد با خشونت به افراد جامعه و همچنین کار روی برنامه‌های پیشگیری از خشونت که توسط سازمان‌های ذی‌صلاح مانند سازمان بهداشت جهانی طراحی و اجرا شده است نیز می‌تواند بسیار کمک کننده باشد. امید است که روزی شاهد جامعه و جهانی بدون خشونت باشیم.

۶- یادداشت‌ها

۱-۶ چرا آدم‌ها جنگ‌افروزی می‌کنند؟

چیزی که تکامل^۱ و روان‌شناسی تطبیقی^۲، دربارهٔ جنگ و کشتار به ما می‌آموزد.

دکتر دانیل گراهام، ۶ دسامبر ۲۰۲۲

ترجمه: پانته آ وثوقی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی (دانشگاه آزاد رودهن)

بسیاری از گونه‌های جانوری برای بقای خودشان موجودات دیگر را می‌کشند. دو سوم از تمام گونه‌های حیوانی، حیوانات دیگر را می‌خورند. اما برای یک گونه، بی‌معنی است که به خاطر بقا، هم‌نوع خودش را بکشد، چرا که این عمل یعنی دستورالعملی برای انقراض؛ ولی این موضوع در ما انسان‌ها تفاوت دارد، تقریباً "یکی از مشخصه‌های گونهٔ ما کشتن یکدیگر به تعداد زیاد است. هیچ گونهٔ دیگری از جانداران، به این شکل مرسوم می‌کند که ما در مقیاس بسیار بزرگ، جنگ مهلک و کُشنده راه می‌اندازیم، جنگ راه نمی‌اندازند. چرا ما انسان‌ها، به طور پی در پی هم‌نوع‌های خود را می‌کشیم و چگونه است که گونهٔ ما هنوز بقا دارد؟



اثری از فرانسیسکو گویا، ۱۸۱۴



خشونت در مقابل کشتار

انسان‌ها در ارتکاب خشونت در برابر هم‌نوعان‌شان، استثنا نیستند. حمله به هم‌نوع، در دنیای حیوانات رایج است؛ به ویژه در نزدیک‌ترین خویشاوندان ما، شامپانزه‌ها که در آنها اعضای گروه با شور و هیجان تمام از قلمروی خود، دفاع کرده و افرادِ درون گروه به معنای واقعی کلمه برای حمایت از جفت‌شان با چنگ و دندان می‌جنگند. اگرچه خشونت در میان شامپانزه‌ها ممکن است منجر به از دست دادن گوش یا انگشت شود، اما به ندرت به مرگ ختم می‌شود.

در میان شامپانزه‌ها کشتن به ندرت اتفاق می‌افتد، مثلاً^۱ ممکن است زمانی این اتفاق بیفتد که یک دسته از شامپانزه‌های نر به یک قربانی تنها در مرز قلمرو برخورد کنند، به ویژه اگر آنها در حین گشت‌زنی، هیجان زده و بی‌تاب هم باشند. در مقابل آنها، انسان‌ها خشونت درون‌گونه‌ای را از طریق جنگ‌های مداوم (با استفاده از فنون و تکنیک‌های جنگی پیشرفته)، به سطح کاملاً جدید مرگباری می‌رسانند؛ به طوری که کشتار، روزها، ماه‌ها و حتی سال‌ها ادامه می‌یابد.

کشتن هم‌نوع خودت، معمول نیست

شاید تعجب آور باشد با اینکه ما فاقد پنجه‌های تیز، شاخ‌های بزرگ و دندان‌های بلند هستیم و حتی (مثل برخی از حیوانات تندپا) سرعت زیادی نداریم، اما هم‌نوعانمان را بی‌درنگ می‌کشیم! اینکه یک گونه چه چیزی می‌خورد و یا از نظر ظاهری چقدر ترسناک به نظر می‌آید با احتمال اینکه او هم‌نوعانش را می‌کشد، ارتباطی ندارد. خانواده‌گسترده‌گوزن‌های گیاه‌خوار که شامل شترها، بزها، گوسفندان و غیره نیز می‌شود، جزء آن دسته از حیواناتی هستند که در آنها بیشتر احتمال دارد نرها، نرهای گونه خود را بکشند. با این حال، نهنگ‌ها که خویشاوندان نزدیک این گروه هستند^۱ و فقط حیوان می‌خورند (گوشت‌خوارند)، هرگز اعضای گونه خود را نمی‌کشند.

علاوه بر تمامی توضیحات فوق، پژوهشی نیز نشان داده است که طی شواهدی، اعضای بزرگسال حدود یک چهارم گونه‌های پستانداران، سایر حیوانات بزرگسال را می‌کشند. دیدگاه تکاملی معتقد است، موقعیت‌هایی وجود دارند که در آنها، کشتن هم‌نوع سودمند است. بسیاری از گونه‌های پستانداران، از جمله انسان‌ها، به کودک‌کشی عمدی یا غیرعمدی، معروف هستند. کودک‌کشی، می‌تواند شانس بقای فرزندان را که زنده مانده‌اند و خودشان نیز توانایی تولید مثل دارند، افزایش دهد. جدای از اخلاقیات یا درستی و نادرستی، کودک‌کشی، شانس بقای جمعیت را افزایش می‌دهد؛ به ویژه زمانی که مصیبت و فلاکت از راه رسیده باشد. اما این مسأله که انسان‌های بزرگسال، تعداد بی‌شماری از انسان‌های بزرگسال دیگر را می‌کشند و آنها می‌توانند این کار را در موقعیت‌های مشابه بسیار زیادی به دفعات انجام دهند، هنوز گیج‌کننده و تعجب‌برانگیز است.

با این اوصاف، پس ما چگونه زنده خواهیم ماند؟ (یا نخواهیم ماند)

من فکر می‌کنم دو توضیح برای اینکه چرا ما می‌توانیم از کشتن هم‌نوعانمان بدون توجیه خاصی، قسیر در رویم وجود دارد. یکی این است که ما عادت خود به کشتن یکدیگر را با عادت دیگرمان یعنی همکاری افراطی، در هم می‌آمیزیم. نخستی‌شناس، سارا هردی، مشاهده کرده که سیستم‌های اجتماعی انسان حاوی ترکیبی نادر و عجیب از ویژگی‌های یافت شده در گونه‌های دیگر است. از سوی دیگر، پرخاشگری و بی‌اعتمادی ما نسبت به افراد غریبه، تا حدودی از ویژگی‌های معمول پسرعموهای مان، یعنی شامپانزه‌ها است. به عبارتی دیگر همکاری، رفاقت و به اشتراک‌گذاری داشته‌ها در ما انسانها، از ویژگی‌های معمول در گونه‌هایی از میمون‌ها مانند ماموت‌ها است که نسبت دورتری با ما دارند؛ اگرچه باید این نکته را ذکر کرد که کودک‌کشی در آنها یک روال عادی است.

^۱. محققان با مطالعه روی فسیل‌ها متوجه شده‌اند که سال‌ها پیش، نهنگ‌ها در خشکی زندگی می‌کردند و حتی اجداد آنها با کرگدن، شتر و گوزن اشتراکاتی داشته‌اند. (م)



هم‌زمان با اینکه ما علیه هم نوعان خود اعمال خشونت می‌کنیم، به طور مرتب کودکانی از قاره‌های دیگر را نیز به فرزندپذیری قبول می‌کنیم و خانواده‌های گسترده‌ای می‌سازیم که تنوع بی‌پایانی از نظر سن، جنس و وابستگی‌های بیولوژیکی دارند. بنابراین یکی از دلایل زنده ماندن ما این است که به یکدیگر کمک می‌کنیم تا خشونت تخفیف یابد و همین باعث جبران کارهای وحشیانه و مرگ‌بارمان می‌شود. اگر بخواهیم از زاویه دیگری به این ترکیب خشونت و مراقبت نگاه کنیم، چون ما توان و قابلیت بالایی برای همکاری با یکدیگر داریم، همین موضوع ما را تشویق می‌کند که در ایجاد جنگ علیه خودمان نیز خیلی خوب عمل کنیم. طبق مشاهدات تاریخ‌دانی به نام ویلیام اچ. مک نیل، اعمال قهرمانانه، بی‌باکانه و فداکارانه بیش از همه، بیان‌کننده «اجتماعی بودن» انسان است و همچنین پیوندهای همبستگی میان جنگاوران، بسیار محکم و قدرتمند است. شاید خیلی زود باشد که به این درک برسیم که آیا می‌توانیم در حالی که همچنان به کشتار یکدیگر ادامه می‌دهیم با وجود این، باز هم به عنوان یک گونه بقا داشته باشیم؟ انسان امروزی، کمتر از ۲۰۰,۰۰۰ سال است که حیات دارد و از حدود ۱۵,۰۰۰ سال پیش به قبل، شواهد مستند زیادی از کشتار انسان‌ها توسط هم‌نوعانشان وجود ندارد. شاید دلیلی وجود داشته باشد که گونه‌های (جانوری) دیگر، ترکیبی از رفتارهای اجتماعی همکاری‌جویانه و خشونت‌طلبانه ما را نشان نمی‌دهند. بهتر است امیدوار باشیم که این موضوع، در نهایت سبب فروپاشی و تباهی ما انسان‌ها نخواهد شد.

این مقاله برگرفته از سایت "psychology Today" است. اصل مقاله را می‌توانید از طریق لینک زیر مطالعه کنید: ✓

<https://www.psychologytoday.com/us/blog/your-internet-brain/202212/why-do-humans-make-war>

۲-۶- چه ویژگی‌هایی باعث گرایش نوجوانان به خود جراحی می‌شود؟ چه مدلی تبیین‌کننده این پدیده است؟

مدل تنظیم هیجانی

تعریف‌های مختلفی از تنظیم هیجانی وجود دارد. تنظیم هیجانی براساس تعریف گراس (۲۰۰۰) عبارت است از مجموعه متنوعی از فرایندهایی درونی و بیرونی که برای داشتن هیجانی خاص، تعیین مدت زمان تجربه یک هیجان و شیوه تجربه و ابراز یک هیجان به کار گرفته می‌شوند. این فرآیندها شامل گزینش موقعیت، تغییر موقعیت، تخصیص توجه، تغییر شناختی و تعدیل پاسخ به موقعیت است و علت تفاوت افراد در به کارگیری راهبردهای تنظیم هیجانی تفاوت باورهای ضمنی درباره هیجان‌ها است. افرادی که تصورات ثابت و صفت‌گونه از هیجان‌ها دارند از روش‌های معیوبی برای تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند، در حالیکه افرادی که هیجان‌ها را دارای ماهیت پویا و انعطاف‌پذیر در نظر می‌گیرند از روش‌های سازگارانه‌تری استفاده می‌کنند (گراس، ۲۰۰۱).

گراتز (۲۰۰۱) مهارت‌های تنظیم هیجانی را به مجموعه مهارت‌های شناسایی، پذیرش، ارزیابی، تعدیل و تغییر حالت‌های هیجانی منفی برای سازگاری با موقعیت‌های تنش برانگیز درون فردی یا بین فردی تعریف کرده است. همچنین گراتز و رومر (۲۰۰۴) مهارت‌های سازنده تنظیم هیجانی را شامل این موارد تعریف کرده اند: (الف) آگاهی، فهم و پذیرش هیجان‌ها؛ (ب) توانایی انجام رفتارهای هدفمند و بازداری رفتارهای تکانشی در زمان تجربه هیجان‌های منفی (ج) کاربرد انعطاف‌پذیرانه راهبردهایی برای تعدیل شدت و یا دیرش پاسخ‌های هیجانی به جای حذف کامل هیجان‌ها (د) تمایل به تجربه کردن هیجان‌های منفی به عنوان بخشی از تلاش‌های معنا دار در زندگی (گراتز و رومر، ۲۰۰۴).



بر اساس مدل تنظیم هیجانی، نوجوان‌هایی که واکنش‌پذیری هیجانی شدیدتری دارند و در پذیرش، ارزیابی و کنترل پاسخ‌های هیجانی مشکل دارند مستعد انواع مختلف رفتارهای خودآسیب‌رسانی هستند. بر این اساس هیجان‌پذیری بالا و نقص در استفاده از راهبردهای تنظیم هیجانی دو عامل خطر خود جرحی براساس مدل تنظیم هیجانی به حساب می‌آیند (گراتز و رومر، ۲۰۰۴). خشم، اضطراب، افسردگی و احساس شخصیت‌زدایی حالت‌های هیجانی متداولی هستند که پیش‌درآمد خودآسیب‌رسانی مستقیم مشخص شده‌اند و حالت آرامش و به دنبال آن احساس گناه یا شرم نیز به عنوان حالت‌های هیجانی پیامد این رفتار است. این توالی هیجانی و تغییر از هیجان‌های منفی و تنش‌برانگیز به آرمیدگی و رهایی همخوان با مدل تنظیم هیجانی خودجرحی است (کلونسکی، ۲۰۰۷).

فرضیه مدل تنظیم هیجانی این است که رفتار آسیب به خود راهی برای بیان، جان بخشی و یا اداره حالت‌های هیجانی منفی است و علت تداوم این رفتار، تاثیر آن در کاهش هیجان‌های منفی یا ایجاد حالت‌های مثبت و یا رهایی از حالت‌های بی‌حسی و کرختی هیجانی است (کلونسکی، ۲۰۰۷). خودآسیب‌رسانی چه به شکل مستقیم مثل خود جرحی و چه غیر مستقیم مانند رفتارهای خطرجویی با هیجان‌ها، شیوه کنار آمدن با هیجان‌ها و پیامدهای هیجانی مرتبط است؛ برای مثال در اغلب موارد انگیزه خودجرحی غلبه بر هیجان‌های منفی مانند خشم و عصبانیت است (کلونسکی، ۲۰۰۷) و نقص در مهارت‌های تنظیم هیجانی یکی از عوامل خطر اصلی در خودجرحی بدون خودکشی است (گراتز و رومر، ۲۰۰۴).

گراتز (۲۰۰۳) رابطه خودجرحی و تنظیم هیجانی را بر اساس سه عامل تبیین کرده است (۱) خودجرحی موجب اجتناب از هیجان‌های ناخواسته می‌شود (یعنی، موجب دوری از احساسات غیر قابل تحمل می‌گردد) (۲) خودجرحی موجب ملموس شدن درد هیجانی می‌شود و (۳) خودجرحی موجب تغییر حالت‌های هیجانی منفی می‌شود و این تأثیر را از طریق آزادسازی اندورفین‌ها انجام می‌دهد که موجب بی‌حسی و ایجاد حس راحتی می‌شود.

مک کنزی و گراس (۲۰۱۳) براساس مدل تنظیم هیجانی گراس (۲۰۰۱) خودجرحی را با شیوه‌هایی که افراد برای تنظیم هیجانی در قالب گزینش موقعیت، تغییر موقعیت، تخصیص توجه، تغییر شناختی و تعدیل پاسخ به کار می‌گیرند، تبیین کرده‌اند. برای مثال برخی از نوجوانان دختر برای گریز و اجتناب از موقعیت‌هایی که در آنها مورد قلدری قرار می‌گیرند از خودجرحی بدون خودکشی استفاده می‌کنند. در این مورد، خودجرحی می‌تواند به دیگران این پیام را برساند که فردی که آن عمل را انجام می‌دهد قدرتمند و پر زور است و همین پیام موقعیت فرد را در گروه همسالان افزایش می‌دهد و جلوی روابط قلدرانه بر روی نوجوان را می‌گیرد. در این مثال خودجرحی از طریق تغییر موقعیت موجب تنظیم هیجانی می‌شود. یا خودجرحی راهی برای رسیدن به موقعیت‌هایی است که با سود ثانویه شامل مراقبت شدن و توجه همراه است. در اینجا خودجرحی از طریق گزینش موقعیت موجب تنظیم هیجانی می‌شود (مک کنزی و گراس، ۲۰۱۳)

درارتباط با نقش خودجرحی به عنوان راهبرد تخصیص توجه در تنظیم هیجانی پژوهش‌ها تأیید می‌کنند که با این عمل توجه از محرک‌های هیجانی آزاردهنده منحرف می‌شود و ایجاد بی‌خیالی، حواس پرتی و سرکوب و اجتناب از حالت‌های هیجانی ناخوشایند یکی از انگیزه‌های خودجرحی است. در ارتباط با نقش خودجرحی به عنوان شیوه‌ای برای تنظیم هیجان‌ها از طریق تغییر شناختی پژوهش‌ها تأیید می‌کنند این عمل در برخی افراد با یکی از راهبردهای کنترل فکر یعنی تنبیه خود رابطه دارد؛ با انجام این عمل فرد دیدگاه و باوری را که درباره خود دارد دوباره ارزیابی می‌کند و به این شیوه از بار هیجان‌های مرتبط با خود (یعنی احساس گناه و شرم) خلاص می‌شود (مک کنزی و گراس، ۲۰۱۳)

همچنین خودجرحی با جا به جا کردن دیدگاه فرد از یک خویشتن عالی مرتبه و والا به خویشتنی دون و پست موجب تغییر شناختی می‌شود. وقتی از طریق خودجرحی درد جسمی ایجاد می‌شود، فرد می‌تواند در سطحی پایین‌تر از خودش به عنوان یک بدن محض که صرفاً حواس و حرکات را تجربه می‌کند آگاه شود و در آن لحظه خودش را که در سطحی عالی‌تر فردی دارای روابط، اهداف، آرزوها و



برنامه‌های والاتری است، نبیند. این تغییر نحوه نگریستن به خود به ویژه در افرادی که از مسئولیت‌ها و خواسته‌های خویشتن والا کلافه شده‌اند، احساس رهایی ایجاد می‌کند. بنابراین براساس مدل تنظیم هیجانی عوامل خطر محیطی مانند فرزندپروری سخت‌گیرانه و بی‌اعتبار ساز و قربانی شدن در گروه همسالان، اثرشان را روی خودجراحی از طریق نقایص تنظیم هیجانی می‌گذارند (مک کنزی و گراس، ۲۰۱۳).

۳-۶- خشونت جمعی؛ دیدگاه‌های متفاوت گروه‌های قربانی و مرتکب در مورد خشونت جمعی و ارائه مدل مداخله برای حل و فصل آن

مهتاب ربیعی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت دانشگاه شهید بهشتی تهران

تفسیرهای متفاوت از خشونت جمعی یکی از چالش برانگیزترین موانع در حل و فصل این بحران است. هر گروه در یک درگیری (یعنی قربانیان، ناظران، و مجرمان) خشونت را به گونه‌ای متفاوت تفسیر می‌کنند. این باورهای متضاد در مورد خشونت رخ داده، اغلب برای همزیستی مضر است و ممکن است خصومت‌های جدیدی را حتی دهه‌ها یا قرن‌ها بعد برانگیزد.

در این یادداشت، ما بر سه سوال اصلی تمرکز می‌کنیم: برداشت‌های متناقض گروه‌های قربانی و مجرم از خشونت جمعی که گروه‌هایشان در آن درگیر بوده‌اند، چیست؟ چگونه این نقش‌های مختلف منجر به درگیری بیشتر یا ایجاد صلح می‌شوند؟ و چگونه می‌توان راهی برای حل و فصل آن پیدا کرد؟ البته باید به این نکته توجه داشت که هدف، ایجاد برچسب‌های «قربانی» و «مجرم» به‌عنوان مقوله‌های اساسی یک پاسخ قطعی، نمی‌باشد بلکه ما به دنبال توجه به درک متفاوت افراد از قربانی شدن یا آسیب‌رسانی می‌باشیم بنابراین، نقش قربانی و مجرم نباید ایستا و یکنواخت درک شود.

قربانی کیست؟ مشخصه بسیاری از درگیری‌ها دوره‌ای بودن و آسیب‌هایی است که هر دو طرف وارد می‌کنند. در برخی موارد، مانند نسل‌کشی، نقش مجرم و قربانی به وضوح از دیدگاه یک فرد سوم شناسایی می‌شود. با این حال، در هر خشونت، هر گروه تمایل دارد خود را قربانی ببیند، درحالی‌که گروه دیگر به‌عنوان مرتکب در نظر گرفته می‌شود. دلایل متعددی وجود دارد که چرا گروه‌ها و افراد ممکن است بخواهند وضعیت قربانی را بدون توجه به تجربیات واقعی خود ادعا کنند یا نکنند. از یک طرف، وضعیت قربانی چندین مزیت را به همراه دارد - اگرچه همیشه واقعا برآورده نمی‌شود - مانند حمایت مادی یا غرامت، همدردی از طرف اشخاص ثالث، به‌دست آوردن دست برتر اخلاقی در درگیری‌ها، و مشروعیت بخشیدن به خشونت انجام شده از طرف گروه. از سوی دیگر، وضعیت قربانی ممکن است احساس قدرت و عاملیت گروه را تهدید کند و از این جهت که دلالت بر ضعف و آسیب‌پذیری دارد، انگ باشد. بنابراین، اتخاذ وضعیت قربانی نیز انعطاف‌پذیر است و می‌توان آن را در زمینه‌های مختلف و به دلایل مختلف مورد استفاده یا رد قرار داد. به علاوه گروه‌ها ممکن است خود را با گروه‌های قربانی شخص ثالث در کشورهای دیگر که دشمن یا موضع درگیری مشابهی دارند، همسو کنند و از این شباهت‌های درک شده به‌عنوان استدلال‌هایی برای تقویت موقعیت خود و یا به‌دست آوردن حمایت و قدرت در طرفداران استفاده کنند، که ممکن است درگیری را تشدید کند.

از سوی دیگر، اتخاذ وضعیت قربانی اغلب برای گروه‌هایی که مرتکب آسیب شده‌اند، به دلیل مشروعیت اخلاقی و تبرئه ایجاد شده برای ارتکاب آسیب، مطلوب است. بنابراین، بسیاری از باورهای قربانی بیان شده توسط گروه‌های قربانی اغلب توسط گروه‌های مرتکب نیز



تخصیص و استفاده می‌شود. برای مثال، زمانی که انکار انجام آسیب به دلیل محدودیت‌های واقعیت امکان‌پذیر نباشد، گروه‌های مرتکب ادعا می‌کنند که همه گروه‌ها در مسئولیت خشونت جمعی سهیم هستند.

چه کسی مسئول است؟ از دیدگاه قربانی، پاسخ به این سوالات اغلب ساده است، زیرا گروه‌های قربانی تمایل دارند که گروه برون‌گروهی را به‌عنوان مجرمی که کاملاً مسئول خشونت است ببینند. بنابراین، در مقایسه با دیدگاه مرتکب، کار زیادی در مورد انتساب مسئولیت خشونت جمعی از دیدگاه قربانی وجود ندارد. گروه‌های مجرم اغلب نقش خود را به‌عنوان مجرم انکار می‌کنند به علاوه یکی از راه‌های مهمی که گروه‌های مرتکب این کار را انجام می‌دهند، انتساب مسئولیت است - یعنی با سپردن مسئولیت خشونتی که مرتکب شده‌اند بر روی گروه‌های بیرونی و سایر اشخاص ثالث - از آن سو، آسیب‌رسانی‌ای که در پاسخ به تحریک گروه برون‌گروه انجام می‌شود، به احتمال زیاد قابل توجیه است. مشخصه بسیاری از درگیری‌های خشونت‌آمیز چرخه‌هایی از خشونت است که در آن هر گروه، در زمان‌های مختلف در طول درگیری، به دیگری آسیب رسانده است، اگرچه این آسیب ممکن است نامتناسب باشد. چنین قربانی شدن قبلی، یا صرفاً تهدید درک شده از سوی گروه دیگر، ممکن است این دیدگاه را شکل دهد که اقدامات درون‌گروهی دفاعی یا پیشگیرانه هستند. به علاوه، هنگامی که علاوه بر ارتکاب آسیب، گروه‌هایی نیز قربانی شده‌اند، هویت گروه قربانی پذیرش مسئولیت آسیبی که درون گروه مرتکب شده است را دشوارتر می‌کند (یعنی پذیرش وضعیت مجرم).

اسنادهای مختلف گروه‌ها چیست؟ سوگیری اسنادی بین‌گروهی یک پدیده به خوبی تثبیت شده است که تمایل به ایجاد اسناد بیرونی و موقعیتی برای اقدامات منفی مرتکب شده توسط یک عضو درون‌گروهی را توصیف می‌کند، درحالی‌که اعمال منفی انجام شده توسط یک عضو برون‌گروه را به عوامل درونی و گرایشی نسبت می‌دهد. اسناد موقعیتی خشونت جمعی اغلب توسط گروه‌های قربانی و همچنین اشخاص ثالث رد می‌شود و گاهی اوقات حتی به‌عنوان توهین‌آمیز تلقی می‌شود زیرا به نظر می‌رسد گروه مرتکب را تبرئه می‌کند. به علاوه یکی از راه‌هایی که اعضای گروه‌های مرتکب می‌توانند از هویت مثبت گروه خود محافظت کنند و از آسیب‌رسانی فاصله بگیرند، این است که مسئولیت آسیب را فقط بر عهده چند نفر در درون گروه قرار دهند. این افراد منحرف در نظر گرفته می‌شوند و معمولاً به‌سختی مجازات می‌شوند یا از گروه اخراج می‌شوند و بدین‌وسیله اظهار می‌کنند که منحرفان و اقدامات خشونت‌آمیز آنها نماینده گروه نیستند. در میان گروه‌های قربانی، درحالی‌که انتساب مسئولیت به گروه مرتکب ساده است، سوالات جالب و اخلاقی پیچیده زمانی مطرح می‌شود که گروه داخلی مجبور می‌شود مسئولیت جزئی خشونت را در درگیری‌هایی که هم قربانی و هم مرتکب آسیب بودند، بپردازد.

شدت آسیب چه قدر است؟ یکی از ابعاد مهمی که برداشت گروه‌ها از آسیب‌رسانی در آن متفاوت است، میزان آسیب وارد شده در جریان خشونت است. یکی از راه‌های فکر کردن درباره شدت آسیب، در نظر گرفتن تعداد کشته‌ها یا جراحات در هر گروه است. راه دیگر ارزیابی این است که هر چند وقت یکبار این گروه مورد هدف قرار گرفته است. در سطح بین‌فردی، قربانیان آسیب را شدیدتر درک می‌کنند. یکی از محبوب‌ترین سازه‌هایی که اغلب به‌عنوان شاخص کلی قربانی شدن درک شده استفاده می‌شود، قربانی رقابتی است. این معیار این تصور را ارزیابی می‌کند که قربانی شدن درون‌گروهی شدیدتر از طرف درگیری دیگر است. اغلب، گروه‌ها درگیر قربانی رقابتی می‌شوند و ادعا می‌کنند که بیشتر از گروه دیگر، متحمل خشونت شده‌اند. علاوه بر این، گروه‌ها تمایل دارند که به‌طور انتخابی وقایعی را که در آن قربانی شده‌اند، بهتر از رویدادهایی که در آن آسیب وارد کرده‌اند، به خاطر بسپارند. گروه‌هایی که مرتکب خشونت می‌شوند می‌توانند شدت آسیبی که تجربه کرده‌اند را برجسته کنند تا خود را قربانی واقعی درگیری نشان دهند. علاوه بر این، آنها ممکن است سعی کنند با شمارش نادرست تعداد قربانیان، آسیب وارد شده را به حداقل برسانند. از آنجایی که مقصر تا حدی بر اساس شدت آسیب وارد شده است، به حداقل رساندن آن روشی موثر برای کاهش مقصر، و رهایی اخلاقی از آسیب‌رسانی است.



فاصله زمانی در هر گروه به چه معناست؟ به‌طور کلی، درحالی‌که مردم تمایل دارند اعمال خشونت‌آمیز گروهشان را دورتر و دورتر ببینند و خواهان بسته شدن تاریخی هستند، اعضای گروه‌های قربانی تمایل دارند که وقایع را از نظر زمانی نزدیک‌تر و برای درک موقعیت گروه و روابط بین گروهی مرتبط‌تر با حال درک کنند. قربانی شدن جمعی تاریخی همچنان برای بسیاری از گروه‌های قربانی با زمان حال مرتبط است، در نتیجه گذشته و حال را به هم متصل می‌کند و فاصله زمانی درک شده از رویدادها را کاهش می‌دهد. با این حال، در موارد بزه‌دیدگی جمعی شدید و در مقیاس بزرگ، نسلی که مستقیماً خشونت را تجربه کرده است، اغلب بیش‌ازحد آسیب دیده است و بر بقا و بازسازی زندگی فردی و جوامع تمرکز دارد تا در مورد رویدادها صحبت کند. این سکوت در میان نسل اول اغلب توسط نسل دوم و سوم به چالش کشیده می‌شود، که به‌دنبال یادگیری در مورد گذشته گروه و خانواده خود و حفظ خاطرات هستند. به‌عبارت‌دیگر، اعضای نسل‌های جدید گروه‌های قربانی ممکن است به رغم افزایش فاصله زمانی از رویدادها از نظر روانی فاصله نگیرند. علاوه بر این، در بسیاری از زمینه‌ها، گروه هدف تاریخی در موقعیتی با قدرت پایین‌تر باقی می‌ماند و همچنان تبعیض و سایر پیامدهای نامطلوب را تجربه می‌کند. در این موارد، گذشته تمام نشده است و رنج ادامه دارد. برخلاف گروه‌های قربانی، اعضای گروه‌های مرتکب تمایل دارند از آسیب‌رسانی گذشته فاصله بگیرند و آن را بیشتر در گذشته درک کنند. این فاصله‌گذاری زمانی نوعی عملکرد دفاعی می‌باشد. فاصله زمانی بیشتر به اعضای گروه این فرصت را می‌دهد تا با سرزنش نسل‌ها یا رژیم‌های قبلی از آسیب‌رسانی فاصله بگیرند.

چرا مجرمان و قربانیان رویدادها را متفاوت تفسیر می‌کنند؟ تفسیر رویدادهای جمعی معمولاً از طریق فرآیندهای جمعی و اجتماعی انجام می‌شود. از آنجا که اعضای گروه در بیشتر موارد شخصاً رویدادهای جمعی را تجربه نمی‌کنند، تفسیرهایی را که در دسترس آنها قرار می‌گیرد تأیید می‌کنند. حتی زمانی که اعضای گروه شخصاً رویدادها را تجربه می‌کنند، از چارچوب‌ها و روایت‌های تفسیری جمعی برای معنا بخشیدن به آن رویدادها استفاده می‌کنند. روایت‌های اصلی گروه‌ها احتمالاً مهمترین چارچوب تفسیری، خودپنداره یک ملت است در واقع این عبارت به روایت‌هایی اشاره دارد که در آن اعضای گروه داستان گروه خود را می‌گویند و رویدادهایی که تصویر اخلاقی و مثبتی از گروه حفظ می‌کند، برجسته می‌کنند در حالی که رویدادهای شرم آور در تاریخ گروه را کم‌اهمیت یا ساکت می‌کنند. روایت اصلی به‌عنوان طرح‌واره‌ای عمل می‌کند که حافظه و تفسیر رویدادهای مرتبط با گروه را به گونه‌ای هدایت می‌کند که با به خاطر سپردن اطلاعات متجانس و کنار گذاشتن اطلاعات نامتجانس، خود ماندگار شود. در واقع، این روایت (یا منشور گروهی) به عنوان چارچوب تفسیری رویدادهای گذشته، حال و آینده عمل می‌کند. از آن سو، روایات اصلی به فرآیندهای خاموش کردن و انکار جنایات کمک می‌کند. یک جنایت درون‌گروهی معمولاً با توجه به روایت اصلی مثبت و خودانگار اخلاقی گروه، ناسازگار و غیرقابل تصور است. به جای تغییر روایت به دلیل ارتکاب جنایات، گروه‌ها بیشتر به این نتیجه می‌رسند که اطلاعات مربوط به آن جنایات نادرست است. در میان گروه‌های قربانی، تاریخچه قربانی شدن جمعی این گروه اغلب در روایت‌های اصلی آنها گنجانده شده است. در واقع، گروه‌ها ممکن است تصمیم بگیرند از خاطرات قربانی شدن جمعی جدا شوند یا آن‌ها را سرکوب کنند و در مواقع دیگر دوباره آنها را فعال کنند. به‌علاوه، معنا و تمرکز روایت‌های قربانی ممکن است متفاوت باشد و به زمینه و اهداف کنونی گروه بستگی دارد. در حالی که تأیید روایت استعمار ممکن است در ابتدا شگفت‌انگیز و تحریک‌آمیز به نظر برسد، اما تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که تمایل به تمرکز بر قدرت و بقای گروه و نه فقط آسیب‌پذیری و ضعف نیز اهمیت دارد. از آن سو تأکید بر قربانی شدن گروه، اعضای گروه را بسیج می‌کند تا به درگیری برای انتقام گرفتن، دفاع یا محافظت از گروه در برابر ضررهای آینده ادامه دهند. بنابراین، روایت‌های اصلی گروه‌ها که شامل تمرکز بر قربانی شدن درون گروهی است نیز می‌تواند درگیری‌ها را بازتولید و تداوم بخشد. با این حال، روایت اصلی ممکن است شامل عناصری باشد که حمایت از خشونت را خنثی می‌کند و مدارا و صلح را تقویت می‌کند.



انتقال روایت‌های خشونت چگونه است؟ روایات جمعی توسط فرآیندهای جمعی متعددی از جمله رسانه‌ها، بزرگداشت‌ها، کتاب‌های مدرسه، نقاشی‌های دیواری، نام خیابان‌ها و سایر محصولات فرهنگی شکل می‌گیرند. این فرآیندها روی رویدادهایی که مورد بحث و یادآوری قرار می‌گیرند، کدامیک ساکت می‌شوند و راه‌هایی که در آنها تحریف می‌شوند، تأثیر می‌گذارند. با توجه به اینکه رسانه‌ها احتمالاً شیوه اصلی ارتباط رویدادهای گروهی هستند، رسانه‌ها نقش عمده‌ای در شکل‌گیری باورهای اجتماعی در مورد تعارض و خشونت دارند. روزنامه‌نگاران و خبرگزاری‌ها تأثیر عمده‌ای در شکل‌دهی به داستان‌هایی دارند که بخشی از روایت‌های جمعی می‌شوند. در درگیری‌های پیچیده، روزنامه‌نگاران باید تصمیم بگیرند که داستان اصلی یا جالب‌تر برای گفتن چیست. این به نوبه خود تعیین می‌کند که کدام حقایق مورد استفاده و تأکید قرار می‌گیرند.

فرآیندهای سطح فردی چیست؟ رویدادهای سطح گروه از طریق هویت‌های مختلف به افراد مرتبط می‌شوند. این عضویت در گروه‌های اجتماعی بخش مهمی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد و احساس تعلق را ایجاد می‌کند. ما عموماً انگیزه داریم که به درون گروه‌های خود با دید مثبت نگاه کنیم، زیرا هویت‌های اجتماعی منبع مهمی از عزت نفس هستند. بنابراین، تجربیات درون‌گروهی و نحوه ارزیابی آنها به دلیل پیامدهای آنها برای هویت اجتماعی مهم است. گروه‌ها در دو بعد اصلی ارزیابی می‌شوند: بعد عاملیت (یعنی قدرت، تسلط، شایستگی، موقعیت) و بعد اخلاقی-اجتماعی (یعنی اخلاق، ارتباط، خونگرمی). اعضای گروه بسته به اینکه کدام بعد از هویت آنها تهدید می‌شود، می‌توانند انواع مختلفی از تهدیدات هویتی را تجربه کنند. بر اساس این فرض، ارتکاب و قربانی شدن ابعاد مختلف هویت‌های اجتماعی را تهدید می‌کند. ارتکاب آسیب، بعد اخلاقی هویت را تهدید می‌کند. به طور کلی، قضاوت‌های اخلاقی برای ارزیابی‌های مثبت درون گروه مهم هستند. در حالی که گروه‌ها ممکن است خود را در برخی ویژگی‌ها ناقص توصیف کنند، بیشتر گروه‌ها تمایل دارند خود را بسیار اخلاقی ببینند. از آنجایی که ارتکاب خشونت یک تهدید اخلاقی است، اعضای گروه در به خاطر سپردن یا فراموش کردن چنین وقایعی بانگیزه هستند. در مقابل، تهدید اصلی هویت گروه قربانی بعد عاملیت آنها است. تهدیدها مربوط به قدرت کم و از دست دادن کنترل است و بر این اساس گروه‌های قربانی با بازگرداندن عاملیت و کنترل به طرق مختلف به دنبال توانمندسازی هستند. مسلماً، سایر نیازهای برآورده نشده گروه‌های قربانی، از جمله نیازهای برآورده نشده به عدالت، استقلال جمعی نیز ناتوان کننده هستند. هم‌چنین، یکی از ابعادی که در ادبیات روابط بین گروهی مورد توجه قرار گرفته است، برتری درون گروهی می‌باشد، که به این باور اشاره دارد که درون گروه‌ها نسبت به سایر گروه‌ها برتر است. این بعد به جنبه ارزیابی مثبت درون گروهی کمک می‌کند و منجر به تأیید تصاویر متورم، مثبت و غیرانتقادی از درون گروه می‌شود و موجب تضاد بیشتر بین گروهی می‌شود. از آنجایی که ارتکاب آسیب، ارزیابی مثبت از خود و تصویر درون گروهی را تهدید می‌کند، این تمجید درون گروهی است که در درجه اول باعث تحریف آسیب درون گروهی می‌شود که به شیوه‌ای دفاعی موجب مشروعیت بخشی به خشونت می‌شود.

چگونه تعابیر خشونت جمعی بر روابط بین گروهی در میان گروه‌های قربانی و مجرم تأثیر می‌گذارد؟ انگیزه اصلی گروه‌های مرتکب اجتناب از پیامدهای منفی ناشی از آسیب با محافظت از خود و گروه در برابر تهدید هویت و سایر پیامدهای منفی است. همانطور که در این مقاله به تفصیل مورد بحث قرار گرفت، گروه‌های مرتکب با فراموش کردن و ساکت کردن تخلفات درون گروهی یا با مشروعیت بخشیدن به آنها، از پیامدهای منفی اجتناب می‌کنند و در نتیجه، آنها احساسات منفی مانند گناه جمعی، شرم، یا پشیمانی را کاهش می‌دهند. برعکس، تعابیر خشونت جمعی که مسئولیت درون گروه را تصدیق می‌کند، بسیار نادر هستند. با این حال، ناگزیر اعضای گروه در معرض اطلاعات نامطلوب در مورد نقش درون گروهی در خشونت جمعی قرار می‌گیرند. نحوه واکنش اعضای گروه به چنین اطلاعاتی بستگی به منابع روانی در دسترس اعضای گروه برای مقابله با چنین اتهاماتی و تهدید اخلاقی متعاقب آن دارد. به طور معمول، اولین راهبردی که اعضای گروه‌های مرتکب تمایل به اتخاذ آن دارند، تدافعی است، مانند مقاومت در برابر اطلاعات ارائه شده و مشروعیت



بخشی که مسئولیت گروه داخلی را منحرف می‌کند و از هویت درون گروهی محافظت می‌کند. با این حال، در مواجهه با اطلاعات موثق و صریح، تحریف رویدادها و انکار مسئولیت درون گروهی ممکن است دشوار باشد. در چنین مواردی، اعضای گروه برای مقابله با تهدید اخلاقی تخلف درون گروهی به راهبردهای مقابله‌ای دیگری نیاز دارند. اینها می‌تواند شامل راهبردهای سازنده از طریق حمایت از استراتژی‌هایی برای جبران آسیب وارده یا راهبردهای مخرب مانند غیرانسانی کردن قربانیان باشد. اینکه کدام استراتژی انتخاب می‌شود بستگی به منابع روان‌شناختی و فرصت‌هایی دارد که اعضای گروه برای مقابله با تهدید مقصر بودن درون گروهی در آن موقعیت خاص دارند. اگر راهبردهای سازنده‌ای مانند ترمیم آسیب امکان پذیر نباشد یا هزینه باشد، اعضای گروه احتمالاً حالت تدافعی خواهند داشت. به علاوه، روشی که از طریق آن تخلفات به عنوان انعکاس شخصیت درون گروهی درک می‌شوند نیز بر نحوه مقابله اعضای گروه با تهدید تأثیر می‌گذارد. مشاهده آسیب درون گروهی به عنوان یک ویژگی خاص و انعطاف پذیر، به جای یک نقص کلی، به اعضای گروه فرصتی برای خودسازی یا ترمیم آسیب می‌دهد برعکس، زمانی که تخلفات به عنوان نقص کلی تعبیر می‌شود، افراد به احتمال زیاد درگیر استراتژی‌های دفاعی می‌شوند. به طور مشابه، کاهش این باور که تخلفات متضمن شخصیت غیراخلاقی گروهی است، می‌تواند این تصور را که گروه‌ها می‌توانند تغییر کنند (یعنی باورهای انعطاف‌پذیری گروه) را افزایش می‌دهد، که به نوبه خود پذیرش مسئولیت جنایات درون گروهی را افزایش می‌دهد. برای گروه‌های قربانی، دو انگیزه اصلی تعابیر خشونت جمعی را هدایت می‌کند: اول، میل به محافظت از درون گروه در برابر قربانی شدن در آینده و دوم تمایل به تایید قربانی بودن گروه است. درس اصلی که مردم از تجربیات قربانی شدن جمعی می‌گیرند، تمایل به هرگز قربانی شدن است. بنابراین محافظت از گروه در برابر آسیب‌های آینده انگیزه اصلی بسیاری از واکنش‌ها به یادآوری خشونت جمعی علیه گروه است که اغلب به افزایش هوشیاری و بی‌اعتمادی به گروه‌های دیگر یا حمایت از خشونت دفاعی یا پیشگیرانه منجر می‌شود. همچنین تمایل به تصدیق قربانی شدن در درون گروه انگیزه‌ای قوی در میان بسیاری از گروه‌های قربانی است. تصدیق نه تنها مستلزم شناخت واقعی رویداد (یعنی اینکه چیزی اتفاق افتاده است) است، بلکه مستلزم پذیرش برداشت گروه قربانی از رویداد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که خشونت جمعی نگرانی‌های هویتی و نیازهای روانی متفاوتی را برای گروه‌های قربانی و مجرم ایجاد می‌کند. در حالی که گروه‌های مرتکب عمدتاً نگران محافظت از هویت اخلاقی درون گروه و اجتناب از مسئولیت درون گروه و پیامدهای آن هستند، گروه‌های قربانی نگران محافظت از گروه خود در برابر آسیب‌های آینده و به رسمیت شناختن قربانی شدن گروه خود هستند. این نگرانی‌ها منجر به جهت‌گیری‌های متفاوت می‌شود که اغلب نقش محوری در روایت و هویت گروه قربانی دارد در حالی که گروه‌های مرتکب حوادث خشونت را از روایت خود پاک یا معنای آن را تحریف می‌کنند. اگرچه ما در مورد نگرانی‌ها و استراتژی‌های گروه‌های قربانی و مجرم به طور جداگانه بحث کردیم، آنها بخشی از یک فرآیند پویا هستند که از طریق آن پاسخ‌های یک گروه به خشونت جمعی گذشته بر پاسخ‌های گروه دیگر تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، انکار مسئولیت گروه‌های مرتکب، احساس امنیت گروه‌های قربانی و همچنین نیاز آنها به تأیید و عدالت را تهدید می‌کند. در برخی زمینه‌ها، انکار می‌تواند نشانگر قربانی شدن مداوم و در آینده باشد. اعتراف درست گروه‌های مجرم به مسئولیت خود و رنج قربانی می‌تواند پیامدهای مثبتی برای گروه‌های قربانی و برای ایجاد روابط عادلانه‌تر بین گروه‌ها داشته باشد. با این حال، تصدیق، هویت مثبت گروه مجرم را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه که استراتژی موفقیت آمیزی برای بهبود نگرش یک گروه نسبت به طرف درگیری دیگر یا سیاست‌های مرتبط خواهد بود، برای گروه دیگر تهدیدآمیز است و بالعکس. این تفسیرهای متفاوت و تأثیرات متضاد آن برای گروه‌های مجرم و قربانی، مانع اصلی غلبه بر پیامدهای منفی خشونت جمعی است.

مدلی برای حل و فصل: متخصصان استراتژی‌های مختلفی را با هدف رسیدگی به مفاهیم خشونت جمعی در میان همه گروه‌های درگیر طراحی کرده‌اند. بلالی و محمود (۲۰۱۷) در بررسی نحوه رویارویی با تاریخ خشونت‌آمیز دریافتند که متخصصان از پنج راهبرد اصلی در



مداخلات خود استفاده می‌کنند: افزایش آگاهی و درک تاریخ، اتخاذ تفکر تاریخی و چند نگرشی، درگیر کردن دیدگاه‌ها و روایت‌های متعدد، ایجاد یک روایت مشترک و درمان و غلبه بر آسیب‌های تروما.

افزایش آگاهی و درک تاریخ: فرض اساسی پروژه‌های مرتبط با افزایش آگاهی تاریخی در این است که اگر مردم گذشته را درک کنند، می‌توانند از خشونت در آینده جلوگیری کنند و برای ایجاد روابط صلح‌آمیز تلاش کنند. از این ایده استفاده می‌کند که جهل، عدم درک، و افسانه‌ها عامل خشونت هستند. بنابراین مبارزه با اطلاعات نادرست درباره تاریخ باید افسانه‌های مربوط به گذشته را که خشونت و شکاف‌های جامعه را تداوم می‌بخشد، از بین ببرد. تصور می‌شود افزایش دانش و درک تاریخ و پیامدهای آن از تکرار درگیری‌های خشونت‌آمیز جلوگیری می‌کند و اعتقاد بر این است که منجر به تحمل بین گروهی می‌شود. دو رویکرد در پروژه‌های جامعه مدنی برای انتشار دانش در مورد گذشته استفاده می‌شود. در رویکرد اول، پروژه‌ها حقایق واقعی را ارائه می‌کنند و اطلاعات را در مورد رویدادهای تاریخی خاص یا در مورد تاریخ روابط بین گروهی منتشر می‌کنند. در رویکرد دوم صرفاً دانش درباره گذشته را منتشر نمی‌شود، بلکه با گردآوری شواهد برای اثبات حقیقت و مقابله با تحریف حقایق و اطلاعات نادرست که اغلب در زمینه‌های تعارض و پسادرگیری غالب هستند، در تاریخ‌سازی مشارکت دارند. یعنی اگر مردم ریشه‌های جهانی، تعصب و خشونت را درک کنند، در آینده می‌توانند از چنین تأثیراتی در جامعه خود جلوگیری کرده و در برابر آن مقاومت کنند. این رویکرد ممکن است مؤثر باشد، زیرا ممکن است برای افراد آسان‌تر باشد که با بررسی تعارضی که از نظر احساسی در آن سرمایه‌گذاری نکرده‌اند، با ایده‌های جدید درگیر شوند. سپس، آنها می‌توانند درس‌های آموخته شده را در تعارض فعلی خود به کار گیرند.

اتخاذ تفکر تاریخی و چند نگرشی: برخی از پروژه‌ها بر پرورش تفکر تاریخی (یعنی تفکر به عنوان مورخین) متمرکز هستند. تفکر تاریخی به گونه‌ای طراحی شده است که به افراد بیاموزد که چگونه در مورد گذشته به طور انتقادی فکر کنند. آنها یاد می‌گیرند که منابع اولیه و ثانویه را بخوانند و بر اساس این منابع روایت بسازند. در تفکر تاریخی، زمانی که افراد یاد می‌گیرند که چگونه رویدادهای تاریخی را از دیدگاه‌های مختلف تجزیه و تحلیل، تفسیر و بازسازی کنند، بر چند نگرشی تأکید می‌شود. آنها یاد می‌گیرند که تاریخ را می‌توان به طور متفاوت و ذهنی توسط گروه‌های اجتماعی تفسیر کرد، زیرا هر گروه می‌تواند با استفاده و انتخاب منابع و شواهد اولیه و ثانویه مختلف و برجسته کردن جنبه‌های مختلف شواهد، روایت‌های کاملاً متفاوتی بسازد. چند منظری به آنها اجازه می‌دهد تا دیدگاه‌های مقوله‌های اجتماعی به حاشیه رانده شده و ساکت شده، از جمله اقلیت‌های قومی و زبانی، زنان، فقرا و عموماً مردم عادی را در نظر بگیرند. این نوع تفکر انتقادی افراد را به تحلیل، تفسیر و تفکر انتقادی درباره رویدادهای تاریخی سوق می‌دهد. تفکر تاریخی اسطوره‌های تاریخی، تبلیغات و روایت‌های یکپارچه گذشته را در هم می‌شکند و همچنین توانایی مشاهده یک موقعیت از زوایای مختلف را تقویت می‌کند.

درگیر کردن دیدگاه‌ها و روایت‌های متعدد: این بخش قرار دادن مردم در معرض روایت‌های متفاوت از همان رویدادهای تاریخی را شامل می‌شود. فرض بر این است که درگیر شدن با روایت‌های متعدد از گذشته منجر به صلح و روابط مثبت بین گروه‌ها می‌شود. در برخی موارد، پروژه‌های جامعه مدنی اعضای گروه را در معرض روایت غالب یا اصلی هر گروه از تعارض قرار می‌دهند. این پروژه به جای تجدید نظر در روایت‌های موجود هر یک از طرفین یا ایجاد یک روایت مشترک، قصد دارد افراد هر دو طرف را با روایت گروه دیگر آشنا کند و آنها را با هر دو روایت اصلی درگیر کند. افراد نه تنها باید دیدگاه خود را از تاریخ یاد بگیرند، بلکه باید با دیدگاه گروه دیگر نیز درگیر شوند. در واقع بحث مشروعیت بخشیدن یا پذیرش روایت دیگری نیست، بلکه به رسمیت شناختن آن است. پروژه‌های دیگر به جای تمرکز بر روایت‌های اصلی هر گروه، روایت‌ها و تجربیات مختلف را در هر گروه برجسته می‌کنند. این امر با دسترسی افراد عادی به تاریخ شفاهی و شهادت حاصل می‌شود و از این طریق اشتراکات و تفاوت‌ها در تجربیات درون و بین گروه‌ها در درگیری نشان داده



می‌شود. این رویکرد با هدف ترویج درک فراگیر از گذشته و پرورش احترام به تجارب مختلف است که به نوبه خود منجر به تساهل در برابر دیگران می‌شود. در واقع قرار گرفتن در معرض روایت‌های متکثر زمانی مؤثرتر است که مردم با دیدگاه‌های مختلف همدلانه درگیر شوند. با این حال، درگیری همدلانه با موقعیت دشمن ممکن است زمانی که تعصبات و یا درگیری شدید است، دشوار باشد.

ایجاد روایت مشترک از گذشته: تعدادی از پروژه‌های جامعه مدنی بر ایجاد یک روایت مشترک از روایت‌ها و تجربیات متفاوت گذشته تمرکز دارند. منطق زیربنای این عمل این است که اگر روایت‌های متضاد گذشته به دامن زدن به درگیری بین گروه‌ها کمک می‌کند، پس درک مشترک از گذشته باید مبنایی برای غلبه بر تفاوت‌ها باشد. پروژه‌های جامعه مدنی از استراتژی‌های مختلفی برای ایجاد روایت‌های مشترک از جمله از طریق شناسایی وجوه مشترک در روایت گروه‌های متخاصم، برجسته کردن تجربیات مشابه در بین گروه‌ها در درگیری، تأکید بر مبارزات مشترک اعضای هر گروه، یا کشف تجربیات مثبت مشترک، استفاده می‌کنند. در واقع هدف اصلی آنها کاهش نگرش‌های منفی و ایجاد فضایی برای یک چشم‌انداز مشترک برای آینده است. یک محدودیت مهم این است که یک روایت مشترک ممکن است در زمینه‌های متناقضی که در آن گروه‌ها روایت‌های متضاد را در اختیار دارند، دشوار باشد. با این حال، ایجاد اشتراکات بر اساس تجربیات و مبارزات مشابه اعضای گروه در سراسر خطوط درگیری ممکن است آسان تر باشد. با این حال، اگر اشتراکات توسط گروه مسلط به عنوان ابزاری برای ساکت کردن یا تضعیف تجربیات اعضای گروه اقلیت استفاده شود، تمرکز بر اشتراکات ممکن است در زمینه‌های تعارض نامتقارن کاملاً مشکل‌ساز باشد.

درمان و غلبه بر تروما: خشونت و درگیری تأثیر بسیار زیادی بر تمام اقشار جامعه دارد: قربانیان، بازماندگان و ناظران. تصور می‌شود که آسیب‌های ناشی از خشونت گذشته به تداوم چرخه‌های خشونت کمک می‌کند. در واقع خشونت گذشته باعث می‌شود افراد احساس آسیب‌پذیری کنند و دنیا را خطرناک ببینند، در نتیجه احتمال مشارکت افراد در خشونت بیشتر می‌شود. مواجهه، تصدیق و به اشتراک گذاشتن تجربیات آسیب‌زا در شرایط همدلانه و حمایتی می‌تواند به بهبودی کمک کند.

بررسی ارائه شده در این بخش، راهبردها و مفروضات زیربنایی رویارویی با تاریخ برای دستیابی به صلح و آشتی را روشن می‌کند. ما پنج نظریه عمل را شناسایی کردیم. این روش‌ها، تأثیرات مثبتی بر رشد اخلاقی، نگرش‌های بین‌گروهی و مهارت‌های تفکر انتقادی نشان داده‌اند و می‌توانند مسیری برای کاهش خشونت‌های جمعی ایجاد کنند.

منابع:

Bilali, R., & Vollhardt, J. R. (2019). Victim and perpetrator groups' divergent perspectives on collective violence: Implications for intergroup relations. *Political Psychology, 40*, 75-108.

Bilali, R., & Mahmoud, R. (2017). Confronting history and reconciliation: A review of civil society's approaches to transforming conflict narratives. In C. Psaltis, M. Carretero, & S. Cehajic-Clancy (Eds.), *History education and conflict transformation: Social psychological theories, history teaching and reconciliation* (pp. 77-96). New York, NY: Palgrave Press.



صفورا هادیان دانشجوی دکتری تخصصی

واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که «خشونت» در اشکال و ابعاد گوناگون با حیات اجتماعی بشر عجین بوده و هر جا تضاد منافع به وجود آمده، خشونت نیز رخ نموده است. امروزه علیرغم پیشرفت‌های علمی هنوز معضل خشونت، وجدان‌ها را می‌آزارد و به عنوان یک مسئله حاد اجتماعی خشونت مدرن با مصادیق جدیدی مطرح گردیده است. از نظر صلح پژوهان معاصر دست یافتن به صلح پایدار بدون خشکاندن ریشه‌های خشونت میسر نخواهد شد. از انواع خشونت می‌توان به خشونت علیه زنان، خشونت‌های خانگی، خشونت فرهنگی و ساختاری، خشونت دینی/ مذهبی که با پیدایش گروه‌های تروریستی در میان مسلمانان (نظیر طالبان، القاعده، بوکو حرام و داعش) رواج پیدا کرده است اشاره کرد (صاحب ناسی، مطیع، حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۹).

در دهه‌های اخیر از خشونت علیه زنان به عنوان جدیدترین مشکل اجتماعی ورای مرزهای فرهنگی، اجتماعی و منطقه‌ای یاد شده است. خشونت علیه زنان و دختران یکی از گسترده‌ترین، پایدارترین و مخرب‌ترین انواع نقض حقوق بشر در دنیای امروز است که در پاره‌ای موارد به دلیل مصونیت فرد مرتکب‌شونده از مجازات و در برخی موارد دیگر به دلیل سکوت و ترس از ننگ و رسوایی قربانی، گزارش نمی‌شود و در نتیجه تشدید می‌شود. برخی از این خشونت‌ها عبارت‌اند از: خشونت بدنی، خشونت گفتاری، خشونت عاطفی و خشونت جنسی. خشونت علیه زنان روندی است که در تمام سال‌های زندگی یک زن، قبل از تولد تا زمان مرگ او، می‌تواند رخ دهد. انتخاب بیشتر سقط در مورد جنین‌های با تشخیص جنسیت مؤنث و یا ضرب و شتم مادر به خاطر جنسیت جنین، نمونه‌هایی از خشونت قبل از تولد است. کشتن نوزاد مؤنث، سوءاستفاده جسمی، جنسی و روانی، وادار کردن کودک به ازدواج، ختنه دستگاه تناسلی زنانه، سوء استفاده جسمی و جنسی و روانی، زنا با محارم، فحشا و تهیه تصاویر مستهجن از کودک، خشونت اتفاقی یا خشونت‌هایی نظیر پاشیدن اسید و تجاوز، رابطه جنسی برای کسب معاش، سوء استفاده جنسی در محل کار، تجاوز، حمله‌ها و آزار پی در پی جنسی، فحشا و تهیه تصاویر مستهجن، خرید و فروش زنان، خشونت شرکای جنسی، سوء استفاده و قتل مرتبط با جهیزیه، قتل به دست شرکای جنسی، سوء استفاده روانی، سوء استفاده از زنان ناتوان و معلول، بارداری اجباری، خودکشی اجباری یا قتل زنان بیوه به دلیل اقتصادی و خشونت خانگی از جلوه‌های خشونت علیه زنان در دوره‌های مختلف زندگی زنان است. بر اساس تعریف بیانیه حذف خشونت علیه زنان مصوب سازمان ملل در سال ۱۹۹۳، اصطلاح خشونت علیه زنان به معنی هرگونه اعمال خشونت بر اساس جنسیت است که سبب رنج یا آسیب فیزیکی، جنسی یا روانشناختی در زن می‌شود (یا احتمالاً سبب چنین آسیبی می‌شود) و شامل تهدید به چنین اعمالی، فشار، تهدید یا محروم کردن مستبدانه از آزادی می‌شود، چه در مجامع عمومی و چه در زندگی خصوصی رخ دهد (ویکزو گیل مور، ۲۰۱۰). به این ترتیب، خشونت علیه زنان در ۳ سطح خانواده، جامعه یا دولت ممکن است رخ دهد (الکان، اوزار و اونور، ۲۰۲۱). خشونت علیه زنان در ابعاد خانگی و اجتماعی آن، چه در جوامع توسعه یافته و چه در جوامع در حال توسعه همواره به عنوان یک دغدغه و آسیب مطرح بوده که طیف آن از جامعه صنعتی تا جوامع عقب مانده براساس مؤلفه‌های فرهنگی و بومی متغیر می‌باشد (سیکویا،



ادو- لارتی، آلانژیا، ۲۰۲۰). زنان، در طول تاریخ و در بسیاری از نقاط جهان به دلیل درک نادرست از حقوق انسانی و دلایل دیگر، همواره مورد اجحاف قرار گرفتند و برای سرکوب آن‌ها از خشونت استفاده می‌شود (الحیب، نور، جونز، ۲۰۱۰). اگر چه خشونت‌های خانگی معمولاً در حریم خانواده رخ می‌دهد، اما زندگی زنان را در همه عرصه‌ها متأثر می‌سازد. خشونت علیه زنان کیفیت زندگی زنان و فرزندانشان، توانایی، استقلال و مولد بودن زندگی عادی آنها را به شدت تهدید می‌کند و به اختلال می‌کشاند (نیومن، ۲۰۱۹). در ایران اما آمار خشونت علیه زنان به ۶۰ درصد و کودک همسری به ۱۷ درصد می‌رسد. این در شرایطی است که بسیاری از خشونت‌ها در بافت سنتی ایران گزارش نمی‌شود و طبیعی در نظر گرفته می‌شود. همچنین در ایران نیز خشونت علیه زنان از سوی همسران یک معضل مهم اجتماعی است که در پیمایش ملی گسترده‌ای که در ۲۸ استان ایران در سال ۱۳۸۸ صورت گرفت، گزارش‌ها نشان داد که ۶۶ درصد زنان حداقل یکبار در طول زندگی مشترک خود با خشونت همسر مواجه شده‌اند (داساریند و همکاران، ۱۳۹۶). خشونت در دوران بارداری نیز با وزن‌گیری ناکافی، افزایش احتمال ضربه، مراقبت‌های ناکافی دوران بارداری و تولد نوزاد کم وزن است. پیامدهای ناشی از خشونت خانگی علیه زنان بر روی فرزندان زنان خشونت دیده نیز تأثیر نامطلوب دارد (جعفرنژاد، حسینی مقدم، سلطان فر، ۱۳۸۷). عمده‌ترین آسیب‌های روانی وابسته به خشونت علیه همسر، می‌توان به احساس درماندگی، عدم اعتماد به نفس، تشویش و افسردگی اشاره کرد. بر پایه‌ی پژوهش‌های جدیدتر، خشونت علیه همسر می‌تواند پیامدهایی جدی‌تر، هم چون خودکشی را در پی داشته باشد (گلدینگ^۱، ۲۰۱۵؛ به نقل از سیاه‌خانی، سعدی آرانی، نادریان، بهادران، نامجو، ۱۴۰۰). با توجه به این که خشونت در خانواده در محیط بسته باقی مانده و به بیرون درز پیدا نمی‌کند، چه بسا مشکلاتی مانند تنهایی، افسردگی و استرس از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند.

درمان

در همین راستا و بر اساس مطالعات انجام شده مداخلات روانشناختی متعددی تا کنون انجام شده که موثر و نتیجه بخش بوده است. همچنین استفاده از مداخله‌های متمرکز بر زنان که شامل راهکارهایی از قبیل آموزش، جلب حمایت و مشاوره‌های روانی و درمانی زنان در معرض خطر است. ارتقا و بهبود آگاهی افراد جامعه نسبت به حقوق فردی و اجتماعی خود، آموزش مهارت‌های قبل از ازدواج، بالا بردن فرهنگ زناشویی و احترام متقابل به یکدیگر و... در این مورد مؤثر است. با توجه به این که زنان قربانی خشونت دچار مشکلات هیجانی متعددی هستند بر اساس مطالعات انجام شده، آن‌ها برای مقابله با این هیجانات ناخوشایند از راهبردهای ناسازگارانه استفاده می‌کنند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد به کارگیری مدلی که هیجانات ناخوشایند را هدف قرار می‌دهد تا به کاهش و التیام دردهای هیجانی این افراد کمک کند، موثر باشد. طرحواره درمانی هیجانی یکی از رویکردهای مطرح شده در حوزه مسائل و مشکلات هیجانی است که ادعای اثربخشی و درمان دارد. طرحواره درمانی هیجانی شکل جدیدی از درمان شناختی رفتاری است که لیهی با اقتباس از نظریه شناختی بک، طرحواره درمانی یانگ، الگو فراشناختی ولز و رویدادهای مبتنی بر پذیرش برای درمان مشکلات هیجانی تدوین نمود (لیهی، ۲۰۰۲). طرحواره درمانی هیجانی یک الگوی اجتماعی-شناختی از هیجان و نظم جویی هیجانی است زیرا از نگاه لیهی هیجان‌ها هم یک پدیده فردی و هم اجتماعی می‌باشند که توسط خود فرد و دیگران مورد تفسیر قرار می‌گیرند و تغییرات این تفاسیر (تفسیر خود فرد و دیگران) باعث تغییر در شدت و نارسا نظم جویی هیجانی می‌شود. طبق این الگو، تفاوت‌های موجود بین

^۱ Golding



افراد از نظر تفاسیر، ارزیابی‌ها، میل به اقدام و راهبردهای رفتاری مربوط به هیجان‌های آنان، طرحواره‌های هیجانی نامیده می‌شود (لیهی، ۲۰۱۵).

اثر بخشی درمان شناختی رفتاری در این حوزه توسط مطالعات متعددی تأیید شده است. فرض بنیادی درمان شناختی رفتاری این است که فرآیندهای یادگیری، نقش مهمی در ایجاد و تداوم درگیری‌های خانوادگی و در رویارویی با خشونت از سوی همسر یا در محل کار ایفا می‌کنند. به بیان ساده‌تر، درمان شناختی رفتاری در شناسایی، اجتناب و مقابله به بیماران کمک می‌کند. یعنی در شناسایی موقعیت‌هایی که احتمال درگیری و خشونت در آن‌ها زیاد است و پرهیز از این موقعیت‌ها در زمان مناسب و مقابله مؤثر با مسایل و رفتارهای مشکل‌آفرین است. همچنین در پژوهش‌های اثربخشی بسته درمانی مقابله با خشونت خانگی (یزدان پناه و همکاران، ۱۴۰۰)، زوج درمانی متمرکز بر خشونت (اصلانی و همکاران، ۱۳۹۸)، گروه درمانی مبتنی بر واقعیت درمانی (منصفی و همکاران، ۱۳۹۸)، طرحواره درمانی (کیایی راد و همکاران، ۱۳۹۹) بر زنان قربانی خشونت خانگی به اثبات رسیده است. با توجه به اینکه خشونت یک مسئله جهانی است و همه اعضای خانواده را درگیر می‌کند و به نوعی بر کارکرد خانواده تأثیر می‌گذارد بسیار مهم است که بر روی راهبردهای درمانی مؤثر که می‌توانند نه تنها به خانواده بلکه به جامعه نیز کمک کند متمرکز شد.

منابع:

- اصلانی، خ؛ خدادادی اندریه، ف؛ امان الاهی، ع؛ رجبی، غ و استیس، ام، سندرا (۱۳۹۹). اثربخشی زوج درمانی متمرکز بر خشونت خانگی در خشونت علیه زنان؛ مداخله در رابطه زوجین ناسازگار ساکن شهر اهواز. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲، ۲۳۲-۲۱۳.
- صاحب ناسی، ا؛ مطیع، م؛ حاجی اسماعیلی، م (۱۳۹۹). بررسی صلح و خشونت در آموزه‌های قرآنی با نگاهی به نظریه خشونت فرهنگی و ساختاری یوهان گالتونگ، پژوهش دینی، شماره ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹ صص ۳۵-۶۵.
- داسربند ب، پناغی، ل؛ موتابی، ف. (۱۳۹۶). رابطه همسرآزاری با علائم افسردگی در زنان: نقش تعدیل کننده ویژگی‌های شخصیتی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۲۳(۱)، ۴۹-۳۸.
- سیاه خانی، س؛ سعدی آرانی، ش؛ نادریان، ف؛ بهادران، ع؛ نامجو، ف (۱۴۰۰). پیش بینی تمایل به افکار خودکشی و درماندگی روانشناختی بر ساس خشونت خانگی در زنان، فصلنامه سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی. دوره ۳، شماره ۲، تابستان (پیاپی ۸)، تابستان ۱۴۰۰، ۶۰-۷۱.
- کیایی راد، ح؛ پاشا، ر؛ عسگری، پ؛ مکوندی، ب (۱۳۹۹). اثربخشی درمان رفتاری- شناختی بر نگرش به روابط فرازنشویی و خشونت در زنان مبتلا به طلاق عاطفی. نشریه پژوهش پرستاری، آذر و دی ۱۳۹۹، دوره ۱۵، شماره ۵، صص ۵۰-۶۰.
- منصفی، س؛ احدی، ح؛ حاتمی، ح (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی گروه درمانی حمایتی با رویکرد واقعیت درمانی بر کنترل هیجانی زنان مطلقه قربانی خشونت خانگی. مجله روان‌شناسی اجتماعی سال سیزدهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۹۸ صفحه ۹۹-۹.
- یزدان پناه دولت آبادی، ع؛ توحیدی، ا؛ رحمتی، ع (۱۴۰۰). طراحی بسته آموزشی مقابله با خشونت خانگی و اثربخشی آموزش بسته بر خشونت همسر و اشتیاق تحصیلی فرزندان. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، شماره چهل و سوم، پاییز ۱۴۰۰، صص ۱-۱۸.

Alkan O, Ozar S, Unver S. (2021). Economic violence against women: A case in Turkey. PLoS one, 2021;16(3):758-762. file:///c:/Users/mahdi/Downloads/journal.Pone.0248630.pdf
<http://doi.org/10.1371/1016-9040/a000392/journal.Pone.0248630>



Alhabib S, Nur U, Jones R. (2010). Domestic violence against women: Systematic review of prevalence studies. *Journal of Family Violence*. 2010;25(4):369-82. <http://doi.org/10.1007/s10896-009-9298-4>

Ekstrom V. (2017). Negotiating and justifying social services support for female victims of domestic violence, *Nordical Social Work Research*. 2017;7(1):18-29.

Golding JM. (2015). Intimate partner violence as a risk factor for mental disorders: A metaanalysis. *J Fam Violence*. 2015;14(2):99

Leahy, R.L. (2002). A model of emotional schemas. *Cognitive and Behavioral Practice*, 9, 177-190.

Leahy, R. L. (2015). Emotional schema therapy: A meta- experiential model. *Australian Psychologist*, 51(2), 82-88.

Newman M. (2019). violence against women: Group treatment mental health strategies in the integral womens centers in the autonomous city of Buenos Aires. Knoxville, Tennessee: University of Tennessee:2019.

Sikweyiya Y, Addo-Lartey AA, Alangea DO. (2020). Patriarchy and gender-inequitable attitudes against women in the central region of Ghana. *BMC Public Health* 2020; 20:682. <https://bmcpublichealth.biomedcentral.com/track/pdf/10.1186/s12889-020-08825-z.pdf>
<http://doi.org/10.1186/s12889-020-08825-z>

۵-۶- خشونت: چیستی، پیامدها، مداخلات

میثم رنجبر - دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد رودهن
پریسا صمدی - دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد رودهن
سمانه شیخ‌حسینی - دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد تنکابن

مقدمه

خشونت یک پدیده جهانی است که هر ساله منجر به مرگ بیش از ۱٫۶ میلیون نفر می‌شود و آن را به یکی از علل اصلی مرگ و میر در سراسر جهان تبدیل می‌کند.

در حالی که هیچ کشوری نیست که تحت تأثیر خشونت قرار نگرفته باشد، اما اکثریت قریب به اتفاق مرگ و میر ناشی از آن در کشورهای کم درآمد تا متوسط رخ می‌دهد، که بسیاری از آنها با درگیری‌های داخلی آسیب دیده‌اند. با این حال، باید در نظر داشت که مرگ‌های خشونت‌آمیز را نمی‌توان صرفاً به جنگ نسبت داد و بیش از ۸۰ درصد این مرگ‌ها خارج از درگیری‌های مسلحانه رخ می‌دهد. مطالعات نشان داده‌اند، خشونت موضوعی بسیار پرهزینه است و تنها در سال ۲۰۱۵ تأثیر کلی خشونت بر اقتصاد جهانی ۱۳٫۶ تریلیون دلار تخمین زده شده است - رقمی که معادل ۱۳٫۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان است.

خشونت به طور فزاینده‌ای بین فردی شده و با فعالیت‌های مجرمانه، به ویژه در مناطق شهری مرتبط است. طبق مطالعه جهانی سازمان ملل در مورد قتل، قتل عمدی عامل مرگ تقریباً نیم میلیون نفر در سراسر جهان در سال ۲۰۱۲ بوده است. همچنین توجه به این نکته مهم است که مرگ و میر تنها بخشی از بار سلامتی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند به خشونت نسبت داده شود که



همچنین منجر به سوء استفاده غیر کشنده، جنسی و روانی می‌شود. علاوه بر این، خشونت بار سنگینی را بر سیستم‌های بهداشتی و قضایی، خدمات رفاهی اجتماعی و اقتصاد جوامع تحمیل می‌کند.

یک چالش اجتماعی

سطوح بالای خشونت و جنایت در مناطقی مانند جنوب آفریقا اغلب نشانه چالش‌های اساسی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مانند نابرابری اجتماعی، شهرنشینی سریع، فقر، بیکاری و کاستی‌های سازمانی است. اثرات نامطلوب خشونت بر یک کشور نه تنها برای شهروندان آن، بلکه برای رفاه جامعه و کشور به طور کلی مضر است. در بسیاری از کشورها، تأثیر خشونت به طور قابل توجهی و به طور مستقیم رشد اقتصادی را کاهش داده و مانعی در کاهش فقر ایجاد می‌کند، در حالی که خشونت باعث آسیب‌های روحی و جسمی عمیق می‌شود و کیفیت زندگی را برای همه افراد جامعه کاهش می‌دهد. اگرچه خشونت اغلب به عنوان بخشی اجتناب‌ناپذیر از شرایط انسانی دیده می‌شود و به آن پاسخ داده می‌شود، چنین فرضیاتی در حال تغییر هستند و تأکید فزاینده‌ای بر پیشگیری از رفتار خشونت‌آمیز و پیامدهای آن است. به همین منظور، برای موفقیت تلاش‌های پیشگیری، باید درک ما از این پدیده پیچیده افزایش یابد. کدهای اخلاقی ممکن است در سراسر جهان بسیار متفاوت باشد، و پرداختن به موضوع اغلب حساس خشونت، علل و پیامدهای آن را به چالش بیشتری تبدیل می‌کند، با این حال برای محافظت مؤثر از جان و کرامت انسان، باید به نوعی درک مشترک دست یافت.

تعریف خشونت

به دلیل اینکه خشونت پدیده پیچیده‌ای محسوب می‌شود، تعریف دقیق و روشنی برای آن وجود ندارد. بنابراین، اغلب توسط افراد مختلف در زمینه‌های مختلف - مانند کسانی که از کشورها، فرهنگ‌ها یا سیستم‌های اعتقادی مختلف هستند، به طور متفاوتی درک می‌شود. در حالی که هیچ تعریف استانداردی از خشونت ارائه نشده است، هنگام توسعه راهبردهای پیشگیری مؤثر، داشتن درک روشنی از خشونت و زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهد، مهم است. سازمان جهانی بهداشت^۱ (WHO) در گزارش جهانی خود در مورد خشونت و سلامت در سال ۲۰۰۲، تعریفی از خشونت را پیشنهاد می‌کند که از آن زمان به عنوان یک اصطلاح کاربردی برای بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و آفریقای جنوبی که در این زمینه کار می‌کنند، تبدیل شده است.

دسته بندی‌ها و انواع خشونت

تعریف سازمان جهانی بهداشت از خشونت

« استفاده عمدی از زور یا قدرت فیزیکی، تهدید شده یا واقعی، علیه خود، شخص دیگر، یا علیه یک گروه یا جامعه، که منجر به جراحت، مرگ، آسیب روانی، توسعه نادرست یا محرومیت می‌شود. »

^۱ World Health Organization



بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت از خشونت، «نوع‌شناسی خشونت» مفصلی ایجاد شده است که دسته‌ها و انواع خشونت را مشخص می‌کند، و همچنین پیوندهای بین آنها را مشخص می‌کند (که به یک رویکرد جامع برای مداخله می‌انجامد).

این تعریف خشونت را با توجه به اینکه عاملان و قربانیان اعمال خشونت آمیز هستند به سه دسته کلی تقسیم می‌کند:

✓ خشونت خودگردان (خودهدایت شده)

خشونت خودگردان به اعمال خشونت‌آمیزی که شخص بر خود تحمیل می‌کند، اشاره دارد و شامل خود آزاری (مانند خودزنی) و رفتار خودکشی (از جمله افکار خودکشی، و همچنین اقدام به خودکشی یا خودکشی کامل) می‌شود.

✓ خشونت بین فردی

خشونت بین فردی به خشونتی اطلاق می‌شود که توسط فرد دیگری یا گروه کوچکی از افراد اعمال می‌شود. می‌توان آن را بیشتر به دو زیر دسته تقسیم کرد:

- خشونت خانواده و شریک صمیمی - خشونت عمدتاً بین اعضای خانواده و شرکای صمیمی، معمولاً، هرچند نه منحصرأ، در خانه رخ می‌دهد. این شامل اشکال خشونت مانند کودک آزاری، خشونت شریک صمیمی و سوء استفاده از سالمندان است.

- خشونت اجتماعی - خشونت بین افرادی که با هم مرتبط نیستند و ممکن است یکدیگر را بشناسند یا نشناسند که عموماً در خارج از خانه اتفاق می‌افتد. این شامل خشونت جوانان، اعمال خشونت آمیز تصادفی، تجاوز جسمی یا تجاوز جنسی توسط غریبه‌ها، و خشونت در محیط‌های سازمانی مانند مدارس، محل کار، زندان‌ها و خانه‌های سالمندان است.

✓ خشونت جمعی

خشونت دسته جمعی را می‌توان به عنوان استفاده ابزاری از خشونت توسط افرادی تعریف کرد که خود را به عنوان اعضای یک گروه می‌شناسند - خواه این گروه گذرا باشد یا هویت دائمی‌تر - علیه گروه یا مجموعه‌ای از افراد دیگر، به منظور دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی یا اهداف اجتماعی. که این می‌تواند به اشکال مختلفی مانند نسل‌کشی، سرکوب، تروریسم و جنایات خشونت‌آمیز سازمان‌یافته ظاهر شود.

با نگاه دقیق‌تر به ماهیت اعمال خشونت‌آمیز، می‌توان این سه دسته را به چهار نوع خشونت خاص‌تر تقسیم کرد:

✓ خشونت فیزیکی

خشونت فیزیکی استفاده عمدی از نیروی فیزیکی است که بالقوه برای ایجاد آسیب، صدمه، ناتوانی یا مرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شامل موارد زیر است، اما محدود به موارد زیر نیست: هل دادن، گرفتن، گاز گرفتن، خفگی، تکان دادن، سیلی زدن، مشت زدن، ضربه زدن، سوزاندن، استفاده از سلاح، و استفاده از توانایی بدنی بر علیه شخص دیگر.

این نوع خشونت نه تنها منجر به آسیب جسمی می‌شود، بلکه می‌تواند اثرات روانی منفی شدیدی نیز داشته باشد - به عنوان مثال، اگر کودکی به طور مکرر قربانی خشونت فیزیکی در خانه شود، ممکن است از مشکلات سلامت روانی رنج ببرد و در نتیجه این قربانی شدن آسیب ببینند.

✓ خشونت جنسی

خشونت جنسی شامل ارتکاب یا تلاش جنسی علیه قربانی است که آزادانه رضایت نداده یا قادر به رضایت یا امتناع نیست. این شامل موارد زیر است، اما محدود به موارد زیر نیست: دخول اجباری، دخول ناخواسته تحت تاثیر الکل/مواد مخدر، لمس جنسی، یا اعمال غیر تماسی با ماهیت جنسی. مجرمی که قربانی را اجبار یا وادار به انجام اعمال جنسی با شخص ثالث می‌کند نیز به عنوان خشونت جنسی محسوب می‌شود.



این نوع خشونت همچنین می‌تواند منجر به آسیب جسمی شود و در بیشتر موارد اثرات منفی روانی شدیدی نیز دارد.
✓ خشونت روانی

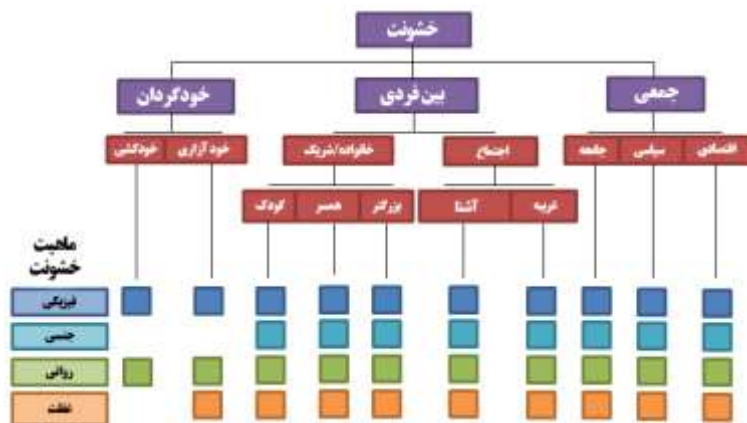
خشونت روانی (که به آن آزار عاطفی یا ذهنی نیز گفته می‌شود) شامل ارتباطات کلامی و غیرکلامی است که به قصد آسیب رساندن ذهنی یا عاطفی به شخص دیگر یا اعمال کنترل بر شخص دیگر استفاده می‌شود. تأثیر خشونت روانی می‌تواند به اندازه سایر اشکال فیزیکی خشونت قابل توجه باشد، زیرا مرتکب، قربانی را در معرض رفتارهایی قرار می‌دهد که ممکن است منجر به نوعی آسیب روانی مانند اضطراب، افسردگی یا اختلال استرس پس از سانحه شود. این شامل موارد زیر است، اما محدود به موارد زیر نیست:

- پرخاشگری آشکار (مثلاً تحقیرکننده و تحقیر آمیز)،
- کنترل اجباری (به عنوان مثال، محدود کردن دسترسی به چیزها یا افراد، و نظارت بیش از حد بر مکان یا ارتباطات یک فرد)،
- تهدید به خشونت فیزیکی یا جنسی،
- کنترل سلامت باروری یا جنسی،
- و بهره برداری از آسیب‌پذیری یک فرد (به عنوان مثال، وضعیت مهاجرت یا ناتوانی).

این نه تنها منجر به مشکلات روانی می‌شود، بلکه به مشکلات جسمی شدیدی مانند اختلالات روان تنی نیز منجر می‌شود.
✓ غفلت (بی توجهی)

غفلت یا محرومیت، نوعی سوء استفاده است که زمانی رخ می‌دهد که شخصی مسئولیت مراقبت از فردی را دارد که قادر به مراقبت از خود نیست، اما در انجام این کار کوتاهی می‌کند، بنابراین او را از مراقبت کافی محروم می‌کند. غفلت ممکن است شامل عدم ارائه نظارت کافی، تغذیه، یا مراقبت‌های پزشکی یا عدم برآورده ساختن سایر نیازهایی باشد که قربانی نمی‌تواند خودش آن را تأمین کند. بی‌توجهی می‌تواند منجر به عوارض جانبی طولانی‌مدت زیادی شود، مانند: آسیب‌های فیزیکی، اعتماد به نفس پایین، اختلالات توجه، رفتار خشونت‌آمیز، بیماری‌های جسمی و روانی و حتی می‌تواند منجر به مرگ شود. این چهار نوع خشونت می‌توانند در هر یک از دسته‌های کلی که قبلاً ذکر شد، و زیرمجموعه‌های آنها (به جز خشونت خودگردان) رخ دهد.

نمودار زیر این پیوندها را بین انواع خشونت و ماهیت اعمال خشونت آمیز نشان می‌دهد. گرافیک به صورت افقی نشان می‌دهد که چه کسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، در حالی که به صورت عمودی نحوه تأثیر بالقوه آنها را توصیف می‌کند.





این گونه‌شناسی خشونت، چارچوب مفیدی برای درک الگوهای پیچیده خشونت در زندگی افراد، خانواده‌ها و جوامع فراهم می‌کند. ماهیت اعمال خشونت آمیز، ارتباط محیط، رابطه بین مرتکب و قربانی، و - در مورد خشونت جمعی - انگیزه‌های احتمالی برای خشونت را نشان می‌دهد.

باید در نظر داشت که این فقط یک مدل است و در واقع خطوط تقسیم بین انواع یا ماهیت خشونت همیشه به این روشنی نیست - آنها به راحتی می‌توانند همپوشانی داشته باشند و بر یکدیگر تأثیر بگذارند یا تقویت کنند.

خشونت مستقیم و غیرمستقیم (ساختاری)

نوع‌شناسی خشونت به وضوح بین مرتکبین خشونت در سطوح مختلف تمایز قائل می‌شود. با این حال، موقعیت‌هایی وجود دارد که خشونت را نمی‌توان به یک عامل خاص نسبت داد، بلکه به ساختارهایی تعبیه شده است که خشونت (در هر یک از اشکال آن) را بر افراد یا جوامع اعمال می‌کنند. سیستم آپارتاید و تبعیض آشکار آن علیه بخش بزرگی از جمعیت آفریقای جنوبی یک نمونه است. در این زمینه، یوهان گالتونگ، جامعه‌شناس نروژی، تمایز مفیدی ارائه می‌دهد:

- خشونت مستقیم - اینجا جایی است که یک عمل کننده یا عامل به وضوح قابل شناسایی است. تمام اشکال خشونت خودگردان و خشونت بین فردی و همچنین بسیاری از اشکال خشونت جمعی را می‌توان به عنوان خشونت مستقیم نیز درک کرد.
- خشونت غیرمستقیم یا ساختاری - اینجاست که هیچ عامل مستقیمی وجود ندارد. خشونت بیشتر در ساختارها جای می‌گیرد و به عنوان روابط نابرابر قدرت و در نتیجه به عنوان فرصت‌های نابرابر ظاهر می‌شود.

خشونت ساختاری زمانی وجود دارد که گروه‌ها، طبقات، جنسیت‌ها یا ملیت‌ها دسترسی ممتازی به کالاها، منابع و فرصت‌ها نسبت به دیگران داشته باشند، و همچنین زمانی که این مزیت نابرابر در سیستم‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر زندگی‌شان تعبیه شود. خشونت ساختاری نیازمند تغییرات سیاسی و اجتماعی است تا ساختارها و الگوهای تبعیض‌آمیز موجود حاکم بر زندگی شهروندان را دگرگون کند.

خشونت و جنایت: ایجاد تمایز

اصطلاحات «خشونت» و «جنایت» اغلب به هم مرتبط هستند و به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. با این حال، آنها نباید اشتباه گرفته شوند.

برخی از انواع جرایم طبق تعریف خشونت‌آمیز هستند (مانند جرایم مسلحانه یا جرایم تماسی، از جمله قتل، حمله و تجاوز جنسی)، در حالی که سایر جرایم به هیچ وجه خشونت مستقیم ندارند (مانند فرار مالیاتی یا استفاده غیرقانونی مواد مخدر). به همین ترتیب، همه انواع خشونت، مانند خشونت ساختاری که قبلاً ذکر شد، یا بسیاری از اشکال خشونت روانی، مجرمانه نیستند.

به عبارت دیگر، هر مورد خشونت جرم نیست و هر جرمی خشونت‌آمیز نیست. بنابراین مهم است که بین خشونت و جرم به عنوان دو اصطلاح متفاوت که می‌توانند با یکدیگر همپوشانی داشته باشند (و اغلب هم همپوشانی دارند) تمایز قائل شویم، اما لزوماً نیازی به این کار نیست.



مثال

کنتک زدن زن یا کودک یک عمل خشونت‌آمیز است. با این حال، این که آیا اعمال تنبیه بدنی به عنوان یک جرم کیفری تلقی می‌شوند، با توجه به قانون و نگرش اجتماعی یک کشور نسبت به زنان و کودکان متفاوت است. در برخی کشورها، قوانین تنبیه بدنی را جزء اعمال مجرمانه طبقه‌بندی می‌کنند. در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر جرم نیست و به عنوان یک اقدام انضباطی ضروری قابل توجیه است.

اینکه یک عمل به عنوان جرم طبقه‌بندی شود یا نه، بستگی به قوانین یک کشور دارد. بنابراین جرم را می‌توان به عنوان نقض قانون و انحراف از قواعد مقرر یا عدم ارتکاب عملی که طبق قانون لازم است تعریف کرد. از سوی دیگر، خشونت یک عمل پرخاشگری فیزیکی است که در بیشتر موارد منجر به آسیب می‌شود. اینکه آیا یک عمل خشونت‌آمیز جرم تلقی می‌شود، از کشوری به کشور دیگر تغییر می‌کند، و ممکن است در طول زمان تغییر کند، زیرا کشورها قوانین خود را به دلیل تغییر نظام‌های سیاسی و ارزش‌های اجتماعی تطبیق می‌دهند. درک تفاوت بین این دو مفهوم در پاسخگویی مناسب و اتخاذ راهبردهای پیشگیری موثر مهم است.

چگونه می‌توانیم از خشونت جلوگیری کنیم؟

ایمنی یک حق بشر است

در جوامعی که با سطوح بالای خشونت و جنایت مشخص شده است، مانند آفریقای جنوبی، مردم روی هر چیزی سرمایه‌گذاری می‌کنند که به آنها احساس امنیت بیشتری می‌دهد، از میله‌های دزدی و دکمه‌های وحشت گرفته تا دیوارهای بتنی بلند و نرده‌های برقی. دولت‌ها تمایل دارند رویکردی سختگیرانه اتخاذ کنند، پلیس بیشتری را در خیابان‌ها قرار دهند و مجازات‌های سختگیرانه را برای متخلفان تشدید کنند. با این حال، سرکوب خشونت و جنایت تنها بر علائم آن تأثیر می‌گذارد. تمرکز بر امنیت به تنهایی نمی‌تواند به علل خشونت رسیدگی کند.

آنچه مورد نیاز است تغییر تأکید از امنیت به ایمنی است. امنیت به معنای محافظت در برابر یک تهدید شناخته شده یا درک شده است، در حالی که ایمنی به معنای زندگی بدون آن تهدید یا ترس است.

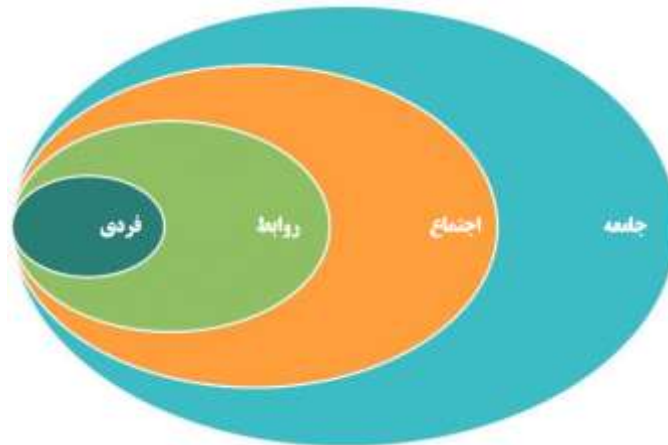
برای ایجاد جامعه‌ای که در آن همه احساس امنیت کنند، نیاز به درک ایمنی به عنوان یک حق انسانی و یک کالای عمومی است که باید از آن محافظت شود. راه دستیابی به این امر از طریق تعهد به پیشگیری از خشونت و جنایت با پرداختن به علل ریشه‌ای آن است. چه چیزی مردم را خشن می‌کند؟ نگاهی به مدل بوم‌شناختی

مدل بوم‌شناختی

« مدل بوم‌شناختی علل متعدد خشونت و تعامل عوامل خطر را که در خانواده و بافت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گسترده تر عمل می‌کنند، برجسته می‌کند. » (گزارش جهانی سازمان بهداشت جهانی در مورد خشونت و سلامت، ۲۰۰۲)

هیچ دلیل واحدی وجود ندارد که توضیح دهد چرا مردم خشن می‌شوند. تحقیقات اجتماعی نشان داده است که رفتار خشونت‌آمیز در افراد تحت تأثیر تعامل پیچیده عوامل بسیاری است.

به منظور کمک به توضیح پدیده پیچیده رفتار خشونت‌آمیز، سازمان بهداشت جهانی (WHO) از مدل اکولوژیکی استفاده می‌کند که در زیر مشاهده می‌شود. این مدل بین چهار سطح - فرد، رابطه، اجتماع و جامعه - و عوامل خاص برای هر سطح که بر رفتار افراد اثر می‌گذارد و آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تفاوت قائل می‌شود.



چهار سطح از مدل بوم‌شناختی - اقتباس شده از گزارش جهانی WHO در مورد خشونت و سلامت، ۲۰۰۲

هر یک از این سطوح، عوامل خطر و محافظتی خاصی را ارائه می‌کنند و عوامل تأثیرگذار متقابلاً بر روی یک فرد را ایجاد می‌کنند. بنابراین، این مدل جهت‌گیری مفیدی را برای برنامه‌ریزی اقدامات پیشگیری از خشونت فراهم می‌کند زیرا تأثیر متقابل بسیاری از عوامل مؤثر در رفتار خشونت‌آمیز و همچنین تأثیر محیطی را که مردم در آن زندگی می‌کنند در نظر می‌گیرد. همچنین اهمیت اقدام هماهنگ مورد نیاز در سطوح مختلف به منظور جلوگیری از خشونت را برجسته می‌کند.

مثال

اگر فردی با گرایش پرخاشگرانه (عامل خطر در سطح فردی) قبلاً خشونت را به عنوان ابزاری برای حل تعارض در خانه تجربه کرده باشد، به احتمال زیاد موضع خشونت‌آمیزی اتخاذ می‌کند (عامل خطر در سطح روابط). به همین ترتیب، فردی که در یک منطقه شهری با سطوح بالای بیکاری و جرم و جنایت و فقدان فعالیت‌های اوقات فراغت (عوامل خطر در سطح جامعه) زندگی می‌کند، نسبت به فردی که در محیطی آرام و با فرصت‌های متنوع‌تر و بهتر بزرگ می‌شود، به احتمال بیشتری رفتار خشونت‌آمیز اتخاذ می‌کند.



عوامل خطر و حفاظتی

شناخت و در نظر گرفتن عوامل خطر و عوامل حفاظتی در پیشگیری از جرم و خشونت بسیار مهم است، زیرا می‌توان فرض کرد که خشونت پیشگیری از طریق کاهش عوامل خطر و تقویت عوامل حفاظتی قابل دستیابی است.

عوامل خطر

عوامل خطر عبارتند از « ویژگی‌ها، متغیرها، یا خطراتی که اگر برای یک فرد خاص وجود داشته باشد، احتمال اینکه این فرد، به جای فردی که از جمعیت عمومی انتخاب شده است، دچار اختلال شود، بیشتر است. » کلمه «اختلال» در اینجا به گرایش به رفتار خاصی مانند خشونت اشاره دارد.

وجود عوامل خطر، احتمال دست داشتن فرد در فعالیت‌های جنایی و خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد - هر چه فرد در سطوح مختلف در معرض عوامل خطر بیشتری قرار گیرد، احتمال آن بالاتر می‌رود. شایان ذکر است که عوامل خطر، که در هر سطحی از مدل بوم‌شناختی ظاهر می‌شوند، موجب خشونت نمی‌شوند - آن‌ها نشانه‌ای از احتمال رفتار خشونت‌آمیز نشان می‌دهند، با این حال بسیاری از افراد با عوامل خطر چندگانه به رفتار مجرمانه یا خشونت‌آمیز متوسل نمی‌شوند. به عنوان مثال، فقر یک عامل خطر است، با این حال اکثر افرادی که در فقر زندگی می‌کنند به خشونت متوسل نمی‌شوند. تنها به این معنی است که آن‌ها نسبت به خشونت آسیب‌پذیرتر هستند.

عوامل حفاظتی

« عوامل محافظتی آن دسته از عواملی هستند که تأثیر مواجهه با عوامل خطر را واسطه یا تعدیل می‌کنند و در نتیجه منجر به کاهش بروز رفتار مشکل می‌شوند. »

در سوی دیگر این طیف، عوامل حفاظتی قرار دارند که بین حضور عوامل خطر و اتخاذ رفتار بزهکارانه فاصله ایجاد می‌کنند، بنابراین احتمال درگیر شدن یا قربانی شدن فرد در رفتار خشونت‌آمیز را کاهش می‌دهند. برای مثال، کودکی که در یک محیط خانوادگی گرم و صمیمی بزرگ می‌شود، نسبت به کودکی که خشونت را در خانه تجربه می‌کند، کمتر به خشونت متوسل می‌شود. عوامل حفاظتی به ارتقای تاب‌آوری در برابر ناملاپمات کمک می‌کنند و افراد یا جوامع تاب‌آور کسانی هستند که با وجود قرار گرفتن در معرض عوامل خطر، موفق می‌شوند از مشارکت در جرم و خشونت خودداری کنند. تاب‌آوری و تأثیر عوامل حفاظتی یک حوزه رو به رشد، مورد توجه و تحقیق است، تولید یافته‌های علمی نشان می‌دهد وجود تنها چند عامل حفاظتی می‌تواند تأثیر عوامل خطر را به حداقل برساند. مانند عوامل خطر، عوامل حفاظتی را نیز می‌توان با توجه به سطوح مدل بوم‌شناختی فهرست کرد. فرد در سطح فردی، عوامل گرایش بیولوژیکی و رشد شخصی شناسایی می‌شوند.



عوامل حفاظتی	عوامل خطر
<ul style="list-style-type: none"> • اعتماد به نفس و عزت نفس خوب • احساس هنجارها و ارزش‌ها • عملکرد خوب در مدرسه • گواهی مدرسه • بیان خود و مهارت‌های ارتباطی خوب • توانایی بحث در مورد مشکلات و حل تعارض 	<ul style="list-style-type: none"> • تکانشگری • پرخاشگری • تجربه سوء استفاده و خشونت • غفلت و طرد • عدم اعتماد به نفس • مشکلات یادگیری • تحمل خشونت و رفتار انحرافی

ارتباط

در سطح روابط، عوامل ناشی از روابط شخصی نزدیک (مانند خانواده، دوستان و گروه‌های همسالان) شناسایی می‌شوند.

عوامل حفاظتی	عوامل خطر
<ul style="list-style-type: none"> • تعاملات محبت‌آمیز و محترمانه در خانواده • حمایت از عملکرد خوب مدرسه از سوی والدین • نظارت والدین • روابط و پیوندها با بزرگسالان خارج از خانواده • الگوهای مثبت • دوستی‌های قابل اعتماد و پایدار 	<ul style="list-style-type: none"> • نظارت و راهنمایی ناکافی والدین • پیوند ضعیف بین والدین و فرزند • سطح تحصیلات پایین والدین • وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین • مصرف مواد مخدر و مجرمان در گروه همسالان • قرار گرفتن در معرض سطوح بالای خشونت و درگیری خانوادگی • شیوه‌های تربیتی سخت و ناسازگار • پدر و مادر جوان • خانواده بزرگ

اجتماع

در سطح اجتماع، عوامل ناشی از محیط اجتماعی بلافصل (مانند مدرسه، محله یا محل کار، که در آن روابط اجتماعی شکل می‌گیرد) شناسایی می‌شوند.



عوامل خطر	عوامل حفاظتی
<ul style="list-style-type: none"> • وجود باندهای جوانان • یکپارچگی اجتماعی پایین • فقدان فعالیت‌های اوقات فراغت • زیرساخت ناکافی • نرخ بالای جرم و جنایت و دسترسی آسان به سلاح • مصرف و خرید و فروش مواد مخدر 	<ul style="list-style-type: none"> • فضاهای باز امن برای استفاده مردم • تأثیر مثبت مددکاران اجتماعی • شبکه‌های اجتماعی فعال در جامعه • فرصت‌های مشارکت در مدرسه و در سطح جامعه • احساس تعلق و هم‌ذات‌پنداری با جامعه خود • در دسترس بودن خدمات اجتماعی

جامعه

در سطح جامعه، عوامل فراگیر مؤثر بر کل جامعه که به تشویق یا بازدارندگی ایجاد جو خشونت کمک می‌کنند، شناسایی می‌شوند.

عوامل خطر	عوامل حفاظتی
<ul style="list-style-type: none"> • اختلاف درآمد بالا، نرخ بالای فقر • فقدان حکمرانی خوب • تأمین اجتماعی ناکافی • شهرنشینی و مهاجرت سریع • فقدان یا دسترسی دشوار به خدمات اساسی • فرهنگ خشونت: هنجارها و ارزش‌هایی که خشونت را می‌پذیرند، عادی می‌سازند یا حتی تجلیل می‌کنند 	<ul style="list-style-type: none"> • سیستم تأمین اجتماعی کارآمد • راهبرد ملی برای پیشگیری جامع از خشونت و نهادهای کارآمد برای اجرای آن • سیاست‌های اجتماعی ترویج و حمایت از حقوق کودکان و جوانان • همبستگی در جامعه • یک مجری قانون کارآمد

همانطور که سطوح مختلف مدل بوم‌شناختی نشان می‌دهد، هیچ دلیل واحدی برای خشونت و جنایت وجود ندارد، بلکه تعداد زیادی از عوامل خطر بر رفتار خشونت‌آمیز در افراد تأثیر می‌گذارند و تسریع می‌کنند.

کاهش این عوامل خطر و تقویت عوامل حفاظتی با پرداختن به علل ریشه‌ای آن، به پیشگیری از جرم کمک می‌کند. بنابراین، هم کاهش عوامل خطر و هم ایجاد عوامل حفاظتی، در همه سطوح، به عنوان یک رویکرد مؤثر پیشگیری از خشونت باید در اولویت قرار گیرد.

اقدامات هماهنگ: رویکرد سیستمی

با توجه به ماهیت پیچیده خشونت، برنامه‌ریزی استراتژی‌های پیشگیری نیاز به یک رویکرد خاص و سیستماتیک در هنگام اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل مشکلات، علل و عوامل خطر مرتبط با خشونت دارد.



بنابراین، یک رویکرد سیستمی به خشونت و پیشگیری از جرم، مجرمان و قربانیان آنها را بخشی از یک نظام اجتماعی می‌داند. در این سیستم تعاملات و وابستگی‌های متقابل متنوعی بین بخش‌های مختلف سیستم و عاملان آن در سطوح مختلف وجود دارد. این تعاملات اجتماعی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر افراد ساکن در سیستم دارد. درک و پرداختن به این اثرات که رفتار خشونت‌آمیز را ترویج می‌کنند (یعنی عوامل خطر) نقش مهمی در برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات پیشگیری از خشونت ایفا می‌کند. این بدان معنی است که پاسخ‌های پایدار به خشونت و جنایت نمی‌تواند یک شبه یا توسط یک عامل به تنهایی به دست آید. پیش‌گیری زمانی مؤثرتر است که تلاش‌های هماهنگ بلند مدت توسط عاملان در طیف گسترده‌ای از بخش‌های مددکاران اجتماعی، معلمان، پلیس، سیاستمداران، بخش خصوصی، دانشگاه و سازمان‌های جامعه مدنی، تنها برای نام بردن از چند نفر انجام شود. رویکرد سیستمی شبکه‌سازی و همکاری متقابل میان همه این عاملان را تشویق می‌کند و اقدامات آنها را به سمت هدف مشترک آفریقای جنوبی امن‌تر برای همه شهروندان هدایت می‌کند.

این رویکرد، دیدگاه را از فرد «مجرم» به فردی که در معرض عوامل خطر قرار دارد و نیاز به حمایت دارد، تغییر می‌دهد تا بتواند ارزش‌های مثبت و مهارت‌های اجتماعی را کسب کند و شخصیتی مقاوم در برابر خشونت و جرم ایجاد کند. هنگام توسعه راهبردهای پیشگیری، همچنین مهم است که به خاطر داشته باشید که قربانیان و مجرمان احتمالی در طول زندگی خود دائماً در حال توسعه هستند.

در حالی که ما می‌دانیم عوامل خطر و محافظتی برای جرم و خشونت چیست، مهم است که به زمان ظهور آنها در طول زندگی فرد توجه کنیم و مداخلاتی را توسعه دهیم که با این عوامل خطر مقابله کنند و از عوامل حفاظتی در این لحظات حیاتی، به شیوه‌ای مناسب در سنین بالا حمایت کنند.

سطوح و انواع خشونت و پیشگیری از جرم

راهبردهای پیشگیری از خشونت و جنایت باید در سطوح مختلف مدل بوم‌شناختی برای کاهش پایدار عوامل خطری که خشونت را ترویج می‌کنند یا برای تقویت عوامل محافظتی که به پیشگیری از آن کمک می‌کنند، عمل کنند. هدف چنین راهبردهایی باید جلوگیری از ظهور خشونت و همچنین مقابله با خشونت موجود باشد.

اقدامات و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و اجرا شده در راهبردهای پیشگیری را می‌توان به روش‌های مختلف دسته‌بندی کرد. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل متحد و برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد عموماً اقدامات خود را براساس موارد زیر دسته‌بندی می‌کنند:

- **سطح یا مرحله‌ای** که فعالیت‌های پیشگیری در آن شروع می‌شود: قبل، حین یا بعد از بروز رفتار خشونت‌آمیز. در این زمینه می‌توان بین پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث تمایز قائل شد.
- **انواع اقدامات پیشگیرانه** مربوط به علت خشونت. در این زمینه می‌توان بین اقدامات پیشگیرانه موقعیتی، اجتماعی یا نهادی تمایز قائل شد.

سطوح خشونت و اقدامات پیشگیری از جرم

پیشگیری اولیه

هدف پیشگیری اولیه جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز قبل از ایجاد آن با شناسایی شرایطی که منجر به خشونت می‌شود و سپس تغییر آنها است. این اقدامات به افرادی می‌پردازد که هنوز نشانه‌هایی از رفتار خشونت‌آمیز از خود نشان نداده‌اند و به هر عامل خطری در زندگی خود می‌پردازند که ممکن است آنها را در مراحل بعدی درگیر رفتار خشونت‌آمیز کند.



هدف این مرحله از پیش‌گیری جلوگیری از وقوع خشونت با پرداختن به علل ریشه‌ای است. به عنوان مثال می‌توان به اطلاع‌رسانی عمومی و کمپین‌های افزایش آگاهی، برنامه‌های آموزشی، مداخلات در دوران کودکی و ایجاد چارچوب‌های سیاستی اشاره کرد.

پیشگیری ثانویه

پیشگیری ثانویه بر جلوگیری از ادامه یا تشدید خشونت، با خطاب قرار دادن افرادی که به شدت در معرض عوامل خطر هستند، یا کسانی که قبلاً رفتار خشونت‌آمیز از خود نشان داده‌اند، تمرکز دارد.

چنین اقداماتی می‌تواند بر محدود کردن شرایطی که به نفع رفتار خشونت‌آمیز است (مانند طرح‌های برنامه ریزی شهری برای بهبود استانداردهای زندگی، ارائه فعالیت‌های اوقات فراغت برای نوجوانان خشن یا ارائه خدمات اضطراری) تمرکز کند. یا می‌تواند شایستگی‌های افراد را ارتقا دهند (مثلاً با ارائه خدمات مشاوره‌ای که به تعارضات درون خانواده‌ها می‌پردازد و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد)

پیشگیری سوم

پیشگیری سوم بر ارائه مراقبت‌های طولانی مدت پس از اعمال خشونت‌آمیز و تلاش برای جلوگیری از عود مجدد توسط مجرمان متمرکز است.

چنین اقداماتی می‌تواند با تمرکز بر بازپروری و تغییر رفتار موثر و در عین حال تسهیل استقرار مجدد آن‌ها در جامعه، به عنوان مثال، به قربانیان رسیدگی کند؛ یا چنین اقداماتی می‌تواند با ارائه مشاوره تروما و سایر خدمات مرتبط با سلامت، به قربانیان رسیدگی کند. پیشگیری ثالثی همچنین می‌تواند از پیشگیری اولیه و ثانویه با کاهش ارتکاب و قربانی شدن بیشتر حمایت کند.

انواع خشونت و اقدامات پیشگیری از جرم

پیشگیری موقعیتی

پیشگیری موقعیتی به محیط فیزیکی مربوط می‌شود. هدف آن کاهش فرصت‌های خشونت و جنایت ناشی از عوامل محیطی است. نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از: بازسازی فضاهای عمومی از طریق برنامه‌ریزی شهری مشارکتی و ارائه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی؛ یا مداخلات محلی برای بهبود ایمنی افراد و همذات‌پنداری آن‌ها با فضاهای عمومی. به این امر پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) نیز گفته می‌شود.

پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل اقداماتی برای تقویت انسجام اجتماعی و کاهش انگیزه افراد برای توسل به خشونت است. نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از: توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر (افراد، خانواده‌ها و جوامع) برای مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و حمایت از آن‌ها در تحقق منافع خود؛ ارائه آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان از طریق فعالیت‌های مبتنی بر ورزش یا هنر؛ یا ارائه آموزش برای مهارت‌های فرزندپروری و حمایت از والدین.

پیشگیری نهادی

پیشگیری نهادی مربوط به استراتژی‌های کاهش خشونت از طریق تغییرات در سیاست‌های گسترده‌تر، قانون‌گذاری و عملکرد نهادهایی است که بر جامعه در سطح محلی، استانی یا حتی کشوری تأثیر می‌گذارند.

نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از: آموزش برنامه‌ریزان شهری در ادارات در مورد برنامه ریزی حساس به ایمنی؛ تقویت ساختارها برای مشارکت گسترده در سیاست محلی؛ یا افزایش آگاهی در مورد حقوق و تعهدات مدنی و سیاسی.



تغییر رفتارها - ایمنی زندگی

برای مؤثر بودن اقدامات پیشگیری نباید آن‌ها را از هم جدا کرد؛ بلکه آن‌ها باید بخشی از یک راهبرد بلندمدت جامع باشند که تلاش‌های طیف گسترده‌ای از عوامل مرتبط را با ترکیب نقاط قوت و مهارت‌های آن‌ها یکپارچه می‌کند. تضمین پایداری این تلاش‌ها مستلزم آن است که آنها تغییر رفتار را در افراد دریافت‌کننده مداخله ترویج دهند. چنین تغییراتی در رفتار می‌تواند از طریق تأثیر مستقیم و غیرمستقیم حاصل شود. یکی از جنبه‌های مهم در این زمینه، تجربه محلی افراد در خانواده، در میان دوستان، در مدرسه یا در جامعه است.

یادداشتی در مورد «تجربه محلی»

«...تجربه محلی، آنچه که از نحوه انجام کارها توسط افراد دیگر در محیط نزدیک احساس و دیده می‌شود و درک می‌شود، دیدگاه فرد را نسبت به آنچه «عادی»، «روتین» و «روزمره» است شکل می‌دهد. سپس این چارچوبی را برای توسعه هویت شخصی و درک آنچه برای «اتصال» یا «تناسب» یا «دستیابی» در محیط «عادی» لازم است فراهم می‌کند. به این ترتیب است که یک «فرهنگ» توسعه یافته و تکرار می‌شود.»

این تجربه تأثیر مستقیمی بر نگرش افراد مثبت یا منفی دارد. با پرداختن به این تجربه محلی، اقدامات پیشگیرانه می‌تواند بر نگرش‌ها و ذهنیت افراد در معرض خطر توسل به خشونت و جرم تأثیر بگذارد. این رویکرد تمایل بالقوه افراد به خشونت را در یک زمینه قرار می‌دهد. تغییر این زمینه، تاب‌آوری آنها را در برابر خشونت و جنایت تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، تغییر «تجربه محلی» می‌تواند تغییر رفتار به سمت رفتار غیرخشونت‌آمیز را حمایت و تشویق کند. این همچنین بدان معنی است که ترویج تغییر رفتار در عوامل کلیدی زندگی افراد - مانند خانواده، همسالان، معلمان یا تصمیم‌گیرندگان - می‌تواند باعث تغییر رفتار در آنها شود. برای مثال، والدین ممکن است از طریق آموزش‌های مهارتی هدفمند یاد بگیرند که چگونه با تعارضات بدون توسل به خشونت برخورد کنند. در نتیجه، فرزندان‌شان می‌آموزند که تعارضات را می‌توان (و باید) از طریق روش‌های غیرخشونت‌آمیز حل کرد. بنابراین تغییر رفتار را می‌توان به عنوان نقطه اوج یک فرآیند یادگیری درک کرد.

References

How can we prevent violence? (n.d.). *saferespaces (bi-monthly) newsletter*. Retrieved from <https://www.saferespaces.org.za/understand/entry/how-can-we-prevent-violence>

What is violence? (n.d.). *saferespaces (bi-monthly) newsletter*. Retrieved from <https://www.saferespaces.org.za/understand/entry/what-is-violence>



۷- چکیده پایان‌نامه دکتری

دست‌اندرکاران خبرنامه‌ی انجمن روان‌شناسی ایران، ضمن تبریک به دانش‌آموختگان، آمادگی خود را برای انعکاس اخبار دفاع و نیز چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دانش‌آموختگان دکترای گرایش‌های مختلف روان‌شناسی و رشته‌های مرتبط اعلام می‌دارند.

۷-۱- چکیده پایان‌نامه دکتر نظیر مظفری دانش‌آموخته‌ی دکتری روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر نظیر مظفری پایان‌نامه دکتری تخصصی خود تحت عنوان "پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان بر مبنای سیستم‌های مغزی-رفتاری و کارکردهای اجرایی، با واسطه‌گری تنظیم هیجان و لذت‌گرایی" را در شهریور ۱۴۰۱ به اتمام رساند. پایان‌نامه ایشان توسط دکتر فاطمه باقریان و دکتر علی زاده محمدی (استاد راهنما) و دکتر محمود حیدری (استاد مشاور) هدایت شده است.

چکیده:

زمینه و هدف: نوجوانی، دوره‌ای حساس برای تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائلی است که بالقوه بر مسیرهای سلامت روانی و جسمانی زندگی آینده فرد تأثیر می‌گذارد. نوجوانانی که درگیر رفتارهای پرخطر می‌شوند به میزان قابل توجهی در معرض خطر بیشتر مشکلات در آینده هستند و چالش‌ها و نگرانی‌های عمده‌ای را برای اجرای قانون، سلامت عمومی و سیاست عمومی کشور ایجاد می‌کنند. عوامل متعددی در بروز و تداوم رفتارهای پرخطر نوجوانان اثرگذار است. هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان بر مبنای سیستم‌های مغزی-رفتاری و کارکردهای اجرایی، با واسطه‌گری تنظیم هیجان و لذت‌گرایی بود.

روش: پژوهش، مطالعه‌ای مقطعی از نوع ترکیبی بود. داده‌های کیفی و کمی به صورت همزمان گردآوری شدند. در بخش کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی و در بخش کمی به بررسی رابطه‌ی رفتارهای پرخطر و سیستم‌های مغزی، رفتاری و کارکردهای اجرایی (مهیار پاسخ و تصمیم‌گیری) با توجه به نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و لذت‌گرایی در چارچوب تحلیل مسیر پرداخته شد. جامعه‌ی آماری شامل دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه‌ی مدارس عادی شهر سمنان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و ملاک محور با ۱۴ نوجوان (۸ پسر و ۶ دختر) که دارای رفتارهای پرخطر بودند مصاحبه‌ی نیمه‌ساختارمند انجام گرفت. در بخش کمی نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۸۰۴ نفر (۴۲۹ دختر و ۳۷۵ پسر) به روش تصادفی انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از مقیاس‌های خطرپذیری نوجوانان ایرانی (زاده‌محمدی، حیدری و احمدآبادی)، رفتارها و کارکردهای خودجرحی (گلن و کلونسکی)، سیستم‌های مغزی رفتاری (کارور و وایت)، تنظیم هیجان (گراتز و رومر)، لذت‌گرایی از زمان حال (زیمباردو و بوید) و تکالیف رایانه‌ای خطرپذیری بادکنک بارت و برو / نرو استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل مسیر حاکی از اثر مستقیم کارکردهای اجرایی (مهیار پاسخ و تصمیم‌گیری) و سیستم‌های مغزی رفتاری (فعالسازی رفتاری و بازداری رفتاری) بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان بود. علاوه بر این، اثرات غیرمستقیم کارکردهای اجرایی و سیستم‌های مغزی رفتاری به واسطه‌ی تنظیم هیجان و لذت‌گرایی به دست آمد. همچنین رفتارهای خودجرحی دختران نسبت به پسران دارای الگوی نامنظم و غیرقابل مشاهده بوده و بیشتر دارای کارکرد درون‌فردی بود. در بخش کیفی، نتایج چپستی رفتارهای پرخطر منجر به شناسایی ۲ مضمون اصلی (آسیب‌پذیری و هنجارشکنی) و ۵ مضمون فرعی، زمینه‌های رفتارهای پرخطر منجر به شناسایی ۳ مضمون اصلی

(عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی) و ۱۲ مضمون فرعی، و پیامدهای رفتارهای پرخطر، منجر به شناسایی ۴ مضمون اصلی (آسیب‌رسانی، مشکلات تحصیلی، مشکلات خانوادگی و مشکلات اجتماعی) و ۱۲ مضمون فرعی گردید.

نتیجه‌گیری: نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و لذت‌گرایی در رابطه‌ی رفتارهای پرخطر و سیستم‌های مغزی، رفتاری و کارکردهای اجرایی تأیید شد. همچنین مصاحبه‌های صورت گرفته با نوجوانان نشان داد که رفتارهای پرخطر نوجوانان پدیده‌ای است که دارای صرفاً یک زمینه‌ی خاص نیست و عوامل متعدد و درهم‌تنیده‌ای در بروز و تداوم آنها نقش دارد. با توجه به وجود رابطه بین کارکردهای اجرایی و سیستم‌های مغزی، رفتاری با رفتارهای پرخطر و نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و لذت‌گرایی در این رابطه، در راستای پیشگیری و درمان نوجوانان درگیر رفتارهای پرخطر از برنامه‌های مداخلاتی مناسب همچون توانبخشی شناختی، تنظیم هیجان و مدیریت چشم‌انداز زمان استفاده کرد.

واژگان کلیدی: بازداری رفتاری، تصمیم‌گیری، تنظیم هیجان، رفتارهای پرخطر، فعال‌سازی رفتاری، لذت‌گرایی، مهار پاسخ، نوجوانی.

۸- معرفی کتاب‌های جدید

۸-۱- شکستن چرخه سوءاستفاده و بدرفتاری

نویسنده: بوری اینگل

مترجمان: دکتر زینت‌السادات میرپور، کوثر شفیعی رضوانی نژاد، نادیا علی اکبرخواه،

علیرضا رمضان‌صفت

ناشر: انتشارات ارجمند

معرفی کتاب

اگر در کودکی یا نوجوانی مورد سوءاستفاده عاطفی، جسمی یا جنسی قرار گرفتید یا اگر نادیده گرفته شده‌اید یا رهایتان کرده‌اند، در این صورت دیگر مسئله این نیست که آیا شما به چرخه سوءاستفاده ادامه خواهید داد یا خیر، بلکه مسئله اصلی این است که چطور این کار را خواهید کرد؛ آیا خودتان سوءاستفاده‌گر خواهید شد یا همچنان قربانی خواهید ماند. در این کتاب بوری اینگل درمانگر متخصص در حوزه سوءاستفاده هیجانی و جنسی شرح می‌دهد که چطور یک‌بار برای همیشه چرخه سوءاستفاده را متوقف سازید. برنامه گام به گام او به شما در راستای به دست آوردن کنترل هیجان‌ها، تغییر نگرش‌های



منفی، یادگیری راه‌های سالم برقراری ارتباط، التیام سوءاستفاده‌های قبلی و جستجوی حمایت کمک می‌کند. این کتاب علاوه بر اینکه مانع می‌شود شما به یک فرد بدرفتار و سوءاستفاده‌گر تبدیل شوید یا به رفتار سوءاستفاده‌گرانه‌تان ادامه دهید، کمکتان می‌کند تا در زندگی‌تان به عنوان یک فرد بزرگسال از اینکه دائماً قربانی باشید اجتناب کنید. بوری اینگل، ۳۵ سال است که روان‌درمانگر است و نویسنده بسیاری از کتب غیر داستانی همچون رهایی از سوءاستفاده هیجانی و پایان دادن به آزار احساسی در روابط عاطفی است.

۸-۲- کتاب درمان شناختی رفتاری اختلالات اعتیادآور

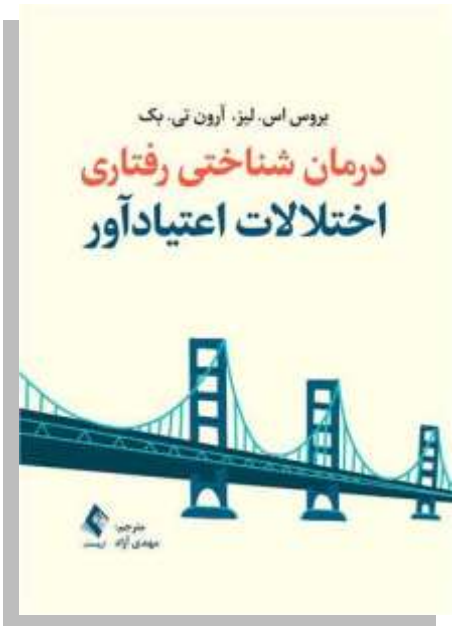
نویسنده: بروس اس. لیز / آرون تی. بک

مترجم: مهدی آزاد

انتشارات: ارجمند

معرفی کتاب

تصور کنید که در بیشتر عمر خود درگیر فعالیتی ارزشمند هستید و به تدریج متوجه می‌شوید که این فعالیت هر چیزی را که برای شما با ارزش هست از بین می‌برد. سپس تصور کنید که سعی می‌کنید این فعالیت را ترک کنید و احساس می‌کنید که قادر به انجام آن نیستید، مهم نیست چقدر تلاش می‌کنید. در مرحله بعد، تصور کنید که این کار را بارها و بارها تکرار می‌کنید، زیرا می‌دانید که آن در مرگ شما نقش دارد. متوجه می‌شوید که به جای کاهش سرعت یا توقف، مجبور به انجام بیشتر و بیشتر از آن هستید. سپس عزیزان‌تان را تجسم کنید که می‌گویند دیگر مشارکت شما در این فعالیت را تحمل نمی‌کنند. حالا به این تصاویر، تصویر کل جامعه را اضافه کنید که شما را به خاطر درگیر شدن در این فعالیت مورد انگ قرار می‌دهند.



این تجربیات برای افرادی که با اعتیاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، آشناست. شرم، گناه، دوسوگرایی، ترس، شک، درماندگی، سرخوردگی و ناامیدی تنها برخی از احساساتی هستند که بسیاری از افراد تلاش می‌کنند به منظور اجتناب از آن‌ها از رفتارهای اعتیادآور خودداری کنند. این افراد الهام‌بخش پیگیری متن اصلی ما، درمان شناختی سوءمصرف مواد هستند (بک، رایت، نیومن، و لیز، ۱۹۹۳). از زمان انتشار آن تقریباً ۳۰ سال پیش، ما با هزاران بیمار کار کرده‌ایم که به ما اعتماد کرده‌اند تا به آن‌ها کمک کنیم تا با رفتارهای اعتیادآورشان مقابله کنند.

بسیاری از بیماران ما با احساس یأس و ناامیدی وارد درمان شده‌اند. بسیاری از آن‌ها همه چیزهایی را که برای‌شان مهم بود از دست داده‌اند، از جمله دوستان، خانواده، خانه، سلامتی و شغل. برخی احساسات ناامیدانه دارند، به‌عنوان مثال: «من به انتهای مسیر زندگی رسیده‌ام» و «اگر این [درمان] کار نکرد، کارم تمام شده است.» با کمال تعجب، بسیاری از بیماران ما مهارت‌های درمان شناختی-رفتاری (CBT) را آموخته و به کار گرفته‌اند و زندگی‌شان را تغییر داده‌اند. آن‌ها با افزایش کنترل بر افکار، احساسات و رفتارهای خود سالم‌تر و شادتر شده‌اند. بسیاری از آن‌ها روابط نزدیک جدیدی ایجاد کرده و روابط قدیمی را دوباره برقرار کرده‌اند. بیشتر آن‌ها کار ثابت و معناداری یافته‌اند. تقریباً همه از این که می‌توانند افسار زندگی خود را به دست بگیرند شگفت‌زده شده‌اند.

در این کتاب تمام تلاش‌مان را می‌کنیم تا ۳۰ سال روند و پیشرفت در تحقیقات و درمان اعتیاد را ترسیم کنیم. به‌عنوان مثال، ما:

- شواهد فعلی را که از اثربخشی CBT برای درمان اعتیاد حمایت می‌کنند، بررسی می‌کنیم (فصل ۱).
- مدل خود را هم برای اعتیادهای شیمیایی و هم برای اعتیادهای رفتاری اعمال می‌کنیم (فصل ۱).
- مدل سندرم اعتیاد را معرفی می‌کنیم (فصل ۱ و ۲).
- عوامل ژنتیکی، عصبی-زیستی، روانی-اجتماعی و محیطی مرتبط با ایجاد رفتارهای اعتیادآور را بررسی می‌کنیم (فصل ۲).
- یک روش مفهوم‌پردازی موردی سیستمیک برای درک افراد در حال بهبودی پیشنهاد می‌کنیم (فصل ۳).
- بر اهمیت پژوهش در مورد تأثیر انگ بر روند درمانی تأکید می‌کنیم (فصل ۴).

- ارتباط متقابل بین کشف هدایت‌شده و مصاحبه‌انگیزی را توضیح می‌دهیم (فصل ۶).
- ۱۲ تکنیک استانداردشده CBT را برای کمک به بیمارانی که با اعتیاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند توضیح می‌دهیم (فصل ۷).
- مفاهیم تفکر سیستم ۱ و سیستم ۲ را برای حفظ اعتیاد به کار می‌بریم (فصل ۱۰).
- مفهوم سبک‌های دکتر آرون بک را معرفی می‌کنیم و این مفهوم را در مورد اعتیاد به کار می‌بریم (فصل ۱۱).
- در مورد اجرای درمان گروهی CBT راهنمایی خاصی ارائه می‌دهیم (فصل ۱۲).

امیدواریم این مطالب جدید برای کار با کسانی که با اعتیاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند مفید باشد. در سراسر این کتاب، نمونه‌های فرضی مختلفی را ارائه می‌کنیم تا طیف وسیعی از بیماران را با انواعی از اعتیادها و مشکلات مرتبط نشان دهیم.

۹- مجله‌های منتشر شده

۹-۱- سی‌امین شماره دو فصلنامه «نشریه روان‌شناسی معاصر»

در سی‌امین شماره دو فصلنامه نشریه روان‌شناسی معاصر مقاله‌های زیر به چاپ رسیده است:

- مدل ساختاری رابطه‌ی بین باورهای غیرمنطقی و طرح‌واره‌های ناسازگار با گرایش به جراحی زیبایی: نقش میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان در بین زنان متقاضی جراحی زیبایی شهر بوشهر
- الگوی ساختاری سرسختی روان‌شناختی، باورهای دینی با تاب‌آوری در برابر خودکشی: نقش میانجی‌گری ابعاد مثبت شفقت به خود
- الگوی ساختاری کمال‌گرایی خودانتقادانه و نشانگان افسردگی، اضطراب و استرس نقش واسطه‌ای اجتناب تجربه‌ای و نشخوار فکری
- کمال‌گرایی خود انتقادی به نشانگان روان‌شناختی نقش واسطه‌ای اجتناب تجربه‌ای و نشخوار فکری
- بررسی اثر متغیرهای کنترل و پیوند عاطفی در تمرین کانون‌های توسعه‌ای بر ساخت رابطه و ارتباط مستقیم در شرکت‌کنندگان کانون ارزیابی
- اثربخشی بازی‌درمانی با رویکرد آکسلاین بر اختلالات مرتبط با اضطراب کودکان مقطع دبستان شهر یزد
- الگوی ساختاری تیپ شخصیت D با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نقش میانجی خودآگاهی هیجانی در نوجوانان
- بررسی تأثیر تهدید کرونا بر تمایل به ترک خدمت با نقش میانجی اضطراب روان‌شناختی (مورد مطالعه: بیمارستان‌های دولتی شهر اهواز)
- رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی با میانجی‌گری مقابله‌ی مذهبی و عاطفه‌ی مثبت و مقایسه‌ی متغیرهای میانجی‌گر
- مدل ساختاری احساس تنهایی بر اساس روابط موضوعی و کیفیت ارتباط والد- کودک در افراد با گرایش شخصیت مرزی: نقش میانجی خودشیفتگی
- اثربخشی مشاوره‌ی خانواده از راه دور بر تعارضات خانوادگی و صمیمیت زناشویی در ایام کرونا





در بیست و نهمین شماره دو فصلنامه نشریه بین‌المللی روان‌شناسی مقاله‌های زیر به چاپ رسیده است:



- Relationship between Conscientiousness and Adversity Quotient with Task Performance: Mediating Role of Intrinsic Work Motivation
- Maternal Parenting Styles and Aggression in ADHD Children: The Mediating Role of Executive Function
- Comparison of the Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy (ACT) and Mindfulness-Based Cognitive Therapy on Distress Tolerance of Female Adolescents with Self-Injury Behaviors
- Designing and Testing a Model of the Relationship of Ethical Leadership to Organizational Citizenship and Counterproductive Work Behaviors: Mediating Role of Organizational Trust
- Predicting the Symptoms of Schizophrenia based on Early Maladaptive Schemas and Dysfunctional Attitudes with the Mediating Role of Self-Esteem
- Dyslexia and the Pattern of Strengths and Weaknesses: Wechsler Intellectual Profile of Students with Dyslexia
- Prediction of Pessimistic Attitude towards Remarriage based on Insecure Attachment Style and Fear of Intimacy in Divorced Women
- The Effectiveness of Emotional-Focused Couple Therapy on Reducing the Negative Emotion Schemas and Alexithymia as well as Increasing Marital Compatibility

۳-۹- پانزدهمین شماره دو فصلنامه «نشریه دانش روان‌شناسی»

در پانزدهمین شماره دو فصلنامه علمی - ترویجی دانش روان‌شناسی مقاله‌های زیر به چاپ رسیده است:



- در این شماره می‌خوانیم
- سخن سردبیر / طفلی به نام شادی در خانواده‌ها
- تاثیر شادی بر بهبود روابط اعضای خانواده‌ها
- مجردها داغ ننگ‌خورده‌اند!
- شواهدی مبتنی بر آزمایش هویت اجتماعی / جذابیت و مسؤولیت ادراک-
شده
- والدگری ذهن‌آگاه
- رابطه سلامت عمومی و کیفیت زندگی در توان‌بخشی کم‌توانان ذهنی
- استراتژی‌های جفت‌یابی و عملکرد جنسی در اختلالات شخصیتی / مروری
جامع بر پیشینه پژوهشی موجود
- وضعیت فعلی و آینده خانواده‌درمانی نمادین-تجربی / تحلیل پست‌مدرن

- تأملی بر آسیب‌شناسی قتل بابک خرم‌دین
- اختلال اضطراب جدایی؛ سبب‌شناسی و درمان
- اختلال وسواسی جبری ارتباطی
- مفهوم‌یابی، ارزیابی و درمان با تمرکز بر فرهنگ ایرانی
- ارتقای تحمل پریشانی با آرمیدگی
- شفقت به خود مبتنی بر ذهن‌آگاهی و کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با فضای مجازی

۴-۹- چهل و ششمین شماره دو فصلنامه «نشریه پژوهش‌های روان‌شناختی»

در چهل و ششمین شماره دو فصلنامه نشریه پژوهش‌های روان‌شناختی مطالب زیر به چاپ رسیده است:

- اثربخشی شناخت‌درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر تنظیم شناختی - هیجانی و انعطاف‌پذیری شناختی بیماران گوارشی
- علی‌اکبر سیاسی، بنیان‌گذار روان‌شناسی در ایران: معرفی بیوگرافیک
- سبک زندگی و سواد سلامت در بیماران مبتلا به کووید-۱۹ و افراد غیرمبتلای مراجعه کننده به بیمارستان
- تأثیر آموزش مبتنی بر شکوفایی بر شایستگی‌های هیجانی - اجتماعی دانش‌آموزان
- پیش‌بینی نگرش صمیمانه و شادکامی زناشویی بر اساس خودشفقت‌ورزی و مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان زن متأهل
- یادگارهای ماندگار در روان‌شناسی؛ فیلیپ جرج زیمباردو

**گزارش‌های کوتاه از پژوهش‌های بالینی**

فعالیت فیزیکی و افسردگی در بیماری اسکروز چندگانه

خواب بهتر در زمان حصر خانگی طی کووید

گزارش و خبر

معرفی کتاب و مجله

اطلاعیه‌ها

۱۰- تبریک‌ها و تسلیت‌ها

عرض تسلیت خدمت جناب آقای دکتر سیدکاظم واعظ موسوی

همه از او بییم و به سوی او باز می گردیم

با کمال تأسف و تأثر اطلاع حاصل شد که سرکار خانم هما معصومی، همسر گرامی استاد ارجمند، جناب آقای دکتر سیدکاظم واعظ موسوی، عضو سابق هیات مدیره انجمن روان‌شناسی ایران، به دیار باقی شتافته‌اند. هیات مدیره انجمن روان‌شناسی ایران مصیبت وارده را خدمت این استاد ارجمند تسلیت گفته، برای ایشان و خانواده گرامی‌شان آرزوی صبر و بردباری دارد.



۱۱- شرایط و تسهیلات عضویت در انجمن روان‌شناسی ایران

اعضای انجمن با پرداخت به موقع حق عضویت خود می‌توانند گامی مؤثر در ادامه‌ی فعالیت‌های انجمن برداشته و ما را در پیشبرد اهدافمان یاری دهند که برای سهولت در امر عضویت از ابتدای سال ۱۳۹۵ ثبت نام به صورت الکترونیکی انجام خواهد گرفت.

- برای اینکه در فرآیند ثبت نام با مشکل مواجه نشوید از مرورگر کروم (آخرین نسخه) استفاده نمایید.
- * شایان ذکر است: مطابق مصوبه‌ی هیئت مدیره‌ی انجمن، از ابتدای سال ۱۳۸۶، علاوه بر سایر امتیازات عضویت در انجمن، شامل تخفیف در کارگاه‌های آموزشی، حق عضویت شامل اشتراک مجله‌ی «روان‌شناسی معاصر» و «پژوهش‌های روانشناختی» برای همه‌ی اعضای می‌باشد که حق عضویت خود را پرداخت و یا تمدید عضویت نموده‌اند.
- تمامی اعضای انجمن با رمز عبوری که در اختیار آنها قرار خواهد گرفت، به مجله «روان‌شناسی معاصر» و «پژوهش‌های روانشناختی» و اعضای پیوسته به مجله «بین‌المللی روان‌شناسی» انجمن روان‌شناسی ایران به صورت الکترونیک، دسترسی خواهند داشت.

یادآوری

- ۱- عضویت در انجمن روان‌شناسی ایران یک‌ساله است و لازم است اعضاء نسبت به تمدید عضویت خود به موقع اقدام کنند. اعضای محترم انجمن روان‌شناسی ایران، با عضویت دو ساله و سه ساله از تخفیف ۱۰ درصد و ۲۰ درصد و صرفه‌جویی در هزینه پست برخوردار شوید. نظر به اینکه در هر دوره عضویت صرفاً یک کارت برای اعضا صادر می‌گردد، تغییر نوع عضویت در طول دوره امکان‌پذیر نیست. لذا خواهشمندیم چنانچه طی یک سال یا دو سال آینده، مقطع تحصیلی شما ارتقاء می‌یابد، لطفاً حسب مورد، به عضویت یک‌ساله یا دو‌ساله اقدام نمایید. چنانچه مدرک تحصیلی تغییری ندارد می‌توانید عضویت سه ساله را انتخاب نمایید.
 - ۲- اعضای محترم اگر تغییری در آدرس اعم از پلاک، تلفن و یا ایمیل دارند خواهشمند است سریعاً نسبت به اصلاح اطلاعات شخصی خود از طریق سایت انجمن (با ورود به صفحه کاربری خود) اقدام فرمایند.
 - ۳- اعضای مقیم خارج از کشور
- دانشجویان و استادان ایرانی مقیم خارج از کشور نیز برای عضویت در انجمن روان‌شناسی ایران می‌توانند از طریق سایت انجمن اقدام فرمایند.
- شایان ذکر است برای ارسال کارت عضویت انجمن، آدرس پستی ایران مورد نیاز است.

در تدوین و توزیع خبرنامه انجمن مشارکت کنیم

پیام‌های الکترونیکی و بازخوردهای حضوری گویای این است که خبرنامه انجمن روان‌شناسی ایران، جایگاه نسبتاً خوبی را در اطلاع‌رسانی رویدادهای روان‌شناختی پیدا کرده است و به وسیله‌ای مؤثر در تبادل اخبار رویدادهای روان‌شناختی میان روان‌شناسان کشورمان تبدیل شده است. شما همکار گرامی، استاد گران‌قدر و دانشجوی عزیز می‌توانید با اظهارنظر در خصوص محتوای خبرنامه، از طریق ارسال مطالب و خبر به خبرنامه، و با ارسال خبرنامه به روان‌شناسانی که ایمیل آن‌ها را در اختیار دارید در به اشتراک گذاشتن اخبار و دیدگاه‌ها



میان روان‌شناسان کشورمان سهیم شوید. بدیهی است، مطالب با ذکر نام فرد ارسال‌کننده در خبرنامه درج خواهد شد. همچنین از عزیزی که به هر طریقی با خبرنامه همکاری داشته باشند با ذکر نام تشکر به عمل خواهد آمد.

همکار ارجمند، عضو محترم انجمن روان‌شناسی ایران

مایه‌ی مسرت و خوشحالی است که با احساس مسئولیت علمی و حرفه‌ای خود در انتشار خبرنامه انجمن مشارکت می‌نمایید. اگرچه ارسال خبرنامه‌ی حاضر به فهرست دوستانان که ایمیل آن‌ها را در صندوق پست الکترونیکی خود دارید ممکن است زمان و انرژی بالایی از شما صرف نکند، و هرچند شما تأثیر این گامتان را در توسعه‌ی علمی رشته روان‌شناسی کوچک ارزیابی نمایید، اما مطمئن باشید همین

مجموعه تلاش‌ها راهی بسیار مؤثر در تحقق اهداف انجمن روان‌شناسی ایران یعنی

گسترش، پیشبرد و ارتقاء علم روان‌شناسی؛ توسعه‌ی کمی و کیفی نیروهای تخصصی؛ و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی حوزه

روان‌شناسی خواهد بود.